

کارگران همه کشورها متحد شوید!

## پرواز ققنوس



“حزب ما توده را سازد پیروز می رسد فردایی از پس امروز”

\* برگزاری پیروزمند ششمین کنگره حزب توده ایران!  
\* پیام های شورانگیز بیش از ۵۲ حزب کارگری و کمونیستی جهان به ششمین کنگره حزب  
\* تصویب برنامه نوین حزب توده ایران  
\* تصویب گزارش سیاسی و گزارش شعب مختلف کمیته مرکزی  
\* تصویب سند مهم به مناسبت سی امین سالگرد یورش جمهوری اسلامی به  
\* حزب توده ایران  
\* پیام های ششمین کنگره حزب توده ایران به: خانواده جانباختگان راه بهروزی مردم ایران و حقوق  
\* توده های زحمت، و خانواده های زندانیان سیاسی؛ نیروهای مترقی، آزادی خواه و عدالت جو؛  
\* کارگران و زحمتکشان؛ به زنان آزادی خواه ایران؛ به جوانان و دانشجویان؛ به خلق های تحت ستم،  
\* به خالقان ادب و هنر؛ به اعضاء و هواداران حزب و به احزاب کارگری و کمونیستی جهان.

نامه  
مردم  
از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۹۱۵، ۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۱  
دوره هشتم، سال بیست و هفتم

پیروزباد ششمین کنگره حزب توده ایران



با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم “ولایت فقیه”!



## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره برگزاری ششمین کنگره حزب

ایران نه تنها توانسته است با موفقیت برنامه‌های ارتجاع را با شکست روبه‌رو کند، بلکه به گواهی نبرد سی ساله گذشته‌اش - که در عین حال با دشوارترین دوران جنبش جهانی کارگری و کمونیستی در تاریخ معاصر هم‌زمان بود- توانسته است آزمون‌های دشواری را پشت سر نهد و سر بلند، پرچم ظفر نمون حزب ارانی‌ها، سیامک‌ها، روزبه‌ها، وارطان‌ها، تیزابی‌ها، حکمت‌جوها، علی‌امیدها، هانفی‌ها، و سیمین‌فردین‌ها را همچنان در اهتزاز نگاه دارد.

رفقای شرکت کننده در ششمین کنگره حزب به درستی بر این نکته اصرار می‌ورزیدند که، حزب و میهن ما دوران حساس و مهمی را پیش رو دارند، و توده‌های ما باید با انسجام آهنین صف‌های شان، خود را برای رویدادهای سرنوشت ساز آینده آماده سازند.

برگزاری پیروزمندانه ششمین کنگره حزب توده ایران، پیام آور حرکت موفق حزب ما در کنار جنبش مردمی میهن برای طرد رژیم استبدادی ولایت فقیه و فراهم آوردن زمینه برای تحول‌های بنیادین، پایدار، و دموکراتیک در میهن مان است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۵ اسفندماه ۱۳۹۱

**به مناسبت برگزاری پیروزمندانه کنگره ششم حزب**

### جان تشنه

مه دوهفته را اگر شبی نگاه کرده‌ام  
به نام راستی بگو مگر گناه کرده‌ام  
مگر نگفته بودمت که در کویر یادها  
برای دل زبرگ گل پناهگاه کرده‌ام  
گنه نکرده‌ام اگر به موج هولناک شب  
صراحی حیات را پر از پگاه کرده‌ام  
گنه نکرده‌ام اگر به شامگاه زندگی  
ز سایه روشن افق سراغ ماه کرده‌ام  
گنه نکرده‌ام اگر بدین نشان رسیده‌ام  
که انتخاب راه را به انتباه کرده‌ام  
ملاطم مکن که من سبوی جان تشنه را  
لبالب از شراب تو، به دلخواه کرده‌ام  
توان زجان گرفته‌ام برای جستجوی تو  
نسیم صبحگاه را دلیل راه کرده‌ام

ایرج

۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۱

انتباه: آگاهی رسیدن، آگاهی، بیداری، دقت

ششمین کنگره حزب توده ایران، با شرکت، کادرها، مسئولان حزبی، و اعضای کمیته مرکزی برگزار شد. ششمین کنگره حزب کار خود را با یک دقیقه سکوت به احترام جان باختگان توده‌ای و همه جان باختگان راه آزادی میهن آغاز کرد.

رفقای شرکت کننده در کنگره نخست به بحث و تبادل نظر درباره "طرح برنامه نوین حزب توده ایران" پرداختند، و پس از اصلاح برخی موارد، آن را به تصویب رساندند. بخش بعدی کار کنگره به بررسی گزارش سیاسی کمیته مرکزی و شعبه‌های گوناگون کمیته مرکزی اختصاص داشت، که در بردارنده بحث درباره: تحول‌های ایران و جهان در فاصله میان دو کنگره (در ۹ سال گذشته)، چشم انداز تحول‌های آتی، و سیاست‌های حزب، بود. رفقای شرکت کننده گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب را به طور دقیق بررسی کردند، و این سند سپس از سوی شرکت کنندگان در کنگره به تصویب رسید.

بررسی نقادانه کار شعبه‌ها و کمیسیون‌های مختلف کمیته مرکزی، بخش مهمی از کار کنگره را به خود اختصاص داد. در نتیجه این بررسی‌ها، کنگره برای گسترش و بهبود کار شعبه‌ها و کمیسیون‌های مختلف تصمیم‌های مشخصی گرفت.

شرکت کنندگان در کنگره سپس به بررسی "سند ویژه"یی درباره سی‌امین سالگرد یورش دستگاه‌های سرکوب رژیم ولایت فقیه بر ضد حزب توده ایران پرداختند. در آغاز بحث درباره این سند، رفیق علی خاوری درباره وضعیت حزب پس از انقلاب، چگونگی عملکرد رهبری وقت حزب، یورش و دستگیری‌های گسترده، همچنین مهاجرت توده‌ای‌ها، و دشواری‌هایی که حزب برای بازسازی صف‌های خود با آن‌ها روبه‌رو بود، گزارش مفصلی به شرکت کنندگان در ششمین کنگره حزب ارائه داد. در پی این گزارش مفصل، رفقا به بحث درباره زاویه‌های مختلف یورش به حزب، و ادامه توطئه‌های دستگاه‌های امنیتی پرداختند، و سند را پس از وارد کردن تغییرهایی در آن، با اکثریت آرا به تصویب رساندند.

بخش دیگر کار شرکت کنندگان در کنگره، انتخاب اعضای کمیته مرکزی جدید حزب بود. کمیسیون انتخابات کنگره پس از شمارش آرا، که تا پاسی از نیمه شب ادامه یافت، نتیجه انتخابات را به کنگره اعلام کرد، و انتخاب اعضای کمیته مرکزی جدید حزب در میان کف زدن‌های شورانگیز رفقای شرکت کننده به تأیید کنگره رسید.

در پی پایان کار "ششمین کنگره"، کمیته مرکزی جدید حزب توده ایران، نخستین نشست خود را برگزار کرد، و در این نشست، هیئت سیاسی و مسئولان شعبه‌های حزب انتخاب شدند.

دریافت بیش از ۵۲ پیام شور انگیز و پر محتوا از سوی حزب‌های کارگری و کمونیستی جهان، در حالی که برگزاری ششمین کنگره حزب در جریان بود، نشانگر اعتبار کم نظیر حزب در جنبش جهانی کمونیستی و نقش مهم رهبری حزب ما در عرصه مبارزه جهانی اردوی کار بر ضد سرمایه داری انحصاری و امپریالیسم جهانی است.

ششمین کنگره حزب ما بی شک نقطه عطف مهمی در تاریخ حزب توده ایران است. سی سال پس از یورش گسترده و ددمنشانه سربازان ارتجاع و تاریک اندیشی بر ضد حزب طبقه کارگر ایران، به قصد نابودی و ریشه کن کردن آن از میهن مان، حزب توده

گزارش کمیته مرکزی به ششمین کنگره حزب توده ایران صفحات ۱۴ تا ۴  
پیروزی بزرگ حزب ما در رویارویی با توطئه‌های سهمناک ارتجاع صفحات ۱۵ تا ۱۷  
پیام ششمین کنگره به کارگران و زحمتکشان صفحه ۱۸  
پیام ششمین کنگره به زنان آزادی خواه ایران صفحه ۱۹  
پیام ششمین کنگره حزب توده ایران به احزاب کارگری و کمونیستی صفحه ۲۰  
پیام کنگره ششم حزب توده ایران به: نیروها، و سازمان های ملی، آزادی خواه و عدالت‌جوی کشور صفحه ۲۱  
پیام ششمین کنگره حزب توده ایران به خانواده های زندانیان سیاسی و خانواده های جان باختگان راه آزادی صفحه ۲۱  
پیام هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صفحه ۲۲  
پیام های احزاب کارگری و کمونیستی از: فدارسیون روسیه، قبرس، هند، شیلی، بریتانیا، صفحات ۲۴ تا ۲۲

# پرواز ققنوس!

“حزب ما، توده را سازد پیروز

می‌رسد فردایی از پس امروز”

[برگرفته از: متن “سرود چهارم حزب”]

ماه بهمن است. ماه انقلاب، ماه پورش وحشیانه گزندگان استبداد به کهن‌ترین حزب و سازمان سیاسی کشور، ماه گرمای داشتِ خاطره ده‌ها هزار جان‌باخته توده‌ای که در بیش از هفت دهه گذشته، در راه استقرار آزادی، عدالت اجتماعی، و رهایی میهن از بندهای بهره‌کشی و استعمار رزمیده‌اند. توده‌ای‌ها از ورای فریادهای “نابود شد” و “منحل گردید” سران تاریک‌اندیشی و استبداد گردهم آمده‌اند، تا پس از گذشت سی سال، شکست توطئه‌های مداوم دستگاه‌های امنیتی و سرکوب رژیم را قاطعانه اعلام کنند، و فصل نویی را در تاریخ شکوهمند مبارزه حزب ارانی‌ها، سیامک‌ها، روزبه‌ها، وارطان‌ها، تیزابی و حکمت‌جوها، رحمان هاتفی و سیمین فردین‌ها، رقم زنند.

سه نسل از توده‌ای‌ها، از رفقای که در سال‌های دهه ۱۳۲۰ به صف‌های حزب پیوسته بودند تا مبارزان دوران دشوار ستم شاهی، فاتحان زندان‌های شاه، و امروز فرزندان انقلاب بهمن ۵۷، زن و مرد، مسن و جوان، از هر سو گرد آمده‌اند. چهره‌ها مصمم‌اند، و رفقا با بوسه‌های گرم به استقبال یکدیگر می‌روند و مشتاقانه در انتظار شروع کارند.

پرچم‌ها در اهتزازند. سالن کنگره با تصویرهای زیبای رفقای قهرمان: رحمان هاتفی، خسرو روزبه، حیدر عمواعلی، فاطمه مدرسی، و دکتر تقی ارانی تزیین شده است. شعار: “آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران”، در گوشه‌یی جلب توجه می‌کند. انتظار به پایان می‌رسد، و رفیق خاوری با اعلام یک دقیقه سکوت، به احترام خاطره تابناک شهدای توده‌ای و همه جان‌باختگان راه آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی، آغاز کار رسمی ششمین کنگره حزب توده ایران را اعلام می‌کند. سکوت سنگین حاکم بر سالن، در گرمای داشتِ خاطره قهرمانان خاموشی که دیگر در میان ما نیستند، با خروش تندر آسای “برشکن هر سد اگر خواهی آزادی”، چهارمین سرود حزب، درهم می‌شکند، و رفقا سرود خوانان به استقبال وظیفه‌یی پر اهمیت می‌روند.

سنگینی احساس مسئولیت بر چهره‌ها آشکار است. ششمین کنگره حزب توده ایران، در اوضاعی بسیار حساس و پر تلاطم از تاریخ معاصر میهن و حزب ما، برگزار می‌شود. آینده جنبش مردمی، خطرهای جدی‌ای که از خارج از مرزها میهن را تهدید می‌کند، و ضرورت درپیش گرفتن تصمیم‌های مهم سیاسی، تشکیلاتی، و برنامه‌ای، از جمله مسئله‌هایی‌اند در برابر کنگره قرار دارند.

نخستین وظیفه، انتخاب هیئت رئیسه کنگره، و سپس بررسی سندهایی است که در دستور کار کنگره قرار دارند. بررسی طرح برنامه نوین حزب، و پس از آن، گزارش کمیته مرکزی حزب درباره رویدادهای ۹ سال گذشته و ترسیم خطوط اساسی وظایف دشوار آینده، بحث و تبادل نظرهای کنگره را به خود اختصاص می‌دهند. رفقا فعالانه در جریان بحث‌ها شرکت می‌کنند. از نگرانی‌ها برای آینده، از عقیم ماندن جنبشی عظیم، از مآضات‌ها و سازش‌ها سخن گفته می‌شود. چگونه می‌توان جنبش را از مهلکه کنونی رها کنید، و راه مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه را گشود؟ وظیفه نیروهای مترقی و توده‌ای‌ها در شرایط کنونی چیست؟ بحث‌ها تا پاسی از نیمه شب ادامه دارد.

حتی در فاصله استراحت‌ها هم رفقا در گوشه و کنار به بحث و تبادل نظر مشغولند. در گوشه‌یی رفیق خاوری مشغول گفت‌وگو با یکی از رفقای قدیمی و از فعالان جنبش کارگری است. در گوشه‌یی دیگر رفقا دور استاد یگانه و سپید موی تئاتر و هنر میهن‌مان را گرفته‌اند و مشغول صحبت‌اند.

در گوشه دیگر افسر قدیمی توده‌ای و نویسنده کتاب تاریخی و ارزشمند: “نا گفته‌هایی پیرامون فروری حکومت مصدق و نقش حزب توده ایران” از سوی رفقای جوان احاطه شده است و از بازگشتش به ایران، پس از انقلاب، و درس اقتصاد دادن در دانشگاه سخن می‌گوید. در گوشه‌یی دیگر چند رفیق زن و مرد مشغول بحث و تبادل نظر درباره جنبش زنان در ایرانند، و در بیرون از سالن، رفقا مشغول بحث‌اند و در میان آن‌ها نویسنده و مترجم نامدار میهن‌مان، نویسنده: “آخرین نگاه از پل خرمشهر”، “هنر وصف واقعیت در یادداشت‌هایی بر کارهای آنتوان چخوف”، “لین در مخفیگاه: دفترچه‌آبی”، و ... به چشم می‌خورد. رفقای قدیمی افسر، از خاطرات زندان می‌گویند، و رفقای کمیسیون اسناد که از سوی کنگره انتخاب شده‌اند در گوشه‌یی مشغول بررسی پیشنهادها رسیده و تنظیم و دقیق کردن اسنادند.

خواب در چشم همه شکسته است. پس از بحث‌های طولانی، با تصویب “طرح برنامه نوین حزب”، کار روز نخست کنگره حزب توده ایران، با موفقیت به پایان می‌رسد. روز دوم به بررسی گزارش کمیته مرکزی و شعب آن، اختصاص دارد.

در جریان کنگره اعلام می‌شود که، بیش از ۵۰ حزب کارگری و کمونیستی جهان پیام‌های پرشوری را به ششمین کنگره و رفقای شرکت‌کننده در آن ارسال کرده‌اند. پیام‌های رسیده از سوی حزب‌های کارگری و کمونیستی جهان برای شرکت‌کنندگان در کنگره خوانده می‌شود. کمیته‌های روسیه مبارزات طولانی توده‌ای‌ها را ستایش می‌کنند، کمیته‌های ایتالیایی از نقش برجسته حزب توده ایران در جنبش جهانی، پس از فروپاشی سخن می‌گویند، رفقای شبلی درودهای پر شور می‌فرستند، رفقای آلمانی از اهمیت مبارزه حزب در ایران و منطقه سخن می‌گویند، و رفقای بحرینی اظهار اطمینان می‌کنند که مبارزه حزب توده‌ها و مردم ستم‌کشیده میهن ما به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید. فرصت برای خواندن همه پیام‌ها نیست. پیام‌ها با ابراز احساسات گرم شرکت‌کنندگان روبه‌رو می‌شود، و نشانگر اعتبار کم نظیر حزب ما و رهبری آن در منطقه و جهان است.

گزارش شعبه‌ها و کمیسیون‌های مختلف کمیته مرکزی شامل: کمیسیون زنان، کمیسیون کارگری، شعبه‌های مالی، تبلیغات، روابط بین‌الملل، و تشکیلات، مورد بررسی جدی و نقادانه رفقای شرکت‌کننده در کنگره قرار می‌گیرد.

شرکت‌کنندگان در کنگره گزارش سیاسی و گزارش شعبه‌های کمیته مرکزی را با اکثریت آرا به تصویب می‌رسانند. آنگاه نوبت بررسی سند ویژه‌یی درباره سی‌امین سالگرد یورش ددمنشانه رژیم جمهوری اسلامی برضد حزب است. در این بخش از بحث‌ها رفیق خاوری گزارش مفصلی از عملکرد رهبری حزب پس از انقلاب، و سپس پورش رژیم و تلاش‌های ارگان‌های امنیتی برای ضربه زدن به حزب ما، به کنگره ارائه می‌دهد. در پی این گزارش مفصل و بحث‌های همه‌جانبه پیرامون آن، سند ویژه به مناسبت سی‌امین سالگرد یورش جمهوری اسلامی به حزب، با اکثریت قاطع آرا به تصویب ششمین کنگره حزب توده ایران می‌رسد.

نوبت انتخاب کمیته مرکزی جدید فرامی‌رسد. رای‌ها به صندوق‌ها ریخته می‌شوند، و شمارش آرا را کمیسیون انتخابات کنگره تا ساعت‌ها پس از نیمه شب ادامه می‌دهد. انتخاب شدگان اعلام می‌شوند، و رفقای کنگره با کف زدن‌های ممتد برای رفقای انتخاب شده، در وظیفه دشواری که پیش رو دارند برای‌شان آرزوی موفقیت می‌کنند.

طنین سرود “انترناسیونال” در فضای کنگره می‌پیچد، و یاران ارانی با تجدید پیمان با آرمان‌های بزرگ حزب کارگران و زحمتکشان، با گرمی‌داشتِ دلاوری‌های اسطوره‌های در خاک خفته خلق، و با عزمی جزم شده برای شدت بخشیدن به مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم، با یک دیگر بدرود می‌گویند. حزب توده‌ها بار دیگر ققنوس‌وار از فراز خاکستر یورش سهمگین ارگان‌های امنیتی رژیم و بیش از سی سال تلاش مزدوران ارتجاع برای نابودی آن به‌پرواز درمی‌آید. او نویدبخش آینده‌یی روشن و فردای حاکمیت خلق‌های محروم بر سرنوشت‌شان است.

## گزارش کمیته مرکزی حزب توده ایران به: ششمین کنگره حزب توده ایران



با تمام توان و امکان‌هایش راه ادامه این روند را سد کند و ایران را به دوران پیش از خردادماه ۱۳۷۶ برگرداند. ما همواره بر این عقیده بودیم - و تجربه‌های هشت ساله دولت خاتمی نیز با قاطعیت بر این نظریه مهر تأیید زد - که بدون بسیج و حضور نیرومند مردم در صحنه مبارزه و شدت بخشیدن به فشار بر ارتجاع حاکم، نمی‌توان به دوام دولت، مجلس، و روند اصلاحات، در چارچوبی که خاتمی و نیروهای هوادار او پیشنهاد می‌کردند، امیدوار بود. ما در همان دوران و در حالی که نیروهای ارتجاع تمام نیرو و امکان‌هایشان را برای باز پس گرفتن دولت و مجلس بسیج کرده بودند، اعلام کردیم:

“امروز با قاطعیت می‌توان گفت که تجربه شش‌ساله دولت خاتمی، شکست نظریه امکان استحاله و اعتقاد به اصلاح پذیری رژیم ولایت فقیه از بالا، شکست سیاست حل و فصل مسایل از طریق مذاکرات پشت پرده با ارتجاع، شکست سیاست محرم ندانستن مردم و شرکت ندادن آنان در تعیین سرنوشتشان، و مهم‌تر از همه شکست این نظریه بود که در چارچوب رژیم ولایت فقیه، آن طوری که زمانی خاتمی، نبوی، و دیگر رهبران جبهه دوم خرداد ابراز می‌کردند، می‌توان به آزادی، و جامعه مدنی دست یافت. عقیم ماندن تلاش‌های خاتمی و همفکران او برای تعدیل “مردم سالار” [انه] سیاست‌های سرکوب‌گرانه و شکستن بن بست انحصار حاکمیت توسط مثنی تاریک اندیش و مزدوران مسلح و نیمه مسلح آنان نشان داد که نمی‌توان امیدوار بود که مستبدان حاکم، بدون مبارزه وسیع و سازمان یافته توده ای تن به خواست عمومی برای دست کشیدن از انحصار و استبداد بدهند... حزب ما با پرهیز از انحراف به راست، یعنی غلتیدن به این نظر که با خاتمی و سیاست‌های اصلاح‌طلبان حکومتی می‌توان تغییرات اساسی مورد نظر مردم را تحقق بخشید و همچنین انحراف به چپ، یعنی انکار هرگونه سودمندی حوادث دوم خرداد و روندی که در جامعه ما آغاز شده بود، توانست سیاست پیگیر و اصولی‌ای را در زمینه آگاهی دادن به جنبش و تلاش در راه بسیج نیروهای مترقی و آزادی خواه در درون کشور به پیش ببرد...” (مجموعه اسناد پنجمین کنگره حزب توده ایران کنگره ارانی، انتشارات حزب توده ایران).

رویدادهای سال‌های اخیر، برگزاری انتخابات ۱۳۸۴، و در پی آن کودتای انتخاباتی ولی فقیه و سران سپاه پاسداران، در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، نه تنها ماهیت عمیقاً مردم‌ستیز حاکمیت کنونی را به نمایش گذاشت، بلکه نشان داد که جنبش مردمی برای رسیدن به خواست‌های خود و استقرار آزادی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی، با چالش‌های جدی‌ای روبه‌روست. در این جنبش، نبود سازمان‌یافتگی، حضور کم‌رنگ طبقه کارگر و زحمتکشان در اعتراض‌های خیابانی به کودتای انتخاباتی ولی فقیه، و نیز نداشتن برنامه‌ی سیاسی، واحد، و روشن برای تغییر وضعیت حاکم، و ارائه نکردن راهکارهای واقع‌بینانه به‌منظور دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی، و دوران پس از حاکمیت ولایت فقیه، به ارتجاع حاکم فرصت داد تا بر این جنبش عظیم اعتراضی - بررغم حضور میلیون‌ها ایرانی در گردهم‌آیی‌های اعتراضی در ماه‌های نخست پس از کودتای

مقدمه

رفقای گرمی، از برگزاری پنجمین کنگره حزب توده ایران (کنگره ارانی) نزدیک به ۹ سال می‌گذرد. حزب ما در فاصله دو کنگره چندین نشست عادی و وسیع کمیته مرکزی را برگزار کرده است که به جای خود رویدادهای کشور و جهان را ارزیابی و سیاست‌های حزب ما را بر اساس ضرورت‌های روز تنظیم کرده است. رفقا خوب می‌دانند که ما در این ۹ سال دوران پرحادثه و بحرانی‌ای را در تاریخ ایران و جهان شاهد بوده‌ایم که نیازمند بررسی و باریک‌اندیشی جدی است. بر این اساس، گزارش کمیته مرکزی به “ششمین کنگره” بخش‌های زیرین را دربر می‌گیرد:

۱. بررسی تحولاتی روی داده در ایران در فاصله میان دو کنگره، و چشم انداز آینده؛
۲. بررسی تحولاتی روی داده در جهان در خلال دهه گذشته؛
۳. گزارش فعالیت‌های شعبه‌های گوناگون کمیته مرکزی؛

### ۱. بررسی تحولاتی روی داده در ایران در فاصله میان دو کنگره، و چشم انداز آینده؛

رفقا!

پنجمین کنگره حزب توده ایران در حالی برگزار شد که شش سال از تجربه “دولت اصلاحات” در میهن ما می‌گذشت و دولت خاتمی با دشواری‌های زیادی روبه‌رو بود. نابسامانی‌های اقتصادی، یورش و بحران‌زایی مدام نیروهای ارتجاعی به‌منظور فلج کردن کار دولت، تسخیر مجلس شورای اسلامی از طریق برگزاری انتخاباتی که بخش وسیعی از نیروهای دگراندیش و اصلاح‌طلب اجازه شرکت در آن را نیافتند، ادامه سیاست‌های غلط اقتصادی و پیامدهای اجتماعی آن، از جمله مسئله‌هایی بودند که جامعه ما را با بحرانی جدی روبه‌رو کردند. حزب ما در آن دوران با نگرانی تحولاتی جاری کشور را دنبال می‌کرد، و نزدیک به دو سال پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴، درباره خطرهایی که کشور و روند اصلاحات را از سوی نیروهای ارتجاعی تهدید می‌کند، هشدار داد. در گزارش کمیته مرکزی حزب به پنجمین کنگره حزب، از جمله آمده است: “حوادث کشور به سرعت به سمت بحران همه‌جانبه و خطرناکی کشیده می‌شود. حملات وسیع مرتجعان حاکم در ماه‌های اخیر بر ضد نیروهای دگراندیش، و خصوصاً نیروهای رادیکال در صفوف جنبش دانشجویی نشانگر تصمیم قطعی ارتجاع برای فیصله دادن به روند اصلاحات و بازگرداندن اوضاع به پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ است... امروز تیغ استبداد، نه تنها نیروهای دگراندیش، بلکه بخش وسیعی از نیروهای ملی - مذهبی‌ای که زمانی مؤلف رهبران رژیم بودند را نیز هدف قرار داده است و نشانگر مرزهای روشن طبقاتی مبارزه در میهن ماست. مبارزه طبقاتی‌ای که در یک سوی آن استبداد حاکم، یعنی نمایندگان بزرگ سرمایه‌داران تجاری و بورژوازی بوروکراتیک، و در سوی دیگر آن طبقات و قشرهای وسیع اجتماعی از کارگران و زحمتکشان گرفته تا خرده بورژوازی و بخش‌هایی از سرمایه داری ملی کشور قرار دارد...” (مجموعه اسناد پنجمین کنگره حزب توده ایران کنگره ارانی، انتشارات حزب توده ایران).

موضوع اساسی‌ای که حزب ما در آن دوران و، دقیق‌تر بگوییم، در تمامی دوران “دولت و مجلس اصلاحات” بر آن تأکید می‌کرد و همواره نگرانی خود را در زمینه آن اعلام می‌کرد، این واقعیت بود که ارتجاع حاکم و سیاست‌های آن نه تنها با شعارهای دولت خاتمی درباره “مردم سالاری” هم‌خوانی و موافقتی نداشت و ندارد، بلکه اساساً دشمن سرسخت هرگونه حرکتی در جهت حاکم شدن مردم بر سرنوشتشان بوده و هست. ارتجاع، جنبش مردمی و عمق یافتن روند اصلاحات سیاسی را خطری جدی برای ادامه حیات خود می‌دانست، از این روی، مصمم بود تا

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸ - غلبه کند و با سرکوب خشن حرکت های مردمی و دستگیری های گسترده رهبران و کادرهای سیاسی - اجتماعی، به حیات خود ادامه دهد.

## ایران و دولت اصلاحات

دوران هشت ساله دولت خاتمی، با وجود همه ضعف ها و کمبودها، خصوصاً در عرصه ارائه سیاست های اقتصادی - اجتماعی به نفع زحمتکشان، در مجموع توانست زمینه ساز تحول های مهمی در میهن ما گردد. تضعیف و محدود کردن عملکرد نیروهای امنیتی، به ویژه در پی جنایت تکان دهنده سازمان اطلاعات رژیم و قتل فروهرها، پوپنده، و مختاری، دستگیری سعید امامی و افشا شدن ماهیت عمیق جنایت کارانه دستگاه سرکوب رژیم ولایت فقیه، اگر چه نیروهای ارتجاعی را به سمت تقویت و به وجود آوردن ساختارهای موازی امنیتی راند، ولی در عمل فضای محدودی را برای گسترش فعالیت سیاسی - اجتماعی و سازمان دهی جنبش مردمی پدید آورد. رشد جنبش زنان، جوانان، و دانشجویان و همچنین جنبش کارگری، و تلاش در راه تشکیل های مستقل، تأثیر مهمی در فضای سیاسی کشور برجای گذاشت و نیرویی بزرگ را به عرصه مبارزه کشانید.

چشم اسفندیار عملکرد دولت خاتمی - در همه این سال ها - تزلزل در به پیش بردن اصلاحات سیاسی، و ادامه دادن به سیاست های مخرب و نولیبرالی اقتصادی دولت رفسنجانی، در راستای منافع کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک، بود. ادامه این سیاست ها، نه تنها فقر و محرومیت در جامعه ما را تخفیف نداد، بلکه شرایطی را پدید آورد که نیروهای ضد مردمی و ارتجاعی ای، همچون احمدی نژاد، در آستانه انتخابات سال ۸۴، با سردادن شعارهای عوام فریبانه در زمینه عدالت اجتماعی، از جمله شعار: "گذاشتن پول نفت روی سفره مردم"، توانستند بر موج ناراضی قشرهای زحمتکش بر اثر فشارهای کم شکن اقتصادی و محرومیت روز افزون، سوار شوند. کافی است به گفته مجید یاورمند، مدیرکل دفتر تأمین اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، اشاره کنیم که: در آغاز دهه ۱۳۸۰ - یعنی پس از سپری شدن دوره نخست ریاست جمهوری محمد خاتمی - به دلیل ادامه سیاست های نادرست اقتصادی بیش از ۱۵ درصد از جمعیت ایران یعنی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر از شهروندان میهن ما، زیر خط فقر زندگی می کردند. افزون بر این، فقر و محرومیت های سابقه و گسترده تأثیرهای عمیق اجتماعی با خود به همراه داشت که مهم ترین آن: رشد ناهنجاری های اجتماعی، از جمله رواج فحشاء و اعتیاد گسترده در بین جوانان کشور بود. بر اساس آمار رسمی ارائه شده در آن سال ها (از جمله، سخنان دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی، ۲۳ فروردین ماه ۱۳۸۲)، در ایران دو میلیون مصرف کننده مواد مخدر وجود داشت.

بی توجهی به خواست های اولیه زحمتکشان میهن ما، تفرقه در میان نیروهای طرفدار اصلاحات و دولت خاتمی، با نزدیک شدن به پایان دوره دوم ریاست جمهوری او، پایه های حمایت اجتماعی از دولت خاتمی را تضعیف کرد و شرایطی مناسب برای اجرای برنامه های ضد مردمی نیروهای طرفدار ولایت فقیه و استبداد فراهم آورد. نبود وحدت عمل سیاسی و هماهنگی اجرایی در طیف گسترده نیروهای مدافع اصلاحات و نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، مایوس شدن توده ها از امکان به وجود آمدن تغییرهای جدی در جهت بهبود شرایط سبب شد تا نیروهای ارتجاع بتوانند در نبود حضور نیرومند جنبش مردمی و مدافع اصلاحات با راحتی نسبی برنامه های خود را به منظور باز پس گرفتن دستگاه دولتی، با دخالت گسترده نیروهای امنیتی و سپاه، به پیش ببرند. درنگ و کوتاهی دولت خاتمی در رویارویی با دخالت های سپاه، نیروهای امنیتی، و تقلب های گسترده طرفداران احمدی نژاد در دور اول انتخابات، و باطل نکردن نتیجه آن، پیامدهای مخربی را به همراه داشت.

کمیته مرکزی حزب ما، در اعلامیه ای که روز ۳۱ خردادماه ۱۳۸۴، پیش از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، منتشر

کرد، در ارزیابی شرایط دشواری که جامعه ما با آن روبه رو بود، از جمله نوشت: "انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در شرایط و احوالی کاملاً غیر عادی و بی سابقه ای برگزار شد. کودتای سازمان یافته نیروهای سپاه پاسداران و بسیج، زیر فرمان رهبر، انتخابات را از مسیر خود خارج کرد و با ابطال رأی میلیون ها ایرانی شرایط را برای کامل کردن برنامه بی که ما از ماه ها قبل درباره خطرات آن هشدار داده بودیم، یعنی یکدست کردن حاکمیت فراهم آورد. کم توجهی شماری از نیروهای سیاسی - اجتماعی کشور و برخورد احساسی در روزهای پیش از انتخابات و بافشاری بر خودداری از رأی دادن به دکتر مصطفی معین و جدی نگرفتن خطری که میهن و روند اصلاحات را تهدید می کرد در کمال تأسف امروز آنچنان شرایطی را فراهم آورده است که شماری از تحریم کنندگان و حتی مدافعان جبهه دموکراسی و حقوق بشر هراسناک از استقرار حکومت طالبان شعار "حمایت از هاشمی" را به عنوان راه حل باقی مانده در راه عقیم گذاشتن برنامه های رژیم عنوان می کنند. سکوت کامل دولت خاتمی درباره عملکرد کودتاچیان و همچنین شتاب نبروهای همچون جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی برای طرح موضع گیری هایی در دفاع از رفسنجانی، در حالی که ستاد انتخاباتی دکتر مصطفی معین خواهان "رسیدگی به تخلفات انتخاباتی و تعویق دور دوم انتخابات" بود و کربوبی ولی فقیه و خانواده او را به دست داشتن در این کودتا متهم می کرد، بی شک سؤال برانگیز و نشانگر اختلاف های جدی و تأسف بار در سطح نیروهای اصلاح طلب در مقابله با فاجعه است. این برخوردها در عین حال یادآور سیاست های نادرست و مخرب سازش و مماشات با ارتجاع حاکم است که ثمراتش همین دشواری هایی است که ما امروز در مقابل آن قرار گرفته ایم" (به نقل از: "نامه مردم"، شماره ۷۱۵، ۳۱ خردادماه ۱۳۸۴).

ماشات دولت خاتمی و تن دادن به تقلب های آشکار ولی فقیه و مزدوران او، نه تنها در نهایت به برگراری احمدی نژاد به مقام ریاست جمهوری منتهی شد، بلکه برای عملکرد ضد مردمی ای که در انتخابات سال ۸۸ نیز عیناً تکرار گردید، چراغ سبزی بود. حزب ما در این زمینه، در اعلامیه بالا، ضمن نادرست دانستن عملکرد دولت و شماری از نیروهای اصلاح طلب، از جمله اعلام کرد: "سید محمد خاتمی در بیانیه ای که امروز منتشر شد از جمله گفت: "در موقعیت خطیر کنونی، از شما می خواهم که با استمرار حضور آگاهانه و با رأی بالا، رئیس جمهوری در شان ملت ایران انتخاب نمایید." وی همچنین مدعی شد که: "اینجانب با اتکا به قانون اساسی به ملت ایران اطمینان می دهم که سلامت روند رأی گیری، دغدغه و هدف اصلی من است و با جدیت این مهم را دنبال خواهم کرد. دولت اجازه نخواهد داد هیچ نیرویی رأی و اراده ملت را به مخاطره افکند." در پاسخ به این مدعیات باید گفت که تأسف در این جاست که دولت آقای خاتمی با مماشات و تن دادن به قواعد بازی سیاسی حکومت ولایی کار را به اینجا رسانده اند و دوم اینکه اگر دولت خاتمی به قول های خود در زمینه حراست از آرای مردم پایبند بود امروز به جای انتشار این اعلامیه اعلام می کرد که انتخابات در دور اول مخدوش بوده است و دولت او حاضر نیست دور دوم این انتخابات مخدوش را زیر فشار چکمه پوشان ولی فقیه برگزار کند. آقای خاتمی چگونه می تواند قول سلامت انتخابات را بدهد وقتی که همه مردم ما و جهان خلاف آن را در شمایل تقلب های آشکاری چند روز پیش دیده اند..." (همانجا).

با برگراری احمدی نژاد به مقام ریاست جمهوری، دوران اصلاحاتی که با حماسه دوم خردادماه ۱۳۷۶ آغاز شده بود، پایان یافت و روند بازگشت به محدودیت های شدید سیاسی، اختناق، و سرکوب خشن، در کنار باز گذاشتن دست نیروهای امنیتی و سپاه و مافیای اقتصادی وابسته به "رهبری" در به چنگ گرفتن شریان های اقتصادی به طور کامل، آغاز شد.

## مهم ترین تحولات و روندهای اجتماعی - اقتصادی، در دوران دولت احمدی نژاد

رفقا!

بدون توجه به ماهیت و جهت گیری طبقاتی دولت برگمارده احمدی نژاد و نیروهایی که این دولت منافع آن ها را نمایندگی می کند، نمی توان تحولات های اجتماعی - اقتصادی ایران را در هشت سال اخیر بدرستی درک کرد. حزب ما از همان ابتدای برگراری دولت احمدی نژاد به ریاست قوه مجریه - در حالی که برخی نیروهای سیاسی تلاش می کردند چهره بی "مردمی" و طرفدار توده های محروم از او ترسیم کنند - با صراحت این دولت را دولت مافیای سرمایه داری بوروکراتیک کشور و به خصوص رهبری سپاه و نیروهای انتظامی که بخش های بزرگی از فعالیت های اقتصادی کشور را در کنترل خود گرفته بودند، معرفی کرد. عملکرد هشت ساله دولت احمدی نژاد و عمده ترین سیاست های اقتصادی - اجتماعی ای که این دولت در

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

۱۳۹۱، غضنفری، وزیر صنعت، خبر از کمبود نقدینگی در بخش تولید داد، و گفت: "کمبود نقدینگی واحدهای صنعتی، حادث شده و باید آن را جدی گرفت." وی هشدار داد که، در صورتی که در باره کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی هر چه سریع تر چاره‌اندیشی نشود، این امر می‌تواند به مشکل‌هایی حاد تبدیل شود و جبران آن سخت خواهد بود.

برنامه‌های تعدیل اقتصادی در کشور ما، از دو دهه گذشته تا به حال، زیر تأثیر این الگوی نولیبرالی شکل گرفته‌اند. "آزاد سازی قیمت‌ها" به پهنانه "هدفمند کردن یارانه‌ها"، یکی از نمونه‌های مشخص گرایش به سوی اقتصاد آزاد است که به صورت "شوک درمانی" به اجرا درآمد. البته طبق روال معمول در کشورمان، پیروی از نسخه‌های "اقتصاد آزاد" نیز مانند انواع الگوبرداری‌های دیگر، به صورتی ناهمگون بوده است، و منافع کلان و انحصاری لایه‌های الیگارشی همواره در متن آن قرار داشته است. البته آنچه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در حکم "بازار آزاد" تقدیس می‌گردد، در سطح فعالیت‌های کلان - به خصوص در عرصه سرمایه‌های مالی - تنها نمادی کاذب است و "بازار" و بسیاری از شاخص‌های بنیادی آن از جمله قیمت‌ها، به شکل‌های گوناگون دست‌کاری می‌شوند. "بازار آزاد" در عمل مترادف است با "اقتصاد بی نظارت" زیر تسلط سرمایه کلان، که بدون قید و بند و نظارت قانونی و دموکراتیک به سوداگری می‌پردازد. امروز تسلط مافیایی بورژوازی بوروکراتیک و سرمایه‌داری تجاری بزرگ بر حیات اقتصادی کشور، سد اساسی هرگونه تغییر سمت‌گیری به سوی عملی کردن نیازها و خواست‌های میلیون‌ها ایرانی است که در دشوارترین شرایط محرومیت و ناهنجاری‌های اجتماعی زائیده از آن زندگی می‌کنند. تجربه هشت سال گذشته نشان داده است که، نمایندگان سیاسی - نظامی این مافیای اقتصادی، از ولی فقیه و وابستگان او تا دولت احمدی نژاد و فرماندهان سپاه و نیروهای انتظامی، مصمم‌اند تا با به کارگیری خشن‌ترین شیوه‌های سرکوب تسلط انحصاری خود را بر حیات اقتصادی و اهرم‌های سیاسی حاکمیت حفظ کنند. برخوردها در هرم حاکمیت بر این اساس جنگ قدرتی است میان جناح‌های مختلف کلان سرمایه‌داری حاکم بر کشور برای به‌چنگ آوردن منافع بیشتر و نه به‌منظور تغییری در سمت‌گیری و سیاست‌های کلان اقتصادی - سیاسی حاکمیت در راستای نیازهای جامعه و مردم مهربان.

## حاکمیت ولایت مطلقه فقیه، و سرنوشت رأی مردم

رفقای گرامی!

حزب توده ایران بیش از بیست و دو سال پیش، با ارزیابی شرایط مشخص اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی، و همچنین ترکیب طبقاتی حاکمیت ارتجاع، شعار طرد رژیم ولایت فقیه را در حکم شعار محوری خود اعلام کرد. همان طور که مطلع‌اید، اعلام این شعار، حزب ما را هم از چپ و هم از راست در معرض شدیدترین تهاجم‌های تبلیغاتی قرار داد. نیروهای چپ‌رو اعلام چنین شعاری را پشت کردن ما به شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تلاش حزب برای حرکت به سمت توجیه استحاله‌پذیری رژیم دانستند، و حزب توده ایران را از جمله به "خاک پاشیدن به چشم توده‌ها" و "فرب و خیانت" متهم کردند. رفقا حتماً به یاد دارند که ارائه این شعار از سوی حزب ما همچنین با واکنش شدید رژیم و دستگاه‌های اطلاعاتی آن نیز روبه‌رو شد. انتشار "نامه اک"، که دست‌پخت شکنجه‌گران و سربازجوها وزارت اطلاعات رژیم بود، در نشریه ضد توده ای "راه توده"، با هدف جلوگیری از فراگیر شدن این شعار در میان نیروهای اپوزیسیون و پراکندن شک و شکاف در صف‌های حزب ما، با توصیف این شعار به "خانمان برانداز" بودن، همه توده‌ای‌ها را به قیام بر ضد حزب و کمیته مرکزی آن فراخواند، و از جمله نوشت: "در مقابل سیاست خانمان برانداز طرد ولایت فقیه تنها یک راه وجود دارد دفاع از انقلاب" (به نقل از: "راه توده"، شماره ۲۴، صفحه ۱۲).

حزب ما در سال‌های گذشته و در نشست‌های گوناگون حزبی، از جمله در کنگره های سوم، چهارم، و پنجم، و همچنین در بسیاری از نشست‌های کمیته مرکزی، ماهیت طبقاتی حاکمیت رژیم ولایت فقیه را، با تأکید بر اسلوب علمی، ارزیابی کرد، و نظریه‌های روشنی درباره ترکیب طبقاتی رژیم ولایت فقیه و پایگاه طبقاتی آن یعنی: کلان سرمایه‌داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک - انگلی رشد یافته در دستگاه دولتی و نهادی‌های نیمه دولتی ابراز داشته است. به اعتقاد حزب ما، در جمهوری اسلامی روئینایی سیاسی با مضمون دیکتاتوری مذهبی حکم فرماست. اصل ولایت فقیه با پیامدهای مخرب آن محتوای این روئنا را تشکیل می‌دهد. پایه های فکری این "اصل"، که هر روز از سوی مرتجعانی همچون علی خامنه ای، جنسی، مصباح بزدی، و جز اینان، مطرح می‌گردد و در حکم خط قرمز بنیانی رژیم بر آن پا فشاری می‌شود این است که، نظام ولایت فقیه نظامی "الهی" است که مشروعیت آن بر "اراده خدا" و "نمایندگی آن بر زمین"، یعنی "ولی فقیه" - علی خامنه‌ای - استوار

ادامه در صفحه ۷

این دوران درپیش گرفت این نظر را تأیید می‌کند که، دولت احمدی نژاد نه تنها هیچ گامی در راه عملی کردن شعارهای عوام‌فربانه‌اش درباره "گذاشتن پول نفت بر سر سفره مردم" برنداشت، بلکه در دوره زمامداری این دولت دره عظیم میان فقر و ثروت عمق بی‌سابقه‌ای یافته است، و در نتیجه، ده‌ها میلیون ایرانی از تأمین یک زندگی حداقلی برای خود محروم شدند. بر اساس آمار رسمی، در آمد حاصل از فروش نفت در طول سه دهه اخیر، بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار بوده است. درآمد سالانه ارزی در دوره دولت احمدی نژاد ۲/۵ برابر میانگین درآمد سالانه دولت خاتمی، ۴/۳ برابر دوره رفسنجانی، و ۴/۸ برابر دوره نخست وزیری میرحسین موسوی، و ۵ برابر دوره ۹ ساله آخر حیات رژیم سلطنتی بوده است. با وجود این درآمد هنگفت، میهن ما در اوضاعی ناگوار قرار دارد و مردم با فقر و عقب‌ماندگی دست و پنجه نرم می‌کنند.

آمارهای اقتصادی‌ای که در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند گواهی روشن بر نتیجه فاجعه‌بار سیاست‌های اعمال شده از سوی دولت و نیز واقعیت‌های تکان دهنده کنونی در میهن ماست. افزایش بیکاری از جمله پیامدهای سیاست "آزادسازی اقتصادی" است، که شرایط دشواری را برای میلیون‌ها ایرانی، به‌ویژه جوانان کشور، پدید آورده است. در آخرین گزارش شاخص توسعه انسانی ۲۰۱۰ میلادی سازمان ملل متحد، نرخ بیکاری در ایران ۳۳ درصد اعلام شده است. بر اساس گزارش اینلنا، ۷ تیرماه ۱۳۹۱، "بازار کار در سال ۸۹ وارد دور جدیدی از رکود شده به طوری که نرخ بیکاری نسبت به سال قبل کمی بیش از ۶ درصد افزایش داشته است." اینلنا در ادامه، به نقل از توکلی، می‌نویسد: "در مورد فضای کسب و کار ما از نظر رتبه در بین ۱۸۳ کشور در سال ۹۱، رتبه ۱۴۴ هستیم و سال قبل ۱۴۰ و سال قبل‌تر در رتبه ۱۳۲ بودیم، یعنی به انتهای لیست نزدیک می‌شویم." فقر و محرومیت بی سابقه در دوران "بهترین دولت پس از دوران مشروطیت" [به گفته خامنه ای] در تمامی سی و چهارسال گذشته پس از انقلاب بهمین بی سابقه بوده است، به طوری که بر اساس اعتراف رئیس مرکز آمار ایران، عادل آذر، بیش از ده میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق و نزدیک به سی میلیون ایرانی در زیر خط فقر نسبی به سر می‌برند (به نقل از: "آفتاب نیوز"، ۷ خرداد ماه ۱۳۸۹).

همچنین بر اساس گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی برای شاخص‌های ماهانه اقتصادی (فروردین ماه ۱۳۹۰)، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در شهر تهران (پایتخت) به عدد ۲۴۹/۲ رسید و با فروپاشی صنعت و تولید و رشد نرخ تورم، رشد شاخص مزد و حقوق کارگران و کارکنان واحدهای صنعتی بزرگ کشور طی ۵ سال اخیر ۳۳ درصد کمتر از رشد شاخص هزینه های زندگی بوده است. بر این پایه کارنامه هشت ساله دولت برگمارده ولی فقیه، کارنامه یک نهاد هم از نظر اخلاقی و هم از نظر سیاسی - اقتصادی ورشکسته و بی اعتبار است که امروز حتی با انتقاد گسترده و روز افزون متحدان دیروزین خود روبه‌روست.

از دیدگاه نظری، سیاست‌های اقتصادی اعمال شده در سال‌های اخیر را باید اجرای خطوط کلی سیاست های نولیبرالی و ورشکسته‌ی دانست که "تقدیس بازار بی نظارت"، حرکت از اقتصادی متکی بر تولید به اقتصادی متکی بر دلالتی و رانت خواری، تعدیل نیروی کار و تمرکز بی سابقه ثروت و نقدینگی در نزد بخش بسیار کوچکی از سرمایه داری بزرگ تجاری و بوروکراتیک کشور - که اهرم‌های قدرت سیاسی را نیز در چنگ خود به انحصار گرفته‌اند، اساس آن است.

به گزارش جهان صنعت، ۲۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱، مدیر اداره سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی، رقم نقدینگی سال ۹۰ را ۳۵۲ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. جالب اینکه، رقم نقدینگی بر اساس همین گزارش، در سال ۱۳۸۴، ۹۲ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. نکته تأمل‌برانگیز دیگر که توجه به آن اهمیت دارد این است که، بخش عمده این نقدینگی در چارچوب فعالیت های تجاری و دلالتی متمرکز است و اثرهای مخربی بر فعالیت های صنعتی و تولیدی کشور دارد. به گزارش جهان صنعت، ۱۹ مردادماه

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

واقعیت این است که، بخش بزرگی از نیروهای ملی و مذهبی، در کنار اکثریت قاطع مردم ما، در طول بیست سال گذشته، با تجربه ملموس خود از زندگی نیز به همین درک نزدیک شده‌اند، و از این روی حزب ما معتقد است که، شعار طرد رژیم ولایت فقیه در شرایط کنونی کشور، همچنان باید شعار محوری مبارزه باشد. افزون بر این، حزب ما راهکار اجرا و عملی شدن چنین شعاری را از طریق برپایی جبهه ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری‌ای وسیع، ممکن می‌داند.

## دخالت‌های خارجی در ایران، و مبارزه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه

رفقای گرامی!

موضوع سیاست خارجی رژیم ولایت فقیه در منطقه و جهان، از جمله معضله‌هایی بوده‌اند که حزب ما و دیگر نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور در سال‌های اخیر همواره با آن برخورد کرده‌اند. در پیش گرفتن سیاست‌های ماجراجویانه و تنش‌آفرین در حالی‌ست که حضور مستقیم و بی‌سابقه نظامی کشورهای امپریالیستی در منطقه خاورمیانه را شاهدیم که پیامدهای آن منافع ملی کشور را با مخاطره‌هایی جدی روبه‌رو کرده است. رفقا می‌دانند که با بالا گرفتن تنش و خطر یورش نظامی دولت اسرائیل به ایران، در هفته‌های اخیر، ما ضمن انتشار اعلامیه‌یی، اقدام عاجل همه نیروهای مترقی جهان به منظور پیشگیری از درگیری‌های خطرناک نظامی در منطقه را خواستار شدیم. موضع‌گیری‌های تحریک‌آمیز و غیرمسئولانه سران رژیم در زمینه انکار فاجعه ناپودی میلیون‌ها یهودی، در جریان حاکمیت فاشیسم در آلمان و شماری از کشورهای اروپایی، سردادن شعار ناپودی کشور اسرائیل و دخالت‌های خطرناک در امور کشورهای همسایه به قصد گسترش دایره نفوذ سران ارتجاع، از جمله عملکردهای مخرب و ماجراجویانه‌یی بوده‌اند و همچنان هستند که کشورمان را با مخاطره‌های جدی سیاسی و همچنین دشواری‌های روز افزون اقتصادی روبه‌رو کرده است. یکی دیگر از عرصه‌های تنش‌خیز در رابطه با سیاست‌های جمهوری اسلامی، ادامه برنامه غنی‌سازی اورانیوم و استفاده ایران از انرژی هسته‌ای بوده است و همچنان نیز هست. همان‌طور که می‌دانید، حزب ما در این زمینه سیاست روشن و مشخصی را دنبال کرده است. ما معتقدیم که، حق استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای حق هر کشور مستقلی است، و این امر، به مذاکره یا اجازه گرفتن از سازمان ملل و شورای امنیت آن نیازمند نیست. ما با پیوستن ایران به عرصه تولید سلاح‌های اتمی مخالفیم، و خواهان جهانی‌سازی از سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی هستیم. خطری که امروز خاورمیانه را به سبب وجود سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی تهدید می‌کند نه از سوی دولت ایران، بلکه از سوی نزدیک‌ترین متحدان امپریالیسم آمریکا، یعنی اسرائیل - یا صدها کلاهک اتمی - و پاکستان، است.

ما در دو سال اخیر شاهد رویدادهای مهمی در کشورهای عربی خاورمیانه بوده‌ایم. منطقه از یک سو خیزش‌های گسترده مردم جان به لب رسیده از استبداد و بی‌عدالتی را شاهد بوده است، و از سوی دیگر نیز زنگ‌های خطر در زمینه حضور مستقیم‌تر و دخالت‌های گسترده‌تر کشورهای امپریالیستی منطقه و متصرف کردن حرکت‌های مردمی آن از مسیر ضد استبدادی و ضد امپریالیستی اش به صدا درآمده‌اند. از دخالت نظامی در لیبی برای سرنگونی حکومت قذافی تا دخالت نظامی در بحرین، از طریق حکومت ضد مردمی و وابسته عربستان، برای سرکوب جنبش آزادی‌خواهانه مردم این کشور، ماهیت عملکرد مخرب، عوام‌فریبانه، و درعین حال ضد مردمی کشورهای امپریالیستی در منطقه ما را به روشنی به نمایش می‌گذارد. بدون داشتن درکی درست از ماهیت رویدادهای منطقه و سیاست‌های استراتژیک (راهبردی) امپریالیسم در جهت برپایی "خاورمیانه جدید"، به خطرهایی که بر اثر دخالت‌های امپریالیستی میهن ما را تهدید می‌کند، نمی‌توان پی برد.

بنابراین درک از دخالت‌های نظامی امپریالیسم، بالا گرفتن تنش میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا، و با توجه به اوضاع حساس کنونی منطقه و مسئله‌های حاد جهانی، از جمله: بحران اقتصادی، پیامدها و سرانجام آن، نمی‌تواند نگرانی به حق نیروهای میهن دوست کشور و نیز نیروهای مترقی و هوادار صلح جهان را به همراه نداشته باشد. به ویژه آنکه سیاست‌های ماجراجویانه و تنش‌آفرین رژیم ولایت فقیه می‌تواند بهانه‌ها و دستاویزهای لازم را به امپریالیسم برای اجرای توطئه‌هایش فراهم آورد.

موضع‌گیری‌های غیرمسئولانه مقام‌های ارشد سپاه پاسداران و شماری از وابستگان ولی فقیه رژیم، در طول سال‌های اخیر، به ویژه سردادن شعارهای بی‌بشترانه و ضد منافع ملی کشور نظیر: بستن تنگه هرمز، نه تنها به سود منافع ملی ایران نمی‌تواند باشد، بلکه در تحلیل نهایی به راهبرد (استراتژی) امپریالیسم در منطقه یاری می‌رساند. تجربه تاریخی در منطقه ثابت می‌کند که، سیاست‌های

است، و تمامی مردم ما باید تابع این فرد، یعنی "نماینده خدا" بر روی زمین باشند. این دیدگاه معنا و عملکرد مشخص و روشنی در میهن ما داشته است و دارد. بر اساس این دیدگاه، یک فرد می‌تواند همه قانون‌ها و ساختارهای موجود سیاسی و اقتصادی کشور، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی، را تغییر دهد و در صورت "تشخیص مصلحت نظام و خدا" آن‌ها را نقض کند.

مردم ایران در طول سی و چهار سال گذشته نمونه‌های تکان دهنده‌ای از این عملکرد استبدادی مطلق را مشاهده و تجربه کرده‌اند. ادامه جنگ خانمان سوز ایران و عراق، حتی پس از بیرون راندن نیروهای متجاوز از خاک کشور، زیر شعار مخرب: "جنگ جنگ تا پیروزی" و "جنگ تا فتح نجف و کربلا" و به دستور ولی فقیه، که میلیون‌ها کشته و زخمی و صدها میلیارد دلار خسارت اقتصادی به جای گذاشت، با وجود مخالفت شدید اکثریت جامعه و نیروهای سیاسی - اجتماعی کشور تنها پس از شکست استراتژی نظامی رژیم و "نوشیدن جام زهر صلح" از سوی ولی فقیه، متوقف شد. کشتار هزاران زندانی سیاسی با زیر پا گذاشتن خشن قوانین قضایی جمهوری اسلامی - که به اعتراض آیت‌الله منتظری، نایب و جانشین ولی فقیه وقت، منجر شد، از نمونه‌هایی دیگر از چگونگی عملکرد "اصل ولایت فقیه" و ماهیت عمیقاً استبدادی و ضد انسانی آن است.

ما همچنین در سال‌های اخیر نیز، نمونه‌هایی گوناگون از این عملکرد مخرب و ضد مردمی این شیوه حاکمیت سیاسی در میهن مان را شاهد بوده‌ایم. یادآوری برخی از این عملکردها در اینجا ضروری است:

صدور حکم حکومتی از سوی ولی فقیه و سلب حق نمایندگان مجلس کشور از بحث و تصمیم‌گیری در زمینه آزادی مطبوعات؛

صدور فرمان خصوصی‌سازی وسیع در کشور بر خلاف نص صریح قانون اساسی و برخلاف منافع زحمتکشان، و بدون آنکه نهاد قانون‌گذاری کشور در این زمینه نظری داده باشد؛

فرمان بستن مطبوعات منتقد کشور؛  
صدور حکم "منکوب و سرکوب" کردن خشن و خونین اعتراض‌های دانشجویی؛

کنترل کامل سیاست خارجی کشور و اعمال سیاست‌های ماجراجویانه و تنش‌افزا در منطقه؛  
کنترل کامل سپاه، بسیج، وزارت اطلاعات، و نیروهای انتظامی کشور؛

کنترل کامل سیاست‌های کلان اقتصادی در راستای منافع کلان سرمایه‌داری تجاری و بوروکراتیک، و از جمله الفای "اصل ۴۴ قانون اساسی"؛

تحمیل کردن "نمایندگان ولی فقیه" در نهادها و شهرهای گوناگون کشور، که عملاً اداره امور این نهادها و شهرها را در دست دارند؛

صدور حکم اجرای کودتای انتخاباتی و پایمال کردن خشن و خونین رأی میلیون‌ها ایرانی به منظور تحمیل احمدی نژاد در مقام رئیس جمهوری برگمارده، و ده‌ها نمونه دیگر.

بر این اساس، شعار طرد رژیم ولایت فقیه از سوی حزب ما معنای دقیقاً مشخصی دارد. ما خواهان حذف ساختار ولایت فقیه از چارچوب نظام سیاسی کشور را خواستاریم، و معتقدیم که، با حفظ این ساختار اصل جمهوریت نظام سیاسی کشور، که اکثریت قاطع مردم ما به آن رأی داده‌اند، بی ارزش و اعتبار خواهد بود. همان‌طور که نمونه‌های بالا نشان می‌دهد، اصل ولایت فقیه تضاد آشکار و حل‌ناشدنی با اصل حاکمیت مردم، با اصل جمهوریت، با اصل وجود مجلس برگزیده مردم، و با اصل وجود قوه قضائیه‌یی مستقل دارد. تجربه سی و چهار سال گذشته، چه در دوران خمینی و چه در دوران جانشین او، علی‌خامنه‌ای، چنین تضادی را بارها به اثبات رسانده است. بدین‌سان، تصور اینکه می‌توان رونمای کنونی، یعنی حاکمیت اصل ولایت فقیه، را در روندی استحاله بخشیده و به ساختاری حامی منافع مردم بدل کرد، خیال خام و آزمون‌آزموده هاست.

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

ارتجاع همواره در خدمت هدف‌های امپریالیسم بوده‌اند. به‌علاوه، در منطقه حساس و پراهمیت خاورمیانه و حوزه خلیج فارس، به گواهی تاریخ، واپس‌گرایی و تاریک‌اندیشی یا منافع و سیاست‌های امپریالیسم جهانی همسو و در پاره‌یی از مهم‌ترین عرصه‌ها هماهنگ و درآمیخته بوده‌اند و هستند.

بنابراین، هیچ نیروی ترقی‌خواه واقعی‌ای چنین سیاست‌هایی را "مثبت" و "ضد امپریالیستی" ارزیابی نکرده است و نمی‌کند. آنچه در بالا گرفتن تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا برای میهن ما نگران‌کننده است، از دست رفتن موقعیت‌ها و منافع ملی کشور و در معرض خطر قرار گرفتن میهن ما از سوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش و پدیده‌تر شدن تحریم‌های مداخله‌جویانه اقتصادی خارجی است، که فقط و فقط به سود لایه‌های انگلی سرمایه‌داری ایران و کانون‌های ثروت و قدرت در رژیم ولایت فقیه است. تحریم‌ها تاکنون، ضمن وارد آوردن صدمه‌هایی جدی به اقتصاد ملی و توان تولیدی کشور، فقر و تیره‌روزی گسترده توده‌های مردم را موجب شده است که کارگران، زحمتکشان شهر و روستا، قشرهای میانه‌حال، صنعت‌گران، و تولیدکنندگان کوچک و متوسط داخلی را در بر می‌گیرد. یکی از برندگان اصلی معرکه تحریم‌های امپریالیستی سپاه پاسداران است. توجه به این نکته ضروری است که، هر گونه تحریم مداخله‌جویانه فقط به وضع حاضر ایران محدود نخواهد ماند، بلکه بار سنگین آن برای نسل‌های آینده میهن‌مان نیز پیامدهایی جدی در بر خواهد داشت. دامنه‌دارتر شدن تحریم‌ها می‌تواند در عین حال زمینه‌ساز صادر شدن قطعه‌نامه‌هایی جدید بر ضد ایران گردند که از سوی اتحادیه‌اروپا و آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل ارائه می‌شوند. نباید نسبت به خطر آتش‌افروزی‌های جدید کم بها داد.

حزب ما در طول این سال‌ها همواره با قاطعیت مخالفت خود را با هرگونه دخالت خارجی در امور داخلی میهن‌مان ابراز کرده است، و نیز معتقد است که، هیچ نیروی میهن‌دوست و آزادی‌خواهی با مداخله‌های خارجی، از تحریم‌های اقتصادی گرفته تا دخالت نظامی در ایران، نمی‌تواند موافق باشد. تنها طرفداران اندک‌شمار بازگشت سلطنت پهلوی، یعنی سلطنتی که کارنامه سپاه آن در میهن‌مان فروش کشور به امپریالیسم و استقرار رژیم پلیسی ساواک بوده است، و نیز کسانی که آماده‌اند برای رسیدن به قدرت و ثروت به دناوت هر سیاستی تن دردهند، شدت یافتن مداخله‌های امپریالیسم آمریکا در ایران را خواهانند. بدیهی است که مبارزه و رویارویی با این سیاست‌های مخرب و ضد ملی بخش جداناپذیری از مبارزه مردم ما در راه رهایی کشور از زنجیرهای استبداد و استقرار حکومتی ملی و دموکراتیک بوده است و همواره خواهد بود.

## ادامه و شدت یافتن مبارزه طبقاتی در جامعه ما، و چشم انداز آینده

رفقا!

امروز مبارزه طبقاتی سخت و بحرانی‌ای در جامعه‌مان جاری است که در یک سوی آن طبقه کارگر، زحمت‌کشان، دهقانان، قشرهای گونه‌گون خرده‌بورژوازی، و بخش‌هایی از سرمایه‌داری ملی کشور قرار دارند، و در سوی دیگر آن سرمایه‌داری بزرگ تجاری و بورژوازی بوروکراتیک کشور است که تمامی شریان‌های اقتصادی کشور را در انحصار خود دارد. درک وجود این مبارزه حاد طبقاتی و در همان حال درک منافع طبقاتی و جایگاه نیروهای سیاسی مختلف در این نبرد، برای تعیین تاکتیک‌های مبارزاتی، انتخاب همراهان و مخالفان جنبش مردمی برای رهایی میهن از چنگال استبداد، امری حیاتی است. مبارزه طبقاتی در جامعه ما، اختراع کمونیست‌ها و حزب توده ایران نیست، بلکه واقعیت سخت و سترگ وجود گروه‌های اجتماعی گوناگون با منافع مادی مشخص است، که بُعدها و زاویه‌های آن را باید به دقت بررسی و تحلیل کرد تا بتوان راهکارهای عملی را برای پیشبرد جنبش ارائه داد. تکیه بر این یا آن شخصیت اجتماعی-سیاسی، بدون درک جایگاه آن‌ها در این مبارزه حاد طبقاتی، و

همچنین درپیش گرفتن سیاست‌ها و شعارهایی که بدون درک سطح سازمان‌یافتگی گروه‌های اجتماعی ذینفع در جنبش مردمی و یا نیازهای مهم و اساسی آن تنظیم می‌گردند، جز به تحلیل بردن نیروی جنبش و دلسردی مردمی که به صحنه مبارزه آمده‌اند ثمری نداشته است و نخواهد داشت.

حزب توده ایران معتقد است که، میهن ما به تغییرهایی بنیادی در راستای اجرایی شدن خواست‌های "ملی-دموکراتیک"، نیازمند است. این امر در کشور ما به معنای تغییر کامل ماهیت دیکتاتوری روبروی سیاسی، و برپا داشتن مبانی اساسی دموکراسی و آزادی‌ها است. تغییر روبروی سیاسی استبدادی، مخرج مشترک طیف وسیع طبقه و قشرهای اجتماعی است، و در حکم پشتوانه و مشروعیت حکومت ملی و دموکراتیک نیز خواهد بود. ما معتقدیم که، در کنار این جنبه سیاسی دموکراتیک کردن روبروی سیاسی، نمی‌توان جنبه "اقتصاد سیاسی" این مرحله و منافع و خواست‌های بی‌درنگ مادی توده‌ها را در نظر نگرفت. زیربنای اقتصادی کشور ما به‌طرزی گسترده زیر سلطه سرمایه‌داری انگلی تجاری و بورژوازی بوروکراتیک است. تمرکز این کلان‌سرمایه‌های ضد ملی و ارتباطشان با هرم قدرت، زاینده طیف رنگارنگی از عامل‌های ضد دموکراتیک و ضد اجتماعی در روبروی سیاسی دیکتاتوری کشورمان است. از این روی، رویارویی با این لایه‌های الیگارشی نمی‌تواند خارج از برنامه مرحله "ملی-دموکراتیک" باشد. در غیر این صورت، تغییرها در روبروی سیاسی- در بهترین حالت- به تغییر در شکل و جابه‌جایی کانون‌های قدرت محدود خواهد شد. این لایه‌های بورژوازی انگلی، مخالف تغییرهای بنیادی و ترقی‌اند، از این روی، افشا کردن ماهیت شان و مرزبندی کردن با آن‌ها در راستای دقیق کردن صف بندی شرکت‌کنندگان در جبهه وسیع، ضروری است.

به گمان حزب ما، در این مرحله رویارویی با سیاست‌های نولیبرالی‌ای که رژیم با هدف گسترش شیوه تولید سرمایه‌داری غیرمولد و حفظ و افزایش غارت‌گری الیگارشی‌ها دنبال می‌کند، در دستور کار مبارزه طبقه کارگر و نیروهای چپ قرار دارد. به نظر ما آنانی که می‌گویند اتحاد طبقه کارگر با دیگر طبقه‌ها- به هدف گذر به مرحله دموکراتیک- به کاهش نقش انقلابی طبقه کارگر منجر می‌شود، اشتباه می‌کنند. این همان آموزه ذهن چپ‌گرا است که تنها در انتظار لحظه پیروزی حرکت انقلابی ناب طبقه کارگر مانده است، و اهمیت رفورم‌ها را رد می‌کند. این نوع برخورد مکانیکی چپ روانه هیچ گاه نتوانسته است نقش روند اصلاح طلبی اخیر کشورمان را درک کند، و بنابراین، آن را رد کرده است.

حزب ما معتقد است که، مبارزه طبقه کارگر و هدف استراتژیک ما، یعنی گذر به مرحله سوسیالیسم در بستر به وجود آوردن حکومت دموکراتیک در کشورمان، از دوره گذاری پریچ و خم و طولانی عبور می‌کند. مضمون و مسیر این حرکت در مرحله‌های مختلف، به هر صورت، از مسیر برپایی مبانی مستحکم دموکراسی در راستای گسترش و تداوم عدالت اجتماعی خواهد بود. در اینجا اشتباه و درک غیر دیالکتیکی در تحلیل فعالیت سیاسی در زمینه مرحله گذار، و ضعف نظری در برخورد قاطعانه با دیکتاتوری، و تکیه نکردن بر نیروی جنبش مردمی، به دو صورت کلی بروز می‌کند: صورت اول، گرایش طیف راست و محافظه‌کار جنبش است، که تکامل اجتماعی را به تغییرهای تدریجی و رفرمیستی- بدون جهش کیفی- محدود می‌کند؛ بازتاب عملی این نظریه را می‌توان به شکل‌های متفاوت دید، برای مثال: اصرار به کار سیاسی از بالا، یا مطلق کردن دموکراسی انتزاعی و بی‌اعتنا بودن به منافع و مشکل‌های مبرم توده‌ها، محدود کردن تغییرها به رفرم‌های رونیایی به‌منظور اصلاح دیکتاتورمندی رژیم بدون نفی ولایت فقیه. صورت دوم، برخورد انارشستی و ماجراجویانه چپ‌نما است که مسئله جهش را مطلق می‌کند، و رفرم و فاز تغییرهای کمی را بی‌اهمیت می‌داند و آن را در حکم سازش طبقاتی تلقی می‌کند. این اشتباه چپ‌روانه، تدارک و کار توده‌ای و سازمان‌دهی آن در راستای ایجاد تغییرهای کمی بر پایه بسیج نیروهای مختلف و برپایی جبهه وسیع را رد می‌کند، و درکی ناقص و احساسی از مارکسیسم-لنینیسم درباره جهش یا تغییر انقلابی دارد.

حزب توده ایران، در دهه‌های اخیر، با چنین نیروها و آموزه‌های نظری‌ای خط کشی مشخص خود را داشته است. حزب ما قاطعانه از نقش و مبارزه آن دسته از اصلاح‌طلبانی که صادقانه و شجاعانه برای تداوم جنبش و نفی اقتدارگرایی بر موضع خود پافشاری می‌کنند، دفاع کرده است و خواهد کرد. از سوی دیگر، واضح است که در مقطع‌های مشخصی عملکرد رهبری جنبش "اصلاح طلبی"، زیر پایه نظری توربسیسین‌های آن در باره نحوه مبارزه، و گریز از پیش کشیدن نقش مردم، دچار نقصان‌های اساسی داشته است، و فرصت‌هایی را هدر داده است. عقب‌نشینی‌های بی‌موقع، موضع‌گیری انفعالی، اصرار بر مبانی نامربوطی مانند "ارامش فعال"، و اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی، همگی، برآمده از سیاست اشتباهی است که ضرورت شعار طرد ولایت فقیه و تکیه به نیروی مردم را در



## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

طبقه کارگر و محرومترین قشرهای اجتماعی منتقل کنند، همراه بوده است. این مقاومت‌ها و مبارزه‌های توده‌ای بر ضد سیاست‌های سرمایه انحصاری، در شکل‌هایی متنوع و نو، همچنان ادامه دارد.

پس از عقب‌نشینی‌های نیروهای چپ و مترقی در سال‌های اول دهه ۱۹۹۰ و در مقابل تهاجم گسترده تبلیغاتی برپایه خصومت طبقاتی و ایدئولوژیک رسانه‌های عمومی زیر نظارت نظریه پردازان امپریالیسم، در دو دهه اخیر، هم اکنون نشانه‌هایی جدی و امیدوارکننده از تجدید آرایش نیروهای اجتماعی در همه نقاط جهان به چشم می‌خورد. یکی از نشانه‌های بارز و مهم این تغییر توازن اقتصادی-سیاسی جهانی، شکل‌گیری ساختارهای اقتصادی بین‌المللی‌ای نوین و قدرتمند مانند پیمان "شانگهای" و گروه کشورهای "بریکس" (متشکل از: برزیل، روسیه، چین، هند، و آفریقای جنوبی) و آغاز فعالیت‌های موثر جنبش کشورهای غیر متعهد است. نکته دیگر اینکه، در همین سال‌ها ما شاهد روند نیروگیری و گسترش نفوذ جریان ترقی‌خواه، عدالت طلب، و طرفدار سوسیالیسم در کشورهای آمریکای لاتین بوده‌ایم که به تغییر چهره سیاسی آمریکای جنوبی انجامیده است.

در طول این دوره پرحادثه، کمیته مرکزی حزب توده ایران و ارگان‌های مسئول، با پی‌گیری رخدادها و ارائه تحلیل درباره مهم‌ترین تحولات سیاسی در جهان بر پایه بینش علمی مارکسیستی-لنینیستی و از طریق همکاری نزدیک با حزب‌های برادر و متحدان طبیعی زحمتکشان و طبقه کارگر میهن‌مان، سعی به موضع‌گیری و اعلام این موضع‌گیری کرده‌اند. برداشتهای سیاسی و تحلیل اساسی حزب‌مان در رابطه با عمده‌ترین این تحولات، در گزارش‌هایی که به پلنوم‌های کمیته مرکزی و دیگر جلسه‌های ارگان‌های مسئول حزبی ارائه شده‌اند، ارزیابی و باریک بینی شده‌اند. در گزارشی که پیش روی رفقای شرکت کننده در کنگره ششم حزب توده ایران قرار دارد سعی شده است به مهم‌ترین رخدادها و ارتباط منطقی آن‌ها با یکدیگر توجه شده است.

## ۱. اقتصاد جهان و بحران سرمایه‌داری

اگرچه امپریالیسم با حمله نظامی به افغانستان و عراق و اشغال این دو کشور در سال‌های نخست دهه ۲۰۰۰ و باز فعال کردن انحصارهای اسلحه‌سازی و بخش‌هایی از اقتصاد که در رابطه با آن هستند، سعی کرد که بر بحران ناشی از رکود اقتصادی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۱ غلبه پیدا کند، اما شروع بحران عمیق مالی و اقتصادی در نیمه دوم سال ۲۰۰۷، صحت تجزیه و تحلیل کنگره پنجم حزب در رابطه با اقتصاد جهانی، مشخصه‌های سرمایه‌داری جهانی، و گرایش‌های توسعه آن در خطوط کلی و در جریان تحولات سال‌های اخیر را به روشنی به اثبات رساند. بحران حاضر ادامه و اوج‌گیری بحران‌هایی است که از سال‌های میانی دهه ۱۹۹۰ در جریان بوده است، و در تحلیل کنگره قبلی حزب نیز به روشنی مورد اشاره قرار گرفتند. این بحران را می‌بایست محصول عملکرد همزمان و مرکب دو بحران سرمایه داری دانست: بحران اضافه انباشت سرمایه که از دهه ۱۹۷۰ به رشد گرایش‌هایی نو لیبرالیسم اقتصادی و فعالیت‌های سوداگرانه غیرمولد و پریریسک در اقتصاد انجامیده است، و همچنین بحران اضافه تولید سرمایه داری که در جریان سقوط اقتصادهای موسوم به "بیرهای اقتصادی" در کشورهای جنوب شرقی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ و سپس سقوط بازار سهام فرآورده‌های کامپیوتری و الکترونیکی مدرن موسوم به "بحران دات‌کام" در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۳ انجامید. ولی بحران بی‌سابقه کنونی که پس از گذشت ۵ سال هنوز اقتصادهای پر قدرت اروپا و آمریکای شمالی را در چنگال خود می‌فشرد، نمایشگر ناتوانی سرمایه‌داری از حل برخی تناقض‌های سیستماتیک و خلاص کردن خود از نارسایی‌های اساسی‌ای است که قابلیت‌های آن را زیر علامت سؤالی جدی قرار داده است. جنبه‌های مالی، بانکی، و اقتصادی بحران کنونی، و اینکه کشورهای پیشرفته سرمایه داری نتوانسته‌اند اثرهای مخرب آن را با تمامی کوشش‌ها و سرازیر کردن هزاران میلیارد دلار و تغییرهای بی‌سابقه در ساختارهای بانکی و الگوهای عملکرد آن را مهار کنند، نمایشگر تضادهای ساختاری و سیستماتیک بودن این بحران است. ناتوانی حل و یا تخفیف این بحران در طول پنج سال گذشته، بازتابی است از محدودیت تاریخی نظام سرمایه داری.

واقعیت این است که، در دو دهه گذشته و حتی در شرایط ادامه بحران کنونی، تمرکز سرمایه و ثروت به‌طور بی‌سابقه‌ای از طریق سیاست‌های هماهنگ دولت‌های قدرتمند سرمایه داری جهان تنظیم و کنترل می‌شود. این روند بر پایه تحمیل "صالحه واشنگتن" با سرعت دادن به رقابت و گسترش عملکرد "بازار آزاد"، و کوچک سازی دولت‌ها و محو قوانین ملی، تسلط بر اقتصادهای ضعیف‌تر بر پایه همه‌جانبه شدن نقش بانک‌ها و شرکت‌های فراملی در چارچوب "جهانی شدن" گسترش می‌یابد. این شرکت‌های خصوصی، در پایان دهه نخست قرن ۲۱، نزدیک به ۷۰ درصد تجارت جهان را در انحصار خود داشتند، و بعضی از آن‌ها

دستور کار خود نداشته است. به نظر ما، از هر طرفی می‌بایست به اندازه ظرفیتش از آن انتظار داشت و انتظار بالا تر از این ظرفیت عبث و تلف کردن نیرو است. از جانب دیگر نیز نفی همان ظرفیت موجود و حتی محدود نیز از دست دادن نیرویی است که در شرایط کنونی برای جنبش شورمان غنیمت است. باید توجه داشت که، اصلاح‌طلبان نماینده طبقه و قشرهای مشخصی در جامعه‌اند که آن‌ها نیز خواستار تغییرند. انتقاد سالم و سازنده از خط مشی و نقصان‌های عملکرد اصلاح‌طلبان در مقام قوی‌ترین نیروی درون جنبش مردمی، به طور مسلم امری ضروری و مفید در جهت ارتقاء سطح مبارزه است. تلاش در راستای حذف اصلاح‌طلبان از جنبش مردمی به دلیل پایگاه طبقاتی‌شان و یا به سبب اشتباه‌های تاکتیکی و مقطعی رهبری‌شان، و یا تحمیل مبنای انتزاعی دموکراسی مانند: "جمهوری سکولار" به آنان، کاری است بس عبث و خطا که هیچ کمکی به مبارزه بر ضد دیکتاتوری حاکم نمی‌کند.

رفقا، همان‌طور که در "طرح برنامه" ارائه شده به "کنگره ششم" نیز آمده است، به گمان حزب ما "چپه وسیع ضد دیکتاتوری" ابزار لازم برای پیشبرد مبارزه کنونی و ایجاد بسترهای مناسب برای تغییرهای بنیادین، دموکراتیک، و پایدار است. اگرچه از سویی ضرورت عینی فراهم آمدن حداکثر نیرو حکم می‌کند که طیف وسیع نیروهای سیاسی و اجتماعی فعال مخالف دیکتاتوری حاکم در این امر شرکت داشته باشند، اما از سوی دیگر غیر از مخالف رژیم بودن، بسیار مهم است که جنبش مردمی، برای سنجش موضع‌های تاکتیکی و استراتژیکی نیروهای سیاسی اپوزیسیون معیاری داشته باشد.

## تحولات جهانی در دهه گذشته

رفقا!

ما در ۹ سال گذشته، رخدادهای مهم بین‌المللی‌ای را شاهد بوده‌ایم که تأثیرهای عمده‌ای بر روند موازنه نیروها در سطح جهان داشته‌اند. بدیهی است که بررسی علمی، مارکسیستی، و راه‌کارجویانه تحولات جهانی بغرنج میهن‌مان نمی‌تواند بدون توجه به تأثیر این تحولات مهم جهانی انجام شود. "کنگره پنجم" حزب توده ایران در شرایطی برگزار شد که آمریکا و متحدان آن تجاوزگری آشکار نظامی به عراق و اشغال این کشور را با نقض آشکار منشور سازمان ملل و قوانین بین‌المللی آغاز کرده بودند. این ماجراجویی بی‌سابقه، در شرایط بحران اقتصادی عمیق سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۳ که اقتصاد ایالات متحده و پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری را در خود فروبرده بود، و نرخ رشد اقتصادی آن‌ها را به زیر سطحی پائین‌تر از ۲ درصد تنزل داده بود، شکل گرفت. حمله و تجاوز نظامی به عراق، فصل جدیدی از سیاست نظامی‌گری امپریالیستی را رقم زد که مشخصه ویژه و چشمگیر دوره ریاست جمهوری جورج بوش [پسر] تا ابتدای سال ۲۰۰۹ بود.

دوره جدید بحران جهانی سرمایه‌داری که با سقوط بازار مسکن ایالات متحده در مرداد ماه سال ۱۳۸۶ (اوت ۲۰۰۷) آغاز شد، در ادامه خود به بحران سیستم بانکی و مالی، و در مجموع، بزرگ‌ترین بحران سیستم اقتصادی سرمایه‌داری جهانی از دهه ۱۹۳۰ تاکنون تبدیل شد. این بحران سیستم مالی-بانکی، کشورهای سرمایه‌داری را به شدت زیر تأثیر قرار داد و به ورشکستگی شماری از بزرگ‌ترین بانک‌های مشهور منجر گردید. هنوز هم این بحران در وسیع‌ترین سطح ادامه دارد و می‌تواند با احتمال ورشکستگی اقتصاد ملی برخی کشورهای اتحادیه اروپا، و در بُعدهای بسیار گسترده‌تر، کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته را با رکود عمیق و بسیار طولانی‌ای روبه‌رو کند. نکته‌ی که در این زمینه شایان توجه است این موضوع است که، این دوره از بحران سرمایه‌داری، درعین حال، با اوج‌گیری مبارزه نیروهای ترقی‌خواه و زحمتکشان جهان بر ضد جنگ و نظامی‌گری و سیاست‌های کشورهای امپریالیستی که سعی دارند هزینه و بار اصلی بحران اقتصادی بی‌سابقه‌شان را به دوش

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

هجوم به سیستم رفاه اجتماعی، کاهش حقوق بازنشستگی، کاهش بودجه اداره‌ها و موسسه‌های دولتی، و تقلیل خدمات اجتماعی، به بیکاری میلیون‌ها کارمند و کارگر بخش عمومی منجر شده است. این درحالی‌است که مدیران عامل بانک‌های بزرگ، مسئولان اصلی ایجاد بحران مالی، حقوق‌های میلیونی و بسته‌های پاداش نجومی دریافت می‌کنند. در پیش گرفتن سیاست‌های ریاضت اقتصادی به عوض سیاست‌های مبتنی بر رشد اقتصادی، مسئله بیکاری درازمدت و مزمن میلیون‌ها کارگر و کارمند، به‌خصوص جوانان کشورهای سرمایه داری، را به کابوسی واقعی تبدیل کرده است.

همان‌طور که می‌دانید پیامدهای بحران اقتصادی کنونی در کشورهای جنوب اروپا فاجعه‌آمیز بوده است. اقتصاد و سیستم مالی برخی از کشورهای حوزه یورو در اتحادیه اروپا، در نتیجه بحران کنونی به شدت بی‌ثبات شده است. در زمستان ۱۳۹۰، سیستم بانکی یونان بار دیگر در آستانه ورشکستگی قرار گرفت و این امر به سقوط دولت منتخب این کشور انجامید. بانک مرکزی اروپا تاکنون با اختصاص دادن صدها میلیارد یورو سعی کرده است از سقوط سیستم‌های بانکی یونان، ایرلند، پرتغال، و اسپانیا جلوگیری کند. تحمیل برنامه‌های ریاضت اقتصادی بر این کشورها، کاهش کاهش یکباره و شدید دستمزدها، مقرری‌های بازنشستگی، و حمایت‌های تأمین اجتماعی، انقباض شدید اقتصاد ملی آن‌ها را به دنبال داشته است. از یک سو بیکاری، کاهش و گاهی قطع خدمات عمومی و تنزل سیستم‌های خدمات اجتماعی، زحمتکشان را به فقر و فلاکت کشانده است، و از سوی دیگر استقلال سیاسی کشورهای بحران زده- به دلیل تحمیل سیاست‌های مالی، اقتصادی، و اجتماعی- از سوی نهادهای سه‌گانه اتحادیه اروپا [ترویکا] بانک مرکزی اروپا، صندوق بین‌المللی پول، و اتحادیه اروپا] عملاً نقض شده است. در خردادماه ۱۳۹۱، کشورهای اتحادیه اروپا توافق کردند که با ایجاد یک سیستم واحد مالی- بانکی سعی به اعاده ثبات "یورو"- واحد پولی اتحادیه اروپا- کنند.

بحران اقتصادی بی‌سابقه کنونی، بیکاری را به معضلی همه‌جانبه تبدیل کرده است که همه کشورها و منطقه‌های جهان را زیر تأثیر خود قرار داده است. بر پایه ارزیابی "جهان کار" نشریه "سازمان جهانی کار"، ماه مه ۲۰۱۲، براساس آمارهای رسمی، در سال‌های اخیر، بیش از ۲۰۰ میلیون نفر بیکارند. ۷۵ میلیون تن از آنان جوانان بیکارند. شمار واقعی بیکاران مطمئناً از این ارقام رسمی بسی فراتر است. نرخ بیکاری در ایالات متحده آمریکا در بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۲ دو برابر شد و در حال حاضر نزدیک به ۹ درصد نیروی کار را دربر می‌گیرد. شمار بیکاران در اتحادیه اروپا ۲۵ میلیون نفر است. در اسپانیا، در بهار ۲۰۱۲، نرخ بیکاری ۲۴/۴ درصد و در میان جوانان ۵۱ درصد بود. در سال ۲۰۱۱ نرخ میانگین بیکاری در کشورهای توسعه یافته جهان نزدیک به ۸/۶ درصد بود.

## ۲. جنگ و نظامی‌گری امپریالیستی

بررسی تحولات دهه گذشته، درستی ارزیابی "کنگره پنجم" حزب را مبنی بر اینکه منافع امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا با جنگ و نظامی‌گری گره خورده است، تأیید می‌کند. بحران جهانی سرمایه‌داری و تضعیف اقتصاد آمریکا و متحدان آن در اتحادیه اروپا، با ادامه بی‌وقفه مانورهای تهاجمی و نظامی‌گری امپریالیسم همراه بوده است. در چنین شرایطی امپریالیسم آمریکا، با درپیش گرفتن سیاست‌هایی مبتنی بر نظامی‌گری و تجاوزگری، سعی می‌کند نفوذ خود در منطقه‌های مهم استراتژیک جهان حفظ کرده و سلطه‌اش را بر آن‌ها بگستراند. یکی از عمده‌ترین ابزارهای ایالات متحده در اعمال سلطه امپریالیستی بر جهان و ادامه "نظم نوین جهانی" بر پایه بهره‌کشی و تجاوزگری، پیمان تجاوزگر "ناتو" است. در دو دهه اخیر ساختارها و برنامه عمل پیمان ناتو با هدف تبدیل آن به پیش‌قراول تهاجم‌های امپریالیستی در سراسر جهان، مورد تجدید نظر قرار گرفته‌اند. تغییرهای مهم در اساسنامه، حیطه عمل، و ساختارهای فرماندهی پیمان ناتو، و حتی توجیه عملکرد آن در مقام نیروی نظامی ای هماهنگ با تصمیم‌های سازمان ملل در نشست‌های سالانه آن در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ را باید در این راستا دید. آمریکا و متحدان اروپایی آن سعی دارند که توسعه پیمان ناتو را در حکم بازوی نظامی سرمایه داری برای مقابله با جنبش‌های مردمی و کشورهای مستقل و ترقی‌خواه در سراسر جهان به پیش برند.

باید توجه کرد که، کشورهای عضو پیمان ناتو در آغاز حیات این پیمان تجاوزگر در سال ۱۹۴۸، عمل خود را بر پایه ماده‌های ۵۱ و ۵۲ منشور سازمان ملل متحد توجیه می‌کردند. نه در منشور سازمان ملل و نه در قطعنامه پایه‌گذاری پیمان ناتو حق هیچ‌گونه مداخله نظامی‌ای در کشورهای دیگر به آن داده نشده است. در ماده ۴ قطعنامه بروکسل به صراحت قید شده بود: "در صورتی که یکی از امضا کنندگان مورد تجاوز مسلحانه قرار گیرد دیگر امضا کنندگان بر اساس

به‌لحاظ توان اقتصادی از برخی از دولت‌های جهان قوی‌تر بودند. با گسترش بی‌سابقه نقش سرمایه‌های مالی و بالا گرفتن فعالیت‌های سوداگرانه و "کازینویی پرریسک"، اقتصاد جهان تغییر جهتی باز در حرکت حجم عظیمی از سرمایه‌ها را شاهد بود که در جستجوی سودهای کلان سریع، از عرصه تولید سازنده به سوی فعالیت‌های انگلی در بازارهای مالی جهان روی آوردند. از جمله چنین فعالیت‌هایی، به فعالیت‌های مالی به غایت انگلی‌ای مانند انواع مشتق‌های مالی- نوعی شرط بندی بر ارزش آینده کالاها و نرخ ارز - می‌توان اشاره کرد. بدین ترتیب در بازارهای مالی و بانک‌ها نیز اوراق معاملات محصولات صنعتی، کشاورزی، و مواد اولیه مدت‌ها قبل از تولید به وسیله ابزاری مانند "آپشن" خرید و فروش می‌شوند. در بازار تجاری سنتی ایران نیز نوع ابتدائی‌تر این معامله به نام "سلف خری" مرسوم بوده است. این روند غالب در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، بسترساز مافوق سودهای کلانی بوده است که به صورت خصوصی کسب می‌شوند، ولی در صورت بخت، هزینه به شهروندان، و در عمل، به زحمتکشان منتقل می‌گردد. به موازات این فرایند در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، رشد سرطانی فرهنگ مصرف‌گرایی بر پایه اعطای اعتبارات بانکی بی رویه، وام‌های مسکن بدون پشتوانه، و کارت‌های اعتباری، در سه دهه اخیر اقتصاد جهانی را به مرور با بی‌ثباتی‌ای بی‌سابقه روبه رو ساخته است.

رشد نقش و تسلط سرمایه‌های مالی در سال‌های اخیر، در چارچوب "جهانی شدن" و گردش آزاد سرمایه‌ها بدون هرگونه مانع، و ایجاد نیاز مصنوعی برای کارت‌های اعتباری و دستیابی آسان به اعتبارهای بانکی برای قشرهای متوسط و حتی لایه‌های فرودست جامعه، عملکرد خارج از منطق مالی و هرج و مرج آفرین سیستم سرمایه‌داری را سرعت و شدت بخشیده است. این پدیده در سال ۲۰۰۷ به عامل مهمی در بی‌ثباتی سیستم پولی و بانکی و سقوط بازارهای سهام تبدیل گردید. بحران اقتصادی جهانی حاضر، که تحلیلگران اقتصادی آن را بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین بحران ساختاری سرمایه‌داری بعد از سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۰ ارزیابی می‌کنند، پس از ۵ سال هنوز در اوج مرحله تخریبی خود است. اقتصادهای کشورهای سرمایه‌داری یا در رکود عمیق و ادامه‌دار به سر می‌برند و یا با نرخ‌های رشد بسیار نازل زیر ۲ درصد و حتی منفی، دست و پا می‌زنند. در دی ماه سال گذشته، گزارش "وضعیت اقتصاد جهانی و چشم انداز ۲۰۱۲" که از سوی سازمان ملل متحد منتشر می‌شود، فاش کرد که میزان رشد اقتصادهای آمریکا، اتحادیه اروپا، و ژاپن، در سال ۲۰۱۲ فقط ۱/۵/۱ [۱/۵] درصد خواهد بود و احتمال رکود مجدد و عمیق کشورهای پیشرفته سرمایه داری بسیار جدی است. این گزارش فاش کرد که، نرخ رشد سالانه اقتصاد جهانی که در سال ۲۰۱۰ ۴ درصد بود، در سال ۲۰۱۱ به ۲/۸ درصد کاهش یافته است.

بحران مالی‌ای که در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰ برخی از مشهورترین بانک‌ها و موسسه‌های مالی خصوصی جهان نظیر "لیمن برادرز" را ورشکسته کرد و بخشی بزرگ از سیستم بانکی کشورهای غرب را در معرض سقوط قرار داد، نادرست بودن نظریه تئوریک‌های سرمایه‌داری در زمینه توان بانک‌ها و موسسه‌های مالی بزرگ در نظارت، تنظیم، و مدیریت بازارهای سرمایه داری را به اثبات رسانید. دولت‌های کشورهای امپریالیستی برای غلبه بر این بحران مهلک، به تزریق بسته‌های کمک‌های مالی چند صد میلیارد دلاری به بانک‌های خصوصی از محل خزانه‌های ملی، بدون نگرانی از پیامدهای تخریبی این سیاست‌ها بر ضد منافع اکثریت مردم، اقدام کردند. درحالی‌که کارشناسان اقتصادی مستقل مسئولیت بحران فلج کننده اقتصادی را به‌طورمشخص به بانک‌ها و موسسه‌های مالی سرمایه‌داری نسبت می‌دهند، دولت‌های سرمایه‌داری به موازات تزریق صدها میلیارد دلار به ذخیره بانک‌ها، عملاً زحمتکشان و طبقه کارگر را به پرداخت هزینه‌های این بحران متعهد کرده‌اند و سیاست‌های ریاضت اقتصادی‌ای بی‌سابقه و خشن را به کار گرفته‌اند.

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، با تمام وسایلی که در اختیار دارند، نظامی و غیر آن، به کشور مورد تجاوز یاری کنند و بلا فاصله باید به شورای امنیت سازمان ملل اطلاع دهند تا تصمیم‌های لازم از سوی آن شورا اتخاذ شود.

آنچه در دهه مورد گزارش بارها در مقابل انظار بین‌المللی تکرار شد اینست که، امپریالیسم در تحلیل نهایی برای ادامه هژمونی سیاسی - اقتصادی خود در جهان، برای ایجاد و گسترش بازارها، و برای دست یافتن به منابع مواد خام و انرژی همواره به قدرت نظامی خود اتکا کرده است. در حقیقت جنگ و تسلط طلبی را نمی‌توان از ماهیت سرمایه‌داری جهانی جدا کرد. امپریالیسم از یک سو از جنگ برای تأمین تسلط بر بازارهای جدید و منابع مواد خام و از جمله انرژی بهره می‌گیرد، و از سوی دیگر با تضمین ادامه تولید تسلیحات فوق مدرن و گسترش تولید آن‌ها از طریق جنگ و ایجاد تشنج در جهان، بخشی از سامان‌یابی اقتصاد سرمایه‌داری است. اینکه کشورهای قدرتمند سرمایه‌داری در مقاطع اوج‌گیری بحران اقتصادی در یک قرن گذشته به جنگ‌های فاجعه‌بار منطقه‌ای دامن زده‌اند، تصادفی نیست. سرمایه‌داری جهانی و به ویژه محفل‌های حاکم ایالات متحده آمریکا در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، برای غلبه بر رکود اقتصادی این سال‌ها، به جنگ افروزی و گسترش تشنج در جهان نیاز داشتند و نیاز دارند.

حمله نظامی ایالات متحده و متحدان آن در سال ۲۰۰۱ به افغانستان و کمتر از دو سال پس از آن به عراق و اشغال نظامی طولانی مدت این دو کشور، در حقیقت به امپریالیسم آمریکا یاری کرد تا بر بحران اقتصادی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۳ غلبه پیدا کند. بیش از ده سال پس از شروع جنگ در افغانستان و هشت سال اشغال نظامی عراق، این دو عرصه تهاجم نظامی ایالات متحده، بررغم مرگ صدها هزار نفر و هزینه هزاران میلیارد دلاری، هنوز ادامه دارد. اگرچه ایالات متحده اعلام کرده است که نیروهای "فیل" نظامی خود را تا سال ۲۰۱۴ از افغانستان خارج می‌کند، اما در حقیقت برنامه آن ادامه استقرار ۲۵۰۰۰ پرسنل نظامی برای حفظ پایگاه‌هایش در این کشور است. شرایط سیاسی در افغانستان و همسایه جنوبی آن پاکستان، به دلیل حضور و اقدام نظامی نیروهای آمریکایی در این کشور به شدت بحرانی است. دولت مرکزی افغانستان توان مقاومت در مقابل نیروهای زیر فرماندهی طالبان را ندارد، و پاکستان که از دیرباز مترصد ایجاد جا پاهایی محکم برای کنترل افغانستان بوده است، عملاً از فعالیت‌های طالبان و نیروهای اسلامی افراطی حمایت می‌کند. روابط بین ارتش پاکستان و ایالات متحده در ارتباط با آینده سیاسی افغانستان، تیره شده است. پاکستان اکنون به یکی از مرکزهای عملیاتی و فعالیت نیروهای اسلامی محافظه کار، جهادی، و از جمله طالبان، تبدیل شده است.

در عراق هنوز موج کشت و کشتار و عملیات نیروهای تروریستی و افراطی ادامه دارد. ایالات متحده در دی‌ماه ۱۳۹۰ و پس از ۸ سال تجاوزگری و اشغال، به حضور رسمی واحدهای نظامی فعال خود در این کشور خاتمه داد. ولی آنچه که مشخص است نفوذ مستقیم سیاسی ایالات متحده در تحول‌های این کشور برای سال‌های متعددی ادامه خواهد یافت. ایالات متحده اکنون برای حفظ نفوذ و حمایت از منافع امپریالیستی خود در منطقه، پایگاه‌هایی بزرگ را برای سکونت دادن و آماده نگه‌داشتن واحدهای نظامی‌اش در خاک کویت اداره می‌کند. فاجعه تحول‌های خونین عراق اینست که، با همه هزینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ای که مردم عراق پرداخته‌اند، و پس از آن همه تخریب، ترور، و کشتاری که روی داده است، این کشور هنوز هم ثبات سیاسی و اقتصادی ندارد. موج بمب‌گذاری‌های تروریستی، هر ماهه در شهرهای این کشور ده‌ها نفر انسان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشد. سیستم حکومتی مبتنی بر سهم خواهی مذهبی، قومی، و قبیله‌ای ناکارآمدی خود را در دوره پس از انتخابات پارلمانی گذشته نشان داده است.

حمله جنایت‌کارانه پیمان نظامی ناتو به لیبی، در ماه مارس

۲۰۱۱، و در هشتمین سالگرد حمله نظامی به عراق، فصل جدیدی از سیاست‌های نظامی‌گری امپریالیسم جهانی در منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌آید. پیرو سیاست واکنش نشان دادن به خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی بر ضد دیکتاتورها و تلاش در کنترل آن‌ها، امپریالیسم در لیبی بار دیگر استراتژی "تغییر رژیم" از طریق مداخله نظامی را به کار گرفت، اما نیروهای ارتشی خود را به‌طور مستقیم وارد درگیری‌ها نکرد. بمباران منطقه‌های شهری و ساختارهای حکومتی و نظامی از سوی نیروهای هوایی کشورهای پیمان ناتو، و نابود کردن واحدها و تجهیزات نظامی ارتش لیبی، عملاً صحنه را برای به قدرت رسیدن ائتلافی از نیروهای وابسته به غرب، اسلام‌گرایان افراطی، و جهادیون القاعده آماده کرد. در این عملیات تخمین زده می‌شود که حدود ۵۰۰۰۰ تن از مردم و نیروهای نظامی لیبی بر اثر بمباران‌های هوایی کشته شده‌اند.

سیاست نظامی‌گری امپریالیسم - به سرکردگی آمریکا - هجوم‌های نظامی، سیاسی، و اقتصادی‌اش را در جهان افزایش داده است، و در این میان شرکت‌های بزرگ تولید و تجارت تسلیحات نظامی نقش تعیین‌کننده تری را نسبت به گذشته برعهده گرفته‌اند. بودجه‌های نظامی در سراسر جهان افزایش چشمگیری داشته‌اند، و به این ترتیب هر ساله میلیاردها دلار به حساب‌های بانکی انحصارهای تسلیحاتی و قاچاقچیان اسلحه سرازیر می‌شود.

بودجه اختصاص داده شده به هزینه‌های نظامی در جهان گرچه در سال‌های پس از ۱۹۹۰ و پس از فروپاشی اتحاد شوروی کاهش پیدا کرد و به حدود ۳ درصد تولید ناخالص جهانی رسید، اما در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ میلادی دوباره رو به افزایش گذاشت. در سال ۱۹۹۹ این بودجه در مقایسه با سال قبل ۴/۹۵ درصد افزایش یافت، و در سال ۲۰۰۲ نرخ رشد هزینه‌های نظامی جهان بالغ بر ۸ درصد گردید. دولت جورج بوش با بهره جویی از جو هیستریک پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، با توسل به دکترین "جنگ‌های پیشگیرانه" و "مبارزه با تروریسم جهانی"، افزایش نجومی در بودجه نظامی این کشور را توجیه کرد. به گزارش "انستیتیوی مطالعات بین‌المللی صلح استکهلم"، بودجه‌های اختصاص داده شده به مصارف نظامی در جهان در ده سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹، هر ساله به‌طور متوسط ۵/۴ درصد افزایش داشته‌اند، و مبلغ آن در سال ۲۰۱۰ به رقم نجومی ۱۶۳۰ میلیارد دلار بالغ گردید. در سال ۲۰۱۰ بودجه نظامی آمریکا ۷۱۱ میلیارد دلار، یعنی نزدیک به نصف کل هزینه‌های نظامی در سراسر جهان (۴۸ درصد) بود. بودجه اختصاص داده شده به فعالیت‌ها و عملیات نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۳/۳ میلیارد دلار بود. توجه‌برانگیز آنکه، میزان بودجه‌های نظامی و تسلیحاتی متحدان آمریکا در خاورمیانه در این دوره به‌طور عمده بسیار بالا و غیر هماهنگ با نیازهای طبیعی آن‌ها بوده است. در این رابطه عربستان سعودی سالانه با اختصاص ۴۷ میلیارد دلار، یعنی معادل ۱۱/۴ درصد تولید ناخالص ملی‌اش، امارات متحده عربی با صرف نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار و معادل ۷/۳ درصد تولید ناخالص ملی‌اش، عمان با اختصاص ۹/۷ درصد از تولید ناخالص ملی‌اش، اسرائیل با هزینه کردن ۱۳ میلیارد دلار، و ترکیه با نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار بودجه تسلیحاتی، نمایش دهنده روند ضد ملی، بحران‌آفرین، و خطرناکی اند که امپریالیسم به این منطقه تحمیل کرده است.

## ۳. خاورمیانه در قلب طوفان

در دهه گذشته، تحول‌های بفرنج منطقه خاورمیانه، و اخیراً شمال آفریقا، در مرکز توجه افکار عمومی جهان قرار داشته است. اوج‌گیری حمله‌های تروریستی از آغاز هجوم امپریالیسم به عراق، بحران سیاسی در لبنان به دلیل ترور "رفیق حریری"، رئیس‌جمهوری سابق این کشور، حمله نظامی اسرائیل به جنوب لبنان در ژوئیه ۲۰۰۶ که ۳۴ روز طول کشید، حمله نظامی اسرائیل به غزه در دسامبر ۲۰۰۸ که ۲۵ روز ادامه داشت، بحران در روابط بین دولت خودگردان فلسطینی و اسلام‌گرایان حماس، اوج‌گیری جنبش آزادی‌خواهی در تونس، مصر، بحرین، اردن، یمن، سوریه، و لیبی، حمله نظامی نیروهای ناتو به لیبی، و در نهایت، بحران سیاسی در رابطه با سوریه، از جمله این رخدادها است. همه این تحول‌ها ارتباط نزدیک و ارگانیک با نظامی‌گری و سیاست‌های فاجعه بار امپریالیسم در منطقه دارد، و ادامه تلاش‌ها برای تثبیت حاکمیت و هژمونی هم‌جانبه امپریالیسم بر منطقه است. ادامه بی‌ثباتی و سیاست‌های جنگ‌طلبانه نیروهای متحد با ایالات متحده در منطقه، ادامه خونریزی در سوریه، عقب‌گرد جنبش‌های آزادی‌خواهی در مصر، اردن، بحرین، و یمن، حمله نظامی و مستقر کردن نیروهای اسلام‌گرای ارتجاعی در لیبی، و تحول‌های بفرنج و خطرناک پاکستان، همگی از پیامدهای خون‌بار و تراژیک سیاست‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه حکایت دارد.

ایالات متحده کنترل منطقه خاورمیانه و غرب آسیا را از نظر منافع استراتژیک خود و از جمله دستیابی کامل بر منابع انرژی و نفت و گاز منطقه نه فقط ضروری،

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

بلکه طبیعی و حیاتی می‌داند. طرح استراتژیک "خاورمیانه بزرگ" که سیاست‌های کنونی آمریکا و متحدان ناتوی آن برای کنترل خاورمیانه دقیقاً در راستای پیاده کردن آن تنظیم شده‌اند، در اسناد مصوبه پلنوم‌های حزب در دوره مورد گزارش، بررسی و تحلیل شده‌اند. کمیته مرکزی حزب توده ایران در پلنوم خود در سال ۲۰۰۸، به درستی مطرح کرد که "طرح امپریالیسم برای تأمین و گسترش هژمونی خود در تمامی منطقه وسیع خاورمیانه از عراق گرفته تا افغانستان، از مصر و لبنان گرفته تا ایران، یگانه، حساب شده و همخوان با طرح "خاورمیانه بزرگ" است."

پلنوم‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران در بررسی تحول‌های سیاسی منطقه خاورمیانه به‌طور پیگیر ادامه شرایط فاجعه بار در اراضی اشغالی و عملکرد دولت تجاوزگر اسرائیل را نه فقط برای مردم فلسطین، بلکه برای منافع همه مردمان و کشورهای منطقه خاورمیانه زیان آور و مخرب ارزیابی کرده است. تحلیل حزب توده ایران بر این راستا قرار دارد که، تا هنگامی که مسئله فلسطین در جهت منافع مردم فلسطین و بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد حل نشود، خاورمیانه روی صلح را به خود نخواهد دید. ما در این سال‌های دشوار، همدوش همه نیروهای صلح طلب و مترقی منطقه و جهان، مبارزه برای حل مشکل فلسطین، صلح در منطقه، ایجاد شرایط مناسب برای حیات انسانی همه شهروندان در کشورهای منطقه، پایان اشغال عراق، و بر چیده شدن تمامی پایگاه‌های نظامی آمریکا، مبارزه کرده‌ایم. حزب ما در این دوره، ادامه شرایط تفرقه و درگیری نیروهای فلسطینی را منفی ارزیابی کرده است، و از اعاده نقش هماهنگ کننده سازمان آزادی بخش فلسطین بر پایه دموکراتیزه کردن آن، حمایت کرده است. ما ادامه وضعیت موجود را در اساس محصول سیاست‌های هدفمند و جنایت‌کارانه اسرائیل زیر چتر حمایت مستقیم ایالات متحده می‌دانیم. در دهه اخیر، سیاست‌های مداخله‌جویانه و اخلاک‌گر رژیم ولایت فقیه در مورد فلسطین نیز یکی دیگر از عامل‌های تفرقه افکنی در بین نیروهای مبارز برضد اسرائیل بوده است.

در رابطه با خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا ضروری است که به‌طور مشخص به تحول‌های سیاسی ۱۸ ماهه اخیر در کشورهای منطقه و آنچه با نام "بهار عربی" جریان داشته است، اشاره کنیم. قیام‌های مردمی در این کشورها بر بستر نارضایتی عمومی در رابطه با حاکمیت استبداد و شرایط دشوار اقتصادی-اجتماعی شکل گرفت. محدودیت‌های اجتماعی، تبعیض و فساد گسترده، عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، و اختلاف گسترده طبقاتی در طول سال‌ها، شرایط عینی قیام‌های مردمی این کشورها برای به وجود آوردن تغییرهای پایه ای بوده است. برای نمونه، تحمیل برنامه‌های اقتصادی نولیبرالی دیکتاتوری بن‌علی یکی از عامل‌های نارضایتی قشرها و طبقه‌های گوناگون در تونس بود. سقوط دولت فاسد و استبدادی بن‌علی در تونس، مانند جرقه‌یی در نخستین گام قیام مردمی در مصر و در مرحله‌های بعدی جنبش‌های اعتراضی در اردن، بحرین، یمن، الجزایر، و مراکش را دامن زد.

در مصر مردم در قیامی تاریخی توانستند در مرحله نخست رژیم حسنی مبارک، دیکتاتور وابسته به ایالات متحده، را از تخت فرعون خود به زیر بکشند، و روند تغییرهای سیاسی پدیده‌ای را در این کشور به حرکت درآورند. مردم زحمتکش مصر اکنون پس از ۳۰ سال حکومت مبارک و وابستگی، مبارزه‌یی دشوار برای ادامه جنبش و به‌وجود آوردن تغییر در جهت استقرار دولتی ملی و دموکراتیک را ادامه می‌دهد. نیروهای نظامی که در ۴ دهه اخیر نقش فاسد و مخربی را در حیات سیاسی کشور داشته‌اند و در هماهنگی با سیاست‌های ایالات متحده عمل می‌کنند، در دوران پس از سقوط مبارک روند تغییرها را زیر کنترل خود قرار داده‌اند. این مشخص است که دولت ایالات متحده که به نقش استراتژیک مصر برای حفظ منافع امپریالیستی خود در خاورمیانه و شمال آفریقا تکیه دارد، تغییرهای دموکراتیک و عمیق در راستای منافع زحمتکشان را خواهان نیست. در انتخابات پارلمانی در دی ماه ۱۳۹۰ و ریاست جمهوری در خردادماه این کشور، اسلام‌گرایان ارتجاعی

یعنی اخوان المسلمین بیشترین میزان آراء را به دست آوردند. زمینه‌های چنین پدیده‌یی را در ارثیه شوم ۳۰ سال استبداد و چپاول، عقب‌ماندگی فرهنگی، عدم تشکل و سازماندهی در مصر، و همچنین نفوذ سنتی نیروهای اسلام‌گرا-همان‌گونه که در مبین ما ایران تجربه شد- باید ارزیابی کرد. موضع‌گیری‌های ایالات متحده در ۱۸ ماهه گذشته به‌طور مشخص نشان داده است که این کشور و متحدان آن با به‌دست گرفتن قدرت دولتی در مصر، تونس، لیبی، سوریه و یا یمن از سوی اسلام‌گرایان ارتجاعی (به شرطی که برخلاف منافع حیاتی امپریالیسم اقدام نکنند) مشکلی ندارند. می‌توان به درستی گفت که، در تحلیل نهایی جریان‌های واپس‌گرای مذهبی- قومی حتی با وجود استقلال نسبی برخی از این نیروها، در عمل به صورت مستقیم و غیر مستقیم به همراه امپریالیسم بر ضد نیروهای مترقی منطقه عمل کرده‌اند و خواهند کرد. در همین رابطه به سکوت توأم با رضایت ایالات متحده آمریکا و متحدان ناتوی آن در رابطه با سرکوب تظاهرات مردمی در بحرین از طرف دولت این کشور و یا تجاوز آشکار ارتش و نیروهای امنیتی عربستان سعودی برای خاتمه دادن به جنبش اعتراضی مردم و اشغال کوتاه مدت پایتخت این کشور باید اشاره کرد. اقدام عربستان سعودی در اساس حمایت از منافع ایالات متحده در منطقه و در رابطه با استقرار ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده در بحرین است.

انگلستان، فرانسه، و آمریکا، در ماه‌های نخست آغاز "بهار عربی"، به بهانه دفاع از جنبش اعتراضی مردم برضد دولت و سیاست‌های معمر قذافی، این کشور را با حمله نظامی هدف سیاست‌های تجاوزکارانه خود قرار دادند. این کشورهای امپریالیستی با دستاویز "دخاله بشردوستانه" به سبب حمله نیروهای انتظامی و امنیتی قذافی به تظاهر کنندگان، با تصویب قطعنامه‌یی در شورای امنیت سازمان ملل، برای حمله تجاوزگرانه ناتو پوشش مناسب ایجاد کردند. در طول ۷ ماهه بمباران وحشیانه از سوی نیروهای هوایی کشورهای عضو پیمان ناتو، شهرهای این کشور ویران شدند، نیروهای نظامی لیبی انسجام خود را از دست دادند، و در فرجام، رهبر لیبی به نحو فجیع و جنایت‌کارانه‌ای به قتل رسید. در لیبی اکنون نیروهای مترجع مذهبی و قومی به‌غایت ضد دموکراتیک، ولی طرفدار گسترش سرمایه‌داری و اسلام‌گرایان جهادی، حکومت می‌کنند. استفاده از نیروهای پیمان تجاوزگر ناتو برای حمله نظامی به لیبی، در حقیقت برای دومین بار (افغانستان مورد اول بود) در خارج از محدوده تعریف شده اساسنامه اولیه این سازمان انجام گرفت.

تحول‌های سیاسی در سوریه طی ۱۸ ماه گذشته، در جهت وخیم‌تر شدن اوضاع و تفوق نیروهای ارتجاعی آلت دست عربستان سعودی و متحدانش، جریان یافته است. موقعیت استراتژیک سوریه در مرزهای مصر و اسرائیل و در ساحل دریای مدیترانه، روابط مهم و نزدیک این کشور با جمهوری اسلامی ایران، روسیه، و حزب الله لبنان، به همراه نقش پررنگ آن در تحول‌های دهه‌های اخیر در مبارزه خلق‌های منطقه در رابطه با مسئله فلسطین، در عمل به درگیری‌های سوریه و بیژگی و مشخصه بین‌المللی داده است. تعلل حزب بعث سوریه، که بیش از چهار دهه است که کلیه نهادهای حکومت و قدرت را به بهانه "وضعیت اضطراری" در دست داشته است، در قبول خواست‌های بر حق مردم و سرکوب خشن تظاهرکنندگان که در ابتدا فقط اجرای اصلاحات به‌منظور دموکراتیزه شدن حیات اجتماعی، آزادی زندانیان سیاسی، و پایان دادن به وضعیت اضطراری در کشور را خواستار بودند، سرانجام شرایط را به سمت دوقطبی شدن حاد و امکان دخالت از سوی ارتجاع محلی و امپریالیسم سوق داد. دولت به جای پیاده کردن راه حل‌های مبتنی بر مذاکره- که می‌توانست تحول‌ها را در چارچوب تعامل ملی به سامان برساند- با تعریف تظاهرات مردمی در حکم "نوطه امپریالیستی"، در دفاع از موقعیت اقتدارگرایانه خود راه حل‌های خشونت آمیز و امنیتی را در پیش گرفت. امروزه به دلیل این سیاست‌های غلط ضد مصالح ملی دولت سوریه، این کشور آماج حمله نیروهای وابسته به امپریالیسم قرار گرفته است. در تحلیل شرایط در رابطه با سوریه باید اذعان داشت که، دولت بعث زیر رهبری بشار اسد در عمیق کردن بحرانی که جامعه را در بر گرفته نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. این حقیقتی است که دولت سوریه چه در رابطه با اصلاحاتی که خواست و نیاز جامعه بوده است، و چه در رابطه با مسئله کلیدی در خاورمیانه، یعنی مسئله فلسطین، به‌شدت اشتباه کرده است، و در این مسیر حمایت نیروهای اجتماعی و بخش‌های عمده‌یی از جامعه را از دست داده است.

در ماه‌های اخیر دامنه‌های بحران سوریه گسترده شده است و کشورهای امپریالیستی به‌طورعلنی طرفداری خود از سرنگونی دولت سوریه و جانشینی آن از سوی طیفی رنگارنگ از ارتجاع اسلام‌گرای سلفی و وهابی، یعنی طرفداران سرمایه‌داری و محفل‌های مشکوک، اعلام کرده‌اند. تشکل جامعه کشورهای

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

“دوست سوریه” – که گردانندگان آن وزارت‌های خارجه آمریکا، انگلیس، ترکیه، و همچنین رژیم‌های مرتجع عربی اند – در این ارتباط توجه برانگیز است. ایالات متحده سعی دارد همداستانی ای بین‌المللی در رابطه با اقدام بر ضد دولت سوریه سازمان دهد، و از این طریق “شورای امنیت سازمان ملل” را – که تاکنون به سبب مخالفت‌های روسیه و چین نتوانسته است قطعنامه‌ی مبنی بر اقدام بین‌المللی بر ضد سوریه تصویب کند – زیر فشار بگذارد. از سوی دیگر عربستان و قطر با اختصاص دادن میلیارد‌ها دلار، در صدد تشکیل دادن و مستقر کردن ارتشی مسلح و مزدور در خاک ترکیه‌اند، تا بدین وسیله برنامه براندازی حکومت بشار اسد را آسان‌تر سازند.

نیروهای ترقی‌خواه و دموکراتیک نگران تحول‌های سیاسی سال‌های آینده در منطقه‌اند. واضح است که امپریالیسم سعی دارد که با استفاده از شرایط نامساعد بین‌المللی در رابطه با موازنه نیروها در سطح جهانی، و همچنین سازمان‌ناافتگی جنبش کارگری در کشورهای منطقه، از فرصت به‌وجودآمده برای جامه عمل پوشاندن به طرح “خاورمیانه بزرگ” (و به‌گفته دولت کنونی آمریکا “خاورمیانه نوین”!) بهره‌گیرد. عملکرد و فعالیت‌های حساب شده ترکیه، عضو ناتو، عربستان سعودی، و قطر، کشور ثروتمند خلیج فارس، در عرصه تحول‌های خاورمیانه بسیار نگران‌کننده است. ترکیه از چند سال پیش، گام به گام، به سوی الگویی از کشور اسلامی‌ای در خاورمیانه که برای امپریالیسم پذیرفتنی باشد، ره می‌سپرد. عربستان سعودی و قطر، بر پایه ذخیره‌های صدها میلیارد دلاری خود از محل درآمدهای نفتی، هزینه سازمان دادن به تشکیل ارتش‌های مزدور را برعهده گرفته‌اند. نقش این کشورها در رابطه با تحول‌ها در عراق، سوریه، و لیبی، تعیین‌کننده بوده است.

## ۴. آمریکای لاتین

رقفا!

در دوره میان دو کنگره حزب ما هم چنین تغییرها و دگرگونی‌های دموکراتیک و مترقی مهمی در برخی از کشورهای جهان، به ویژه در آمریکای لاتین، ادامه یافته است. کشورهایی که تا چندی پیش به‌لحاظ راهبردی (استراتژیک) پایگاه‌های اقتصادی و سیاسی آمریکا بودند و به اصطلاح حیاط خلوت ایالات متحده حساب می‌شدند، اکنون در صف‌های مقدم مبارزه ضد امپریالیستی قرار گرفته‌اند. در کنار مبارزه‌های طولانی و انقلابی کوبا در منطقه آمریکای لاتین برضد سلطه امپریالیسم آمریکا، ونزوئلا نیز در چند سال اخیر به این مبارزه پیوسته است و آزادی عمل آمریکا در منطقه را محدود کرده است. در چند سال گذشته کشورهای بولیوی، اکوادور، و نیکاراگوئه، با درپیش گرفتن سیاست‌های مشخص اقتصادی و اجتماعی ملی و ترقی‌خواهانه، جهت‌گیری سوسیالیستی را یگانه راه برون رفت از مشکل‌های کنونی اعلام کرده‌اند. کشورهای بولیوی و اکوادور به ملی کردن منابع طبیعی خود آغاز کرده‌اند. در سال جاری با پیروزی انتخاباتی فرناندو لگوگو، اسقف پیشین، دولتی دیگر در آمریکای جنوبی در جایگاه خدمت به عدالت اجتماعی و استقلال ملی قرار گرفت. افزون بر این، بسیاری از کشورهای دیگر نیز که خواهان اصلاحات‌اند – مانند آرژانتین، برزیل، و شیلی – اعلام کرده‌اند که حاضر به تسلیم در برابر سیاست‌های تحمیل شده از سوی امپریالیسم و اهرم‌های فشار آن، یعنی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، و سازمان تجارت جهانی، نیستند.

این کشورها برنامه‌های مردمی و ترقی‌خواهانه‌ی را به سود زحمتکشان و محرومان تدارک دیده‌اند. به‌طور مثال، برزیل و آرژانتین بخش بزرگی از بدهی‌های خود به صندوق بین‌المللی پول را باز پرداخت کرده‌اند (این دو کشور در زمره بدهکارترین کشورها به صندوق بین‌المللی پول بودند) تا از این طریق بتوانند از وابستگی خود به این سازمان خلاصی یابند. بولیوی نیز در سال ۲۰۰۶ به

رابطه خود با این سازمان پایان داد.

بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، هم زمان با کاهش و یا قطع رابطه اقتصادی با آمریکا و اروپا، روابط اقتصادی خود با چین، و مهم‌تر از آن، روابط اقتصادی با یکدیگر را افزایش داده‌اند. نتیجه این افزایش همکاری، به وجود آمدن سازمان‌های همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای بوده است. نمونه این همکاری‌ها، تشکیل سازمان “آلبا” (الترناتیو بولیواری آمریکای لاتین) است، که در آن کوبا، ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه، و جمهوری دومینیک شرکت دارند. این سازمان علاوه بر همکاری‌های اقتصادی، همکاری‌های فرهنگی، آموزشی، ورزشی، بهداشتی، انرژی، و جز این‌ها، را نیز سازمان می‌دهد. در کنار “آلبا”، سازمان‌های دیگری نیز در حال شکل‌گیری و قوام یافتن ساختاری و برنامه‌ای‌اند که آخرین آن‌ها “سازمان همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی” با نام مخفف “اوناسور” است، که سران ۱۲ کشور آمریکای لاتین در روز ۲۳ ماه مه ۲۰۱۲ در برازیلیا، پایتخت برزیل، موافقت‌نامه پایه‌گذاری آن را به امضا رساندند. کشورهای تشکیل دهنده این سازمان همکاری، به‌طورمتفق و در قطعنامه پایانی این اجلاس، ریشه‌کن کردن فقر، همکاری‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی، و اجتماعی، را هدف‌های اصلی خود اعلام کردند.

این گونه اجلاس‌ها و گردهم‌آیی‌ها با هدف‌های آمریکا به‌منظور به کنترل در آوردن منطقه در رویارویی است، و این آن امری است که سبب افزایش دخالت‌ها و تهدیدهای ایالات متحده بر ضد کشورهای منطقه شده است. کودتای نظامی ۲۸ ژوئن ۲۰۰۹ در هندوراس، که به برکناری مانوئل زلایا، رئیس جمهوری مترقی و چپ‌گرای کشور منجر شد، و همچنین کودتای پارلمانی بر ضد فرناندو لگوگو، رئیس جمهوری مترقی پاراگوئه، در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲، را در زمره چنین کوشش‌هایی از سوی ایالات متحده و نهادهای امپریالیستی جهان برای واژگون کردن روند تحول‌ها در این کشورها باید دانست. شیوه تدارک این کودتاها از سوی نظامیان و نیروهای راست، و از راه به‌کارگیری دادگاه قانون اساسی در هندوراس و استیضاح ریاست جمهوری پاراگوئه در پارلمان، به دلیل حمایت او از جنبش مردم محروم، بسیار آموزنده‌اند. دولت کنونی ایالات متحده سعی دارد سیاست خارجی خود در آمریکای لاتین را به‌وسیله عامل‌های بومی و زیر پوشش توجیه‌های عوام‌فریبانه به پیش برد.

## ۵. کمونیست‌ها، و مبارزه در مسیر صلح و ترقی

در سال‌های اخیر تلاش نیروهای ترقی‌خواه جهان و به ویژه حزب‌های کمونیست – کارگری متوجه برقراری پیوندهای محکم و رشد یابنده بین مبارزه مردم برای آزادی ملی و اجتماعی در کشورهای مختلف جهان و مبارزه طبقه کارگر و همه زحمتکشان و دیگر طبقه‌ها و قشرهای ضد سرمایه‌داری انحصاری، و از این طریق مقاومت در برابر سلطه امپریالیسم بوده است. آن‌چه در این سال‌ها، و به‌ویژه در جریان مقاومت مردمی در رویارویی با تلاش سرمایه‌داری برای انتقال بار بحران اقتصادی به دوش زحمتکشان، شکل گرفته است نشانگر پیوستن طیف گونه‌گونی از قشرهای مردمی با تجربه‌ها و سنت‌های مبارزاتی متفاوت به این جنبش است. صف‌های پرشمار و شعارهای رادیکال جنبش ضد جهانی شدن، جنبش‌های ضد جنگ در کشورهای امپریالیستی، و جنبش “اشغال” مرکزی مالی امپریالیستی، و “خشم مردمی” در پایتخت‌های جهان، نمایشگر این واقعیت است که جبهه ضد امپریالیستی گسترده‌تر و متنوع‌تر شده است.

در چنین شرایطی ضرورت مبارزه آگاهانه برای وحدت بین یکایک سازمان‌های گوناگون این جنبش متنوع به لحاظ سیاسی و اجتماعی ضرورت بیش از پیش یافته است. تجدید فعالیت پر ثمر و برنامه‌ریزی شده سازمان‌های بین‌المللی‌ای مانند: “شورای جهانی صلح”، “فدراسیون جهانی دموکراتیک زنان”، “فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری”، و “فدراسیون جهانی جوانان دموکرات”، توانسته است به طرز موثر در روند تعریف آن دسته از روش‌ها و شیوه‌های کار که به هم‌گرایی در عمل و ارائه موثرترین شیوه‌های مبارزه در سطح جهان و تقویت آن‌ها کمک می‌کند، سهم داشته باشند.

به برکت حضور و فعالیت موثر حزب‌های کمونیست و کارگری و چپ، مبارزه برای صلح و بر ضد نظامی‌گری و جنگ، و همچنین همبستگی با خلق‌هایی که مورد تجاوز و تعدی‌های مداخله‌گرایانه امپریالیسم قرار گرفته‌اند، از اساسی‌ترین فعالیت‌های این سازمان‌های بین‌المللی بوده است. در سال‌های اخیر شعارها و پلاتفورم‌های مبارزاتی این ساختارهای بین‌المللی بیش از پیش به افشای دخالت‌ها و استفاده از زور توسط کشورهای امپریالیستی در روابط بین‌المللی، مبارزه در برابر گسترش ناتو و منحل کردن ناتو و دیگر بلوک‌های سیاسی و نظامی، و به ویژه در مخالفت با گرایش‌های نظامی‌گرایانه در اتحادیه اروپا، در حمایت از خلق سلاح و منهدم کردن همه سلاح‌های کشتار جمعی، مخالفت با نصب، استقرار، و راه‌اندازی

## ادامه گزارش کمیته مرکزی ...

سیستم‌های ضد موشکی، و همچنین رشد سیاست‌های نظامی گرایانه در فضا، در رابطه با دموکراتیزه کردن سازمان ملل متحد و تضمین عملکرد آن بر طبق منشور آن و قانون بین‌المللی، متوجه بوده است. حزب توده ایران به سهم خود از فعالیت‌های این ساختارهای بین‌المللی پی‌گیرانه حمایت کرده است. شرکت پررنگ نمایندگان و سازمان‌های حزبی در تظاهرات، گردهمایی‌ها، فستیوال‌ها، کنفرانس‌ها و سمینارها در منطقه‌های مختلف جهان در این رابطه توجه‌برانگیز بوده است.

مشخصه دوره کنونی مبارزه بالقوه مترقی و انقلابی نیروها در سطح جهان را هنوز مقاومت، کسب و جمع‌آوری قدرت، و سعی به تدارک شرایطی که بتواند در آن ابتکار عمل را به دست گرفت، باید دانست. مسئولیت حزب‌های کمونیست و جنبش جهانی نیروهای کمونیست و انقلابی در قبال این مبارزه عظیم، سترگ و همه‌جانبه است. آن‌ها همراه و همزمان با دفاع سرسخت از منافع کارگران و زحمتکشان، در جستجو و تلاش برای شناسایی عامل‌های وحدت بخش برای اتحاد بین طبقه کارگر و دیگر نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی که می‌توانند در تشکیل جبهه‌ی ضد امپریالیستی سهم داشته باشند، به طور آگاهانه و هدفمند عمل می‌کنند. حزب‌های کمونیست در دوره کنونی مبارزه خود، به موازات بسیج تمامی امکان‌های خود برای دستیابی به موفقیت در راستای خواست‌های گونه‌گون مردم زحمتکش، پی‌گیرانه مسئله ضرورت شکل‌گیری جایگزینی از برای سرمایه‌داری را در دستور کار تبلیغاتی خود قرار می‌دهند. بیش از دو دهه پس از اعلام "پایان تاریخ" و مبارزه طبقاتی، از سوی تحلیلگران و کارشناسان سرمایه‌داری تبلیغ می‌شود، اکنون با آشکار بودن این امر که نظام سرمایه‌داری در پاسخ به مشکل‌ها و خواست‌های کارگران ناتوان است، گرایش به مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی، و طرفداری از سوسیالیسم در اکثر کشورهای سرمایه‌داری رشد چشمگیری داشته است.

در دوره بین دو کنگره حزب توده ایران، همچنان شاهد رشد کمی و کیفی مبارزه حزب‌های کمونیست و کارگری جهان بوده‌ایم. دو دهه پس از شکست دردناک رژیم‌های سوسیالیستی در اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی، گرچه هنوز هم اثرها و پیامدهای نظری و عملی آن بر حیات و مبارزه حزب‌های کمونیست- کارگری سنگینی می‌کند، به‌جزئی می‌توان مدعی شد که، حزب‌های کمونیست توانسته‌اند بر روند مبارزه خلق‌ها برای تغییر در نظام سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی موجود جهان اثر بگذارند. ادامه مبارزه بغرنج حزب‌های کمونیست در شماری از کشورها و از جمله کوبا، ویتنام، و چین، در مسیر ساختمان جامعه‌ی سوسیالیستی، پیروزی‌های پررنگ حزب‌های کمونیست در آفریقای جنوبی، قبرس، هندوستان، برزیل، و شیلی، و نتیجه‌های امیدوارکننده برآمده از فعالیت‌های نیروهای چپ، سوسیالیست، و کمونیست در شماری از کشورها در به‌چالش کشیدن نیروهای راست و محافظه‌کار، بازتابی است از نیرومندی این خوش بینی تاریخی، و نویدبخش آنکه جنبش صلح و سوسیالیسم در جهان پیروز خواهد شد.

تشکیل جلسه‌های سالانه حزب‌های برادر که از پایان دهه ۱۹۹۰ میلادی هر ساله در یکی از منطقه‌های جهان و با برنامه ریزی و شرکت فعال حزب‌های کمونیست- کارگری نزدیک به ۸۰ کشور جهان برگزار می‌شود، خود نشانه‌ی مهم بر این امر است. این جلسه‌ها با فراهم آوردن امکان تبادل نظرهای جدی و بحث و بازیک‌اندیشی در رابطه با برخی از مهم‌ترین مسئله‌ها از دیدگاه جنبش جهانی کارگری، ارائه تحلیل‌های علمی در رابطه با اوضاع مشخص جهان امروز، و سعی در برقرار کردن نوعی هماهنگی در رابطه با کارزارهای مبارزاتی در مسیر صلح، همبستگی جهانی، و مقاومت در برابر هجوم نیروهای جنگ طلب، کودتاچی، و سرکوبگر، سهم به‌سزایی در قوام گرفتن جنبش کمونیستی در جهان داشته است. هیئت نمایندگی حزب توده ایران به‌طور فعال در این نشست‌ها شرکت داشته است، و در تبادل نظری پویا سعی به آشنا ساختن حزب‌های برادر با تحلیل علمی و واقع‌بینانه از شرایط ایران و موضع‌گیری‌های سیاسی حزب‌مان کرده است. به برکت فعالیت

مداوم و برنامه‌ریزی شده حزب‌مان در جلسه‌ها، جشنواره‌ها، و گفت و گوهایی چندجانبه با حزب‌های کمونیست و چپ جهان، موقعیت برجسته حزب در خانواده حزب‌های کمونیست جهان حفظ شده است. حمایت فعال و پی‌گیر نزدیک به صد حزب کمونیست- کارگری جهان از ابتکارهای گوناگون حزب توده ایران در زمینه تلاش برای جلب حمایت بین‌المللی از جنبش مردمی در میهن‌مان بازتاب بخشی از این موقعیت چشمگیر است.

## مبارزه در راه صلح جهانی

بر پایه جمع‌بندی تحول‌های اشاره شده در بالا، حزب توده ایران بر این باور است که، جهان از مرحله حساس و بغرنجی می‌گذرد که: ادامه بحران سرمایه‌داری، نظامی‌گری و وسعت امپریالیسم، ادامه مبارزه خلق‌ها، و دورنمای پیروزی ترقی‌خواهی و سوسیالیسم در جهان، از مشخصه‌های اصلی آن است. اگر تا چندی پیش ابرهای تیره برآمده از فروری سوسیالیسم در شوروی و اروپای شرقی افق مبارزه خلق‌ها را مه‌آلود و سیاه کرده بود، اکنون با فاش شدن ماهیت تجاوزکارانه، استثمارگرانه، و ضد مردمی سرمایه‌داری، مبارزه برای تغییر، رشد، و ترقی، بیش از پیش در دستور کار کوشش خلق‌ها در سراسر جهان قرار گرفته است.

با توجه به چنین ارزیابی‌ای از موازنه نیروها در سطح جهان و تحول‌های بین‌المللی است که حزب توده ایران مبارزه در راه صلح را یکی از محورهای اصلی مبارزه زحمتکشان در ایران، منطقه، و جهان قلمداد می‌کند. این به‌ویژه در شرایط کنونی جهان که خطر گسترش بحران مالی و رکود اقتصادی همه‌جانبه بسیار جدی است، موضوعیت پیدا می‌کند. تجربه‌های بسیار و پرارزش نشان داده‌اند که، در هر برهه زمانی که بحران سرمایه‌داری جدی شده است، جنگ و نظامی‌گری در حکم یکی از راه‌های اصلی برون‌رفت از بحران مطرح شده و مورد استفاده قرار گرفته است. در مبارزه برای صلح جهانی هم چنین می‌بایست که از تقویت و دموکراتیزه کردن سازمان ملل دفاع کرد. نیروهای ترقی‌خواه جهان نمی‌بایست این عرصه با اهمیت مبارزه برای صلح و برضد تهدیدهایی که جناح‌هایی قدرتمند در دولت آمریکا مدت‌هاست متوجه آن ساخته‌اند، از نظر دور بدارند.

نیروهای واپس‌گرا و وابسته به امپریالیسم با صراحت اعلام می‌کنند که، ما به شورای امنیتی که در آن چین و روسیه دارای حق "تو" اند، نیازی نداریم! اما در گوش سنگین جنگ‌افروزان جهان باید فریاد کرد که، سازمان ملل و "منشور" آن تنها واژه‌هایی بر کاغذ و یا مجموعه مقررات و مصوبه‌هایی بی محتوا نیستند، بلکه چکیده آرمان‌ها و آرزوهای میلیاردها انسان‌هایی‌اند که به تکرار مصائب کشتار و ویرانی، و موج‌های هیولوار آتش و خونی که در دو جنگ جهانی گذشته سرمایه‌داری برای حفظ منافع آزمندان‌اش برانگیخت، نفرتی بی‌پایان دارند.

مبارزه انسان‌ها برای دست یافتن به صلح، از میان برداشتن فقر و گرسنگی، بیماری و بی‌عدالتی، و ساختن جهانی شایسته زیست زندگی‌ای همساز با شأن آدمی برای همگان، جز با مشارکت توده‌ها امکان پذیر نیست. کشاندن توده‌ها در سراسر جهان به صحنه چنین مبارزه‌ی، به کارزاری توضیحی، افشاگرانه، و روشنگرانه پیرامون خواست‌های زیر نیازمند است، و بدین سان می‌تواند سازمان دهی شود:

۱. تحریم و نابودی انواع سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی، و در گام نخست، واداشتن همه صاحبان چنین سلاح‌هایی به اعلام صریح اینکه، هیچ یک از آن‌ها در به کار بردن سلاح هسته‌ای پیش‌قدم نخواهند شد؛
۲. کاستن مؤثر از بودجه‌های نظامی، و اختصاص دادن مبلغ حاصل از این صرفه‌جویی به کوشش در جهت مبارزه با فقر و گرسنگی؛
۳. برچیدن همه پایگاه‌های نظامی در خارج از مرزهای ملی، و خارج کردن تجهیزات نظامی از آب‌های بین‌المللی؛
۴. اعاده و ارتقا باز گرداندن اعتبار سازمان ملل و بالا بردن جایگاه آن به هدف آنکه در اجرای وظیفه‌های خود توانائی لازم را داشته باشد؛
۵. تحریم و تقبیح همه‌جانبه کشورهای که با این خواست‌های همگانی و انسانی مخالفت می‌کنند، و شرم‌آور دانستن کنش‌های آن‌ها از سوی شهروندان جهان.

**سی سال از یورش وحشیانه رژیم ولایت فقیه برای نابودی حزب توده ایران می‌گذرد!**

## پیروزی بزرگ حزب ما در رویارویی با توطئه‌های سهمناک ارتجاع

به صحنه‌ای از جنگ داخلی و برادرکشی مبدل گشته است... (به نقل از کتاب: اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران از شهریور ۱۳۵۷ تا پایان اسفندماه ۱۳۵۸، صفحه‌های ۱۷۸ و ۱۸۸).

متأسفانه این هشدارها در زمینه شدت یافتن حمله‌های ارتجاع، در مقابل برخی خوشبینی‌های بیش از حد رهبری وقت حزب نسبت به خمینی، سبب شد که حزب ما به‌موقع خود تغییرهای لازم را در شکل سازمان‌دهی و چگونگی انجام فعالیت‌های سیاسی خود انجام ندهد.

### هدف‌های یورش رژیم ولایت فقیه به حزب

یورش سراسری رژیم، به دستور مستقیم خمینی و دیگر سران رژیم، و همکاری دستگاه‌های امنیتی و جاسوسی غرب، پاکستان، ترکیه و اسرائیل، به‌هدف نابودی و ریشه کنی حزب توده ایران و همچنین نابودی اندیشه‌های اصیل چپ در جامعه ما، که ارتجاع آن را مخالف جدی و خطرناک خود می‌دانست، صورت گرفت.

دستگیری هزاران توده‌ای، که ریشه‌ری، دادستان وقت بیدادگاه انقلاب رژیم، شمار آنان را تا ده‌هزار نفر تخمین زد، و در پی آن شوهای تلویزیونی اعلام "انحلال حزب توده ایران" از سوی کسانی که تسلیم فشارهای مزدوران رژیم شده بودند و سپس صادر کردن فرمان "معرفی" توده‌های ما به ارگان‌های امنیتی از سوی این کسان، ضربه‌های سختی به اعتبار سیاسی و توان تشکیلاتی حزب توده ایران وارد آورد. بعدها این ضربه‌ها، و دشواری‌های سیاسی و تشکیلاتی برآمده از آن‌ها، نه تنها در تاریخ حزب ما، بلکه در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهان کم‌نظیر است. هدف رژیم از برپایی شوهای تلویزیونی، ساختن و پرداختن نمایشی بود که نابودی تشکیلاتی حزب، و در کنار آن، سیاه‌نمایی چهره آرمانی و مردمی حزب طبقه کارگر را اعلام کند.

بازنگری نوشته‌ها و موضع‌گیری‌های سران رژیم در آن روزها گواه این حقیقت روشن است که، درهم کوبیدن تشکیلات حزب توده ایران و مختل کردن فعالیت‌های سیاسی و افشاگرانه آن، به‌خصوص بر ضد جنگ خانمان‌سوز ایران و عراق، و شعار ضد ملی "جنگ، جنگ تا پیروزی"، برای مرتجعان حاکم از پیروزی در جبهه‌های جنگ مهم‌تر بود. خمینی برای این "پیروزی" از "سربازان گمنام امام زمان" - که کسانی جز مزدوران سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، و عامل‌های "سیا"، "موساد"، و "اینتلجنس سرویس" نبودند - قدردانی کرد.

برای رژیم ارتجاعی، همچون سلف شاهنشاهی‌اش، تنها دستگیری هزاران توده‌ای کافی نبود، و باید اعتبار و نفوذ گسترده معنوی حزب توده ایران را در جامعه نابود می‌کرد. برای کسانی که حزب ما را به "بزرگ بینی" متهم می‌کنند و معتقدند که حزب توده ایران در جامعه آن روز ایران تأثیری نداشت و حریف جدی و خطرناکی برای ارتجاع حاکم محسوب نمی‌شد، توجه به برخی اظهار نظرهای سران رژیم در آن روزهای دشوار یورش رژیم به حزب ما، روشنگر هراس عمیق ارتجاع از "خطر حزب توده" و توده‌ایهاست.

خمینی، در "پیام مهمی" که در روزنامه‌های آن روز ایران به چاپ رسید، حمله به حزب و دستگیری شماری از سران حزب را پیروزی دانست (به نقل از: روزنامه "جمهوری اسلامی"، ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، شماره ۱۱۳۸). در همان دوران روزنامه‌های مجاز کشور پر بودند از شمار زیادی تلگرام‌های تبریک و تأیید به‌مناسبت حمله به حزب، و تمامی نمازهای جمعه کشور، در مقطع اعلام "انحلال حزب توده ایران"، یعنی اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، به تشریح "حیانت‌های حزب" و تحلیل خطرهای ناشی از آن‌ها اختصاص داشت (از جمله نگاه کنید به: سخنرانی مهدوی کنی، در نماز جمعه تهران، جمعه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲؛ و نیز سخنرانی جنتی، در نماز جمعه قم، ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، که مدعی شد: "دستگیری و اعترافات صریح سران حزب توده فتح مبین بود که نصیب ملت ما شد") [به نقل از: روزنامه "جمهوری اسلامی"، ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، شماره ۱۱۳۹].

ادامه در صفحه ۱۶

با فرا رسیدن بهمن ماه ۱۳۹۱، سی سال از یورش مزدوران رژیم ولایت فقیه بر ضد حزب توده ایران گذشت. سند پیش رو ارزیابی اولیه و راه‌گشایی‌ست از علت‌های یورش سنگین دستگاه‌های امنیتی رژیم ولایت فقیه و هدف‌های آن، و نیز پیامدها و درس‌های این یورش برای حزب ما که به‌منظور بررسی و دقت کردن در آن، در اختیار نمایندگان ششمین کنگره حزب قرار می‌گیرد.

### هشدارها درباره آمادگی در برابر خطر دستبردهای ارتجاعی، و زمینه‌های یورش دستگاه‌های امنیتی رژیم به حزب

شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران که در اسفندماه ۱۳۵۷ برگزار شد، ضمن بررسی کردن رویدادهای آن روز کشور، به این نتیجه‌گیری مهم رسید که: "نکته دیگری که باید مورد توجه رهبری و همه سازمان‌های حزب قرار گیرد، عبارتست از این که لاقلاً برای یک دوران نسبتاً طولانی تثبیت نظام دموکراتیک در ایران، حزب باید همیشه آمادگی داشته باشد که غافلگیر نشود، تا هنگامی که نظام دموکراتیک در ایران مستقر نشده و بازگشت ناپذیر نگردیده است، همیشه خطر دستبردهای ارتجاعی وجود دارد. لذا حزب باید همیشه آماده باشد که به فعالیت سیاسی و انقلابی خود در هرگونه شرایط نامساعد ادامه دهد..." (به نقل از کتاب: اسناد و دیدگاه‌ها، صفحه ۹۶۴).

این واقعیت که نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم دشمنی‌ای آشتی‌ناپذیر با حزب توده ایران دارند و از هر فرصتی برای ضربه زدن و نابودی آن بهره خواهند جست، از جمله نکته‌های کلیدی‌ای بود که حزب ما و رهبری آن از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب بدان توجه قرار داشتند. استقبال گسترده توده‌ها و نسل جوان از حزب و اندیشه‌های دوران‌ساز آن و پیوستن ده‌ها هزار تن به صف‌های حزب - حزبی که رژیم شاهنشاهی و اربابان امپریالیستی آن نابودی‌اش را ادعا و اعلام کرده بودند - از دیدرس ارتجاع جان بدر برده از ضربه‌های انقلاب و نیروهای امپریالیستی نمی‌توانست پنهان بماند، و بنابراین، از همان نخستین ماه‌های پس از انقلاب و در پی مشاهده کردن تأثیر معنوی گسترده و روشنگری‌های حزب ما بر صحنه مبارزه سیاسی کشور، برنامه نابودی حزب توده ایران و جلوگیری از رشد معنوی و سازمانی آن در دستور کار نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب قرار گرفت. طیف ناهمگون نیروهایی که رهبری انقلاب را به دست گرفتند، از خرده بورژوازی سنتی ایران، تا سرمایه داری بزرگ و نمایندگان سیاسی‌شان، هیچ‌یک نظر مثبتی در زمینه مشارکت طبقه کارگر و زحمتکشان در رهبری انقلاب و نظام سیاسی جدیدی که در حال شکل‌گیری بود نداشتند، و از همان آغاز کار، با چنین روندی به مخالفت جدی پرداختند. ادعای خمینی در زمینه "آزاد بودن کمونیست‌ها" برای فعالیت سیاسی، خیلی زود جای خود را به آزادی‌هایی بسیار محدود و اجازه فعالیتی به‌شدت زیر نظارت رژیم داد، آن هم با تن در دادن به پذیرش اصل "ولایت فقیه" که در قانون اساسی جمهوری اسلامی گنجانده شده بود و همه آن ماده‌های مترقی‌ای را که در این قانون بود در عمل تحت الشعاع این اصل عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی قرار می‌داد.

حزب ما یک سال پس از پیروزی انقلاب، در اعلامیه‌ی که روز ۶ شهریورماه ۱۳۵۸ باعنوان: "به مناسبت حوادث اخیر کشور" منتشر کرد، ضمن ابراز نگرانی شدید درباره روند رو به افزایش سرکوب نیروهای انقلابی، از جمله نوشت: "با کمال تأسف، شاهد آن هستیم که در هفته‌های اخیر چرخشی در اوضاع سیاسی درون کشور پدیدار شد و با این چرخش ضربه دردناک و هراس‌انگیزی به امر اتحاد و یگانگی نیروهای ملی و آزادی خواه وارد آمد... ما در نامه سرگشاده نامبرده [اشاره به نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب مورخ ۳ مرداد ماه ۱۳۵۸ است] یاد آور شدیم که ضد انقلاب تمام تلاش‌های جنایت‌بار خود را از یکسو زیر پوششی از عوام‌فریبی مذهبی و از سوی دیگر زیر ماسک چپ‌نمایی و سوء استفاده از مسئله حقوق ملی خلق‌ها در ایران متمرکز ساخته و با برنامه دقیقی می‌کوشد نیروهای ضد امپریالیستی را از این دو سمت به جان هم اندازد... به هر تقدیر ما امروز در مقابل این واقعیت هستیم که از یک سو حمله وسیعی از طرف نیروهای انحصارطلب راست برای سرکوب آزادی و در درجه اول آزادی نیروهای راستین انقلابی چپ و حتی بخشی از نیروهای انقلابی که زیر پرچم اسلام مبارزه می‌کنند، آغاز شده و از سوی دیگر کردستان

## ادامه سندی سال از یورش ...

یورش تبلیغاتی گسترده رژیم بر ضد حزب توده ایران، از طریق پوشش رسانه‌ای شوه‌های تلویزیونی قربانیان شکنجه، و شرکت چند تن از اعضای رهبری وقت حزب در جریان دادگاه افسران توده ای، در کنار دادستان بیدگاه‌های انقلاب، و همچنین فعالیت‌های وسیع و چندگانه ارگان‌های امنیتی رژیم برای پراکندن جو بی‌اعتمادی، سوءظن، و جلوگیری از ادامه فعالیت‌های حزب توده ایران، در داخل و خارج از کشور، بخشی از هدف‌های استراتژیک رژیم برای فلج کردن باقی مانده حزب ما و کشاندن آن به سمت چندپارگی، و در عین حال، متزلزل کردن پایه‌های اعتقادی و بی‌اعتبار کردن تاریخ مبارزه‌های حزب توده ایران، در مقام قدیمی ترین سازمان سیاسی و انقلابی میهن ما بود.

از سرگیری فعالیت حزب توده ایران پس از وقفه‌ی کوتاه، که موسوی اردبیلی، رئیس وقت قوه قضائیه کشور، با اذعان به ریشه‌های عمیق حزب ما در جامعه ایران، به آن اعتراف کرد، و سپس برگزاری "پلنوم ۷۸" کمیته مرکزی حزب توده ایران، در آذر ماه ۱۳۶۲، انتخاب کمیته مرکزی و هیئت سیاسی جدید حزب، نشانگر شکست اقدام رژیم استبدادی برای ریشه کنی حزب ما بود.

مهاجرت هزاران توده‌ای به قصد خارج شدن از زیر ضربه ارگان‌های امنیتی رژیم که دسته‌هایی به منظور "شکار توده‌ای"ها را در گوشه و کنار کشور به راه انداخته بودند، و همچنین تلاش رژیم برای استفاده از پدیده مهاجرت (با اعزام مأموران امنیتی و یا به وسیله تسلیم شدگان به دستگاه‌های امنیتی رژیم) برای رخنه در صف‌های حزب و ضربه زدن به کار دشوار بازسازی حزب، از جمله دیگر معضله‌های جدی‌ای بود که حزب ما با آن روبه‌رو می‌گردید.

دوران سی ساله اخیر فعالیت حزب توده ایران، افزون بر ضربه‌های پی در پی تشکیلاتی و تبلیغاتی از سوی دستگاه‌های گونه‌گون سرکوب رژیم ولایت فقیه، با واقعه فروری اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و سرریز آوار "شکست سوسیالیسم واقعا موجود" و شیوع تئوری "پایان تاریخ" نیز روبه‌رو بوده است. سرریز این آوار سنگین، اثرهایی ویرانگر بر روند درهم شکستن صف‌های متحد بسیاری از حزب‌های نیرومند کارگری و کمونیستی جهان بر جای گذاشت، و شماری از این حزب‌ها را به سرحد منحل شدن کشانید. در چنین شرایطی بود که کمیته مرکزی منتخب حزب توده ایران، برای حفظ وحدت سیاسی و تشکیلاتی و نیفتادن به دام "راست روی" و "چپ روی" تلاشی گسترده را به کار گرفت. به‌رغم همه اعلامیه پراکنی‌ها، و فراخوان دادن‌های کسانی که در صف‌های حزب پرچم مخالفت را زیر شعارهای: "نواندیشی"، "دگرگون‌سازی"، "به راه آرانی رفتن"، خط کشی با "سیاست‌های فاجعه‌بار [حزب] پس از انقلاب"، و "وابسته و منحرف" دانستن [حزب]، برافراشته بودند، رهبری حزب، با تکیه کردن به پایبندی اکثریت رفقای حزبی در داخل و خارج از کشور، همچنان از فرو افتادن پرچم خونین مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما به دست آن کسان توانست مانع شود، و بر خلاف همه پیش‌بینی‌های مخالفان حزب مبنی بر نابودی کامل حزب در اندک زمان، و امیدهای آنان به چنین رویدادی، حزب توانست پس از یورش رژیم و پس از فروری اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی، دگرباره به پا خیزد، و تأثیرگذار بر حوادث کشور، به مبارزه خود ادامه دهد. با نگاهی به تاریخ بیش از هفت دهه مبارزه حزب توده ایران، روندهایی مشابه با یورش ارتجاع به‌منظور ضربه زدن و نابودی حزب ما را شاهد بوده‌ایم و هم‌اکنون نیز شاهدیم. نقطه‌های مشترک در این روندهای توده‌ای‌ستیزانه را در تلاش برای مخدوش دانستن و وابسته معرفی کردن سیاست‌های حزب، بی‌صلاحیت نشان دادن نهادهای مرکزی حزب، بی‌اعتبار کردن تاریخ مبارزه‌های حزب توده ایران، و سرانجام زیر ضربه بردن سیاست‌های مبارزاتی روز حزب، می‌توان خلاصه کرد.

انشعاب‌ها و چنددستگی‌ها در صف‌های مبارزان راه آزادی و انقلابی‌ها، ویژه تاریخ میهن ما و حزب توده ایران نبوده و نیست. لنین در تشریح گسست رفیقان نیمه راه در دوران‌های مشکل مبارزه، می‌نویسد: "سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۱۰ ارتجاع تزاریسم پیروز شد. همه احزاب انقلابی و اپوزیسیون درهم شکسته شدند. انحطاط، فساد اخلاقی، تفرقه و ارتداد و هرزه نگاری جایگزین سیاست گردید. کشش به سوی ایده آلیسم فلسفی شدت یافت ... ولی در عین حال همین شکست بزرگ به احزاب انقلابی درس حقیقی و سودمندترین درس، یعنی درس دیالکتیک تاریخی، درس استنباط و توانایی و فن مبارزه سیاسی را یاد داد. دوستان در روزهای بدبختی شناخته می‌شوند و ارتش‌های شکست خورده خوب درس می‌گیرند..." (به نقل از: "بیماری کودکی چپ‌روی در کمونیسم، منتخب آثار، صفحه ۷۳۷).

برگزاری "سومین کنگره" حزب توده ایران، در بهمن ماه ۱۳۷۰، یعنی پس از گذشت نزدیک به ۴۲ سال از "کنگره دوم" حزب، و در اوج تبلیغات همه‌جانبه

رسانه‌های امپریالیستی درباره شکست تاریخی سوسیالیسم، هم صدایی وازدگان وطنی با این تبلیغات، و تصویب "برنامه" و "اساسنامه" حزب با حراست از ماهیت طبقاتی و جهان‌بینی مارکسیستی-لنینیستی حزب توده ایران و پایبندی دلیرانه نسبت به آن‌ها در آن دوران دشوار تاریخی، دستاورد با اهمیتی است که همه توده‌ای‌ها به‌حق با غرور و سربلندی به آن می‌نگرند.

بدیهی است که این موفقیت‌های حزب ما نمی‌توانست با بی‌اعتنایی ارگان‌های سرکوب و رهبران رژیم ولایت فقیه که برای نابودی حزب توده ایران امکان‌های گسترده‌ی را به میدان آورده بودند، روبه‌رو گردد. تاریک‌اندیشان حاکم، با درک خطر جدی‌ای که از به‌سبب ادامه یافتن فعالیت‌های منسجم حزب و مقبولیت سیاست‌های درست و علمی آن می‌توانست منافع آنان را تهدید کند، دور تازه‌ای از کارزار تبلیغاتی را به‌منظور فلج کردن، و در نهایت، نابودی حزب توده ایران آغاز کردند.

این بار نیز یورش دستگاه‌های امنیتی رژیم ولایت فقیه بر ضد حزب توده ایران دارای همان ویژگی‌هایی بود که در بالا به آن‌ها اشاره شد. رژیم خوب می‌دانست که اگر بتواند نهادهای مرکزی و سیاست‌های حزب توده ایران را بی‌اعتبار سازد، آن گاه خواهد توانست نه تنها به وحدت صف‌های حزب توده ایران لطمه بزند، بلکه می‌تواند روند حزب سازی و "رهبر تراشی" را هم با امکان‌های جدیدی دنبال کند.

انتشار مجدد نشریه ضد توده‌ای "راه توده"، با هدایت بخشی از ارگان‌های امنیتی رژیم، و با تأیید و پشتیبانی نویسنده مقاله "برای پیش‌برد انقلاب مبارزه کنیم!" [با نام مستعار "ا.ک."، که نشریه "راه توده" نه تنها در پنهان نگاه داشتن هویت اصلی نویسنده آن تلاشی نکرد، بلکه به نحوه‌هایی مختلف و چشمگیر، از آن نیرو و مشروعیت کسب می‌کرد، اقدامی بود که هدف از آن وارد آوردن ضربه‌هایی سخت بر بقایای بدنه جان سالم بدر برده از سرکوب‌های مهلک رژیم صورت می‌پذیرفت.

هدف ارسال نامه "ا.ک."، از درون خانه‌های امن وزارت اطلاعات برای دست اندرکاران "راه توده"، در عین حال، انتشار مانیفستی نظری-تشکیلاتی بر ضد حزب توده ایران، رهبری آن، و سیاست‌های جاری اش را دنبال می‌کرد. محتوای این نامه همچون تمامی حمله‌های پیشین دشمنان حزب ما، در چند اصل اساسی خلاصه می‌شد:

۱. مبارزه با سیاست‌های حزب ما، یا به‌عبارتی روشن‌تر، نفی و بی‌اعتبار کردن سیاست "طرد رژیم ولایت فقیه در حکم حلقه اصلی در زنجیره مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم. نامه "ا.ک."، "توده‌ای‌ها را به جدایی از سیاست "خانمان برانداز طرد ولایت فقیه و دفاع از انقلاب" فرا می‌خواند (نگاه کنید به: نشریه ضد توده‌ای "راه توده"، شماره ۲۴، صفحه ۱۲)؛

۲. زیر سؤال بردن سیاست مبارزاتی حزب، به منظور حمایت از رژیم جمهوری اسلامی زیر پوشش "نبرد که برکه" [دفاع از هاشمی رفسنجانی در مقام جناح چپ رژیم، و تأکید بر این وظیفه که: "نه تنها خود باید از این جناح دفاع کنیم، بلکه باید تمام قدرت خود را به کار گیریم، تا سایر نیروهای انقلابی را نیز، اگر تردیدی دارند متقاعد کنیم، که به حمایت از آن‌ها بر خیزند"] (همانجا)؛

۳. تشویق توده‌ای‌ها به صف شکنی و انشعاب از حزب با این شعار که "تاریخ فردا هیچکس را مواخذه نخواهد کرد" (همانجا). توجه به این نکته هم قابل اهمیت است که، در همان دوران که حزب ما برای افشای این توطئه سهمگین از سوی دستگاه‌های امنیتی رژیم تمام تلاش خود را متمرکز کرده بود، وابستگی به رژیم جنگ تمام عیار روانی-تبلیغاتی‌ای را بر ضد نهادهای مرکزی حزب ما آغاز کرده بودند، که محتوای آن این روزها نیز در صفحه‌های نشریه ضد توده‌ای "راه توده" تکرار می‌شود. محتوای این کارزار حساب شده و تنظیم گردیده در مرکزهای امنیتی رژیم، عبارت بودند از:

۱. رهبری کنونی حزب، با کپانوری و رهبری سابق مخالف است، و مقابله با این "سند" نامه "ا.ک." [تنها تسویه حساب شخصی است؛

۲. سیاست رهبری کنونی حزب در رویارویی با جمهوری اسلامی، عدول از سیاست‌های گذشته حزب و مصوبه‌های پلنوم هفدهم است، و نیز ابراز این نظر که: "اگر حتی از روی جسد ما رد شوند ما هنوز خط امامی هستیم؛

۳. سیاست رهبری کنونی حزب، نفی کننده مبارزه "که بر که" در ایران است، و به جای حمایت از "جناح چپ جمهوری اسلامی" (از دیدگاه نامه



## ادامه سندی سال از یورش ...

ا.ک "و به نقل از آن) به مبارزه با آن برخاسته است. مجموعه‌یی از سندها، و از جمله اذعان سردبیر وقت "راه توده" در زمینه دریافت این "سند" از سوی وزارت اطلاعات رژیم، در سال‌های اخیر، جای هیچ شک و شبهه‌یی در زمینه عملکرد این نشریه و هدف‌های وزارت اطلاعات رژیم باقی نمی‌گذارد.

فرهاد عاصمی، سردبیر وقت "راه توده"، در این زمینه می‌نویسد: "بعد از دریافت ارزیابی زنده یاد کیانوری از شرایط سال ۱۳۷۳ ایران و ادامه ارسال مقالاتی دیگر از طرف او، یک مقاله نیز به راه توده رسید ... مقاله با صغرا و کبراها می‌کوشید به اصطلاح ثابت کند که وظیفه حزب توده ایران دفاع از جمهوری اسلامی می‌باشد... مقاله که با سبک و نگارش دیگری از آنچه که نگارش کیانوری بود، نگاشته شده بود، در راه توده منتشر نشد. علت در نامه‌ای به ارسال کننده اطلاع داده شد و گفته شد که حزب توده ایران از آماج‌های ملی-دموکراتیک انقلاب بهمن مردم میهن ما و نه از جمهوری اسلامی تحت سلطه نیروهای ارتجاعی دفاع می‌کند. در پاسخ به این نامه، زنده یاد نورالدین کیانوری [نامه‌یی] به این مضمون نوشت که: در اینجا چنین نظرهایی وجود دارد. این نامه باید در ارشبو دزدیده شده وجود داشته باشد. بدین ترتیب، کیانوری ضمن تأیید نظر ما در ارتباط با دفاع از آماج‌های انقلاب و موضع انتشار ندادن مقاله پرسش برانگیز توسط راه توده، در عین حال به طور ضمنی توجه ما را نسبت به موقعیتی که خود در آن قرار داشت نیز جلب نمود. موقعیتی که بلافاصله توسط رفیق گرامی علی خاوری هنگامی که نگارنده نوشتار دریافت کرده [نامه کیانوری] را پیش از انتشار در راه توده در دیداری در برلین در اختیار او گذاشت، تشخیص و نسبت به آن هشدار داده شده بود. رفیق خاوری ارسال نوشتار را توطئه سازمان اطلاعات نامید. نظریات سیاسی و تئوریک طرح شده در راه توده در سال‌های بعد از ۱۳۷۳ تا هنگام مرگ کیانوری، به صورت معمول ادامه یافت. بعد از مرگ اوست که علی خدایی بدون صحبت و توافق قبلی رابطه‌های جدیدی را پایه ریخت که نشان ارتباط‌هایی بود که او به‌طور پنهانی برقرار نموده بود. از جمله مصاحبه‌های رادیویی با یک رادیوای [لوس آنجلسی]... (به نقل از: پایگاه اینترنتی "توده‌ای‌ها")."

داستان سرایی‌های سراسر دروغ و زهرآگین سردبیر "راه توده" به غارت برده شده، که در ماه‌های اخیر به شکل گسترده‌یی هم در درون و هم بیرون کشور افشا شده است، در وابستگی و عملکرد این ترکیب در چارچوب رهنمودهای وزارت اطلاعات رژیم، جای شکی باقی نمی‌گذارد.

رفقای گرامی!

تاکنون هوشیاری رهبری و اکثریت اعضا و هواداران حزب، تلاش دستگاه‌های امنیتی رژیم را برای تکرار فاجعه نفوذ "عباسعلی شهریاری" های جدید خنثی کرده است. ولی تلاش‌های دستگاه‌های امنیتی رژیم جمهوری اسلامی برای ضربه زدن به حزب توده ایران و مختل کردن مبارزه آن پایان نیافته است.

جنگ روانی- تبلیغاتی ارگان‌های امنیتی رژیم ولایت فقیه بر ضد حزب توده ایران، در سال‌های پس از ضربه‌های سال ۱۳۶۱، پیچیدگی‌ها و بُعدهای گوناگونی داشته است. حزب ما سندهای گوناگونی را از میان گزارش‌های رسیده از درون سیاه‌چال‌های رژیم در این سال‌ها جمع‌آوری کرده است که تصویر نسبتاً روشنی از رویدادهای زندان و عملکرد رژیم در زندان‌ها را به‌دست می‌دهد.

در این زمینه باید با قاطعیت گفت که، در رابطه با اکثریت رهبران دستگیر شده حزب که در جریان "فاجعه ملی" به جوخه‌های مرگ سپرده شدند و یا جان به سلامت دربرند، هیچ‌یک از برنامه‌ها و عملکردهای رژیم اتفاقی نبوده است. این رویدادها به سبب "خوش‌شانسی در قرعه‌کشی مرگ" رژیم، و یا پادرمیانی شخصیت‌های معروف جهانی، از جمله نلسون ماندها، برای آزادی افرادی خاص- که ما دروغ بودن آن را با قاطعیت اعلام می‌کنیم- نبوده است.

همه این روندها و واقعه‌ها را باید بی‌تردید بخشی از برنامه‌های درازمدت رژیم برای حزب‌سازی، "رهبر تراشی"، و دامن زدن به چند دستگی در صف‌های حزب توده ایران ارزیابی کرد. بر همین اساس، دفاع از سردبیر نشریه ضدتوده‌ای "راه توده"، و از تاریخ نویسی‌های سراسر دروغ او زیر عنوان: "یاد ماندها"، در پی افشاکاری‌های روشن ماه‌های اخیر نیز نمی‌تواند اتفاقی و از سر

ناآگاهی باشد.

در کشوری که دانشجوی جوان مدافع آزادی با دادن شعاری ساده به زندان و شکنجه محکوم می‌شود، تصور اینکه رژیم حاضر شود به کس یا کسانی اجازه فعالیت سیاسی و تبلیغاتی در دفاع از "حزب منحل" یی را بدهد، تصویری ساده‌لوحانه است!

در درازنای این سال‌های دشوار، حمله‌های قطع ناشدنی ارگان‌های امنیتی رژیم، که نمونه‌هایی از آن را می‌توان از جمله انتشار کتاب ۱۳۰۰ صفحه‌یی "تاریخ حزب از آغاز ..."، با کمک خاتمان به حزب و تاریخ نویسان وزارت اطلاعات دانست، بخش اساسی‌ای از تلاش کمیته مرکزی حزب ما به حفظ وحدت و یکپارچگی حزب متوجه بوده است و خواهد بود. کمیته مرکزی حزب توده ایران اعتقاد عمیق دارد که، صف واحد و اتحاد آهنین اکثریت رفقای توده‌ای، یکی از عنصرهای اساسی حفظ ادامه کاری مبارزه حزب و عقیم گذاشتن توطئه‌های ارتجاع حاکم برای نابودی حزب ماست. در این سال‌های دشوار، افزون بر کسانی که راه خود را به کلی از حزب ما جدا کردند، شماری از اعضا و هواداران حزب نیز زیر تأثیر این کارزار مهیب تبلیغاتی رژیم و دستگاه‌های امنیتی آن از صف‌های حزب ما جدا شدند که مایه تأسف عمیق حزب است. ما صمیمانه آرزو می‌کنیم و امیدواریم که این اعضا و هواداران سابق با تحلیل این شرایط و درک این کاستی‌ها بتوانند دوباره به صف‌های حزب باز گردند.

در کنار این پدیده، ما در سال گذشته با فراخوان‌های گوناگونی برای "وحدت حزب" روبه‌رو بوده‌ایم. ویژگی این فراخوان‌ها نفی کامل وجود حزب توده ایران و کمیته مرکزی منتخب آن و جا انداختن این نظر بوده است که، پدیده‌یی به نام "حزب توده ایران" وجود خارجی ندارد، و تنها "طیف‌های گوناگون توده‌ای" با نظرهای سیاسی مختلف پیرامون نشریه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی معینی وجود دارند، و راه "وحدت حزب توده ایران" از مسیر مذاکرات میان این گروه‌ها و "طیف‌ها"ی رنگارنگ می‌گذرد. بدیهی است که پیام وحدتی که در آن عملاً وجود حزب توده ایران و کمیته مرکزی منتخب کنگره‌های سوم، چهارم، پنجم، او طبعاً در دنباله آن‌ها کنگره ششم] حزب توده ایران به کلی نفی شده است و تاریخ حزب توده ایران با یورش رژیم جنایتکار ولایت فقیه، در بهمن ماه ۱۳۶۱، پایان یافته تلقی می‌شود، را نمی‌توان از سر دلسوزی و با هدف دستیابی به وحدت حزب ارزیابی کرد.

"ششمین کنگره حزب توده ایران"، ضمن هشدارباش نسبت به ادامه توطئه‌های گوناگون ارگان‌های امنیتی رژیم، که وحدت و یکپارچگی حزب توده ایران و اتحاد عمل نیروهای ملی و آزادی‌خواه میهن را هدف قرار داده است، از همه رفقای توده‌ای در داخل و خارج کشور می‌خواهد که با هوشیاری و دقت به مقابله با برنامه‌های ارتجاع حاکم بپردازند.

حزب ما امروز بیش از هر زمان دیگری به استوارتر کردن صف‌های خود و تلاش یکپارچه توده‌ای‌ها به‌منظور گسترش مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه نیازمند است. صحت سیاست‌ها و ارزیابی‌های راه‌گشای حزب ما در کوره آزمایش‌های دشوار نبردهای سیاسی سه دهه اخیر، اعتبار روزافزون حزب توده ایران در مقام یکی از گردان‌های نیرومند جنبش کارگری و کمونیستی جهان، که در حمایت پیگیر آن‌ها از کارزارها و سیاست‌های مبارزاتی حزب ما و انتشار تحلیل‌هایش در سندهای گوناگون نشست‌های حزب‌های کارگری جهان مشهود است، در کنار اثرگذاری روزافزون اندیشه‌های توده‌ای در مبارزه روزمره کارگران و زحمتکشان، جوانان، دانشجویان، و زنان مبارز میهن ما، نشانگر در اهتزاز بودن پرچم ظفرنمون مبارزه طبقه کارگر ایران و متحدان آن بر ضد رژیم استبدادی حاکم است.

نگهداری از این ارثیه گرانقدر جنبش دیرپای طبقه کارگر ایران، نگاهبانی از حزب ارانی‌ها، روزه‌ها، مشری‌ها، سیامک‌ها، کیوان‌ها، حکمت‌جوها، تیزابی‌ها، رحمان هاتفی‌ها، کی منش‌ها، حسین پورها، شناسایی‌ها، و فاطمه مدرسی‌ها، عهد مقدسی است که کمیته مرکزی حزب ما و تک تک اعضا و هواداران حزب به آن پایبند بوده‌اند و پایبند خواهند ماند. شکست توطئه‌های پی‌درپی رژیم ارتجاعی و ضد مردمی ولایت فقیه برای نابودی حزب توده ایران، در طول همه سال‌های گذشته، شاهد نیرومند و انکارناپذیر حقانیت مبارزه حزب توده‌های کار و زحمت در سال‌های اخیر است.

تصویب شده در: ششمین کنگره حزب توده ایران  
بهمن ماه ۱۳۹۱

## کارگران و زحمتکشان، فعالان آگاه و پیشرو جنبش کارگری!

در شرایط ضعف نیروی سازمان یافته طبقه کارگر، آن چنان که تجربه کودتای انتخاباتی سال ۸۸ ثابت کرد، امکان درهم کوبیدن ارتجاع حاکم و گشودن مسیر برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی وجود نداشته و ندارد. از این روی، برای روبه‌رو شدن با تحول‌های صحنه سیاسی کشور، از جمله تحول‌های مربوط به انتخابات پیش‌روی ریاست جمهوری، تقویت نقش و جایگاه جنبش کارگری از اهمیت بنیادین برخوردار است. مبارزه هوشیارانه و ستایش برانگیز شما در راه احیای حقوق سندیکایی و احیا و برپایی سندیکاهای مستقل - سندیکاهایی که برپایه صحیح طبقاتی شکل گرفته باشند - بخش مهم و موثر این پیکار سرنوشت ساز تاریخی است.

جنبش کارگری و نیز سندیکایی زحمتکشان میهن ما برای آنکه بتواند نقش و رسالت تاریخی خود را در رویارویی با ارتجاع و امپریالیسم در این مقطع زمانی حساس به خوبی ایفا کند، پیوند مستحکم با جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه سراسری مردم علیه دیکتاتوری حاکم نیازمند است. زمینه‌ها و محمل‌های ضروری عینی به منظور تقویت جایگاه جنبش کارگری و نیز یافتن فصل مشترک‌ها بین خواست‌های طبقه کارگر و دیگر طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی وجود دارند. رواج اقتصاد انگلی و غیرمولد و پیامدهای فاجعه‌بار آن، ضرورت مبارزه با رونبای به غایت فاسد استبدادی، مقابله و مخالفت با تحریم‌های مداخله‌جویانه، و هرگونه مداخله خارجی‌ای که به نقض استقلال ملی و حق حاکمیت ملی منجر شود، از زمره زمینه‌هایی به شمار می‌آیند که می‌تواند به پیوند میان جنبش کارگری با دیگر جنبش‌های اجتماعی یاری رساند، و زمینه‌های اتحاد عمل را بین خواست‌های زحمتکشان و دیگر لایه‌های اجتماعی پدید آورد. در مرحله مشخص کنونی، در کنار مسئله‌های پراهمیتی چون احیای حقوق سندیکایی، بالا بردن سطح همبستگی و سازمان دهی جنبش کارگری، و تقویت صف‌های جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان - برپایه استقلال عمل و ماهیت طبقاتی آن‌ها - ضروری است که، جنبش کارگری و سندیکایی گام‌هایی معین به منظور یافتن فصل مشترک‌ها با دیگر جنبش‌ها و نمایندگان سیاسی طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی دیگر که با رژیم ولایت فقیه و سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی آن در مخالفت و تقابل قرار دارند، به پیش بردارد. آینده جنبش کارگری و چگونگی عملکرد و جایگاه آن در مجموعه جنبش مردمی برضد استبداد و مداخله خارجی، به این مبارزه، یعنی جستجو برای فراهم ساختن زمینه اتحاد عمل در چارچوب جبهه وسیع ضد دیکتاتوری بستگی دارد. فراموش نکنیم که، سرنوشت جنبش کارگری، با سمت و سوی مبارزه مردم میهن ما در هر مرحله با ارتجاع و استبداد و استعمار، در پیوند تنگاتنگ قرار دارد.

### کارگران و زحمتکشان!

ششمین کنگره حزب توده ایران، باردیگر با قاطعیت تمام، و همچنان که تاریخ پرفراز و نشیب و پرافتخار حزب طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران - نشانگر آن است، با شما عهد می‌بندد تا در مبارزه برای تأمین منافع آبی و آبی کارگران و زحمتکشان، همراه، همگام، و درکنار شماست، و به پیکار خستگی ناپذیر خود ادامه می‌دهد.

پیش به سوی احیای حقوق سندیکایی طبقه کارگر ایران!  
برقرار باد پیوند مستحکم جنبش کارگری با جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم ایران برضد استبداد ولایتی!

درد آتشین به کارگران گرفتار در بند رژیم، و همه فعالان آگاه و پیشرو طبقه کارگر ایران!

درد بر حزب توده ایران، سنگر استوار طبقه کارگر و همه زحمتکشان فکری و یدی ایران!

برقرار باد جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم ولایت فقیه!

### ششمین کنگره حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۹۱

## پیام ششمین کنگره حزب توده ایران به: کارگران و زحمتکشان

ششمین کنگره حزب توده ایران دروهای گرم و رزم‌جویانه‌اش را به طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور تقدیم می‌دارد.

در طول بیش از سه دهه اخیر و زیر سایه استبداد ولایتی، امنیت شغلی، سطح زندگی و معیشت و حقوق کارگران و زحمتکشان میهن ما، این آفرینندگان ثروت‌های ملی، بیش از پیش روبه وخامت نهاده است. این درحالی است که طبقه کارگر ایران نقشی کلیدی و اساسی در سرنوشت دیکتاتوری سلطنتی و به پیروزی رسیدن انقلاب بهمن برعهده داشت. اینک سی و چهار سال پس از این رخداد تاریخی، و به دنبال شکست انقلاب و حاکم شدن واپس‌گرایان، کارگران و زحمتکشان از بدیهی‌ترین حقوق شناخته شده‌شان در عرصه‌های مختلف مانند: حقوق سندیکایی، حق برپایی تشکل‌های مستقل - سندیکاهای - امنیت شغلی، حق اعتصاب، و حضور و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی مربوط به زندگی و سرنوشت خود، محرومند.

### کارگران و زحمتکشان آگاه!

در بیش از سه دهه اخیر و با اجرای سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی ضد مردمی‌ای همانند برنامه تعدیل اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصادی، مقررات زدایی، خصوصی‌سازی، و آزادی‌سازی اقتصادی (هدفمندی یارانه‌ها)، که همگی فرمان‌های صادر شده از سوی "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" بوده‌اند، سطح زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان به شدت کاهش یافته و پامال شده است. این اوضاع در چند سال اخیر، خصوصاً از هنگام اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی (هدفمندی یارانه‌ها)، در مقایسه با گذشته وخیم‌تر گردیده است. رشد نرخ تورم، فروپاشی بنیه تولیدی - صنعتی کشور، افزایش نرخ بیکاری، کاهش سطح دستمزدها، و رواج قراردادهای موقت، نمونه‌هایی گویا و در معرض دید از نتیجه‌های اجرای سیاست‌های فاجعه‌بار اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه است که به وسیله دولت ضدملی احمدی نژاد و با حمایت ولی فقیه به اجرا درآمده‌اند.

آنچه این اوضاع را نگران‌کننده‌تر و تحمل ناپذیرتر می‌سازد، تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی است که برداشته فقر و تیره‌روزی مردم به ویژه زحمتکشان بسی افزوده است. زندگی شما کارگران، نمونه گویا و مشخص فقر بر اثر سیاست‌های رژیم و تحریم‌های امپریالیستی است. در طول ماه‌های اخیر، بر اثر نوسان‌های بازار ارز و کاهش ارزش پول ملی، به طور رسمی اعلام شد که، دستمزد کنونی زحمتکشان فقط برای گذران ۱۰ روز کافی است. در عین حال، بیش از ۸۰ درصد کارگران کشور با قراردادهای موقت و سپیدامضا مشغول به کارند، و هرگاه کلان سرمایه‌داران اراده کنند آنان اخراج و بیکار می‌شوند. در این زمینه آمارها نشان می‌دهد که، رشد شاخص مزد و حقوق کارگران واحدهای صنعتی بزرگ و کلیدی کشور در ۵ سال اخیر، ۳۳ درصد کمتر از رشد شاخص هزینه‌های زندگی بوده است. علاوه بر این، برآوردهای رسمی منتشر شده حاکی از آنست که، فقط طی یک سال قدرت خرید کارگران و زحمتکشان بیش از ۷۵ درصد کاهش داشته است.

به این موردها اصلاح قوانین کار و تأمین اجتماعی را باید افزود تا ژرفای یورش ارتجاع به حقوق و دستاوردهای طبقه کارگر ایران و نیز زندگی و معیشت ناگوار آن‌ها به خوبی در معرض داوری قرارگیرد. با تغییر و اصلاح قوانین کار و تأمین اجتماعی، بسیاری از حقوق کارگران نظیر: حق تشکل، افزایش دستمزدها، تأمین امنیت شغلی، دسترسی به بهداشت و درمان، حق بازنشستگی، و موردهایی مهم از این قبیل، به کلی نابود می‌گردند.

در چنین وضعیتی، مبارزه دلیرانه شما کارگران و فعالان سندیکایی حتی در چارچوب قوانین موجود به سختی و با شدت هر چه تمام‌تر سرکوب می‌گردد. اعمال فشارهای هدفمند به سندیکالیست‌ها، تهدید، اخراج، و بازداشت کارگران فعال در سندیکاهای و تشکل‌های مستقل، سیاست دایمی و شناخته شده ارتجاع حاکم در رویارویی با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما بوده و هست. به علاوه، تهدید، تطمیع، و فریب، از دیگر اجزای سیاست ارتجاع در برابر جنبش کارگری به شمار می‌آیند.

پوشش زنان، لایحه ارتجاعی "حمایت از خانواده" و لایحه "صدور گذرنامه" برای زنان و دختران بالای ۱۸ سال، که تنها با اجازه پدر یا همسر صادر می‌شود، از نمونه‌های بارز دستبرد به حقوق زنان است که برخلاف مخالفت‌های قاطع قشرهای مختلف زنان، حکومت همچنان مصمم است آن‌ها را به تصویب رساند.

### زنان قهرمان و مبارز ایران!

سرکوب خشن و نقض حقوق مسلم زنان در بیش از سه دهه گذشته همواره با مقاومت قهرمانانه شما زنان میهن‌مان روبه‌رو بوده است. پیکار حماسی زندانیان سیاسی زن در شکنجه‌گاه‌های رژیم و مقاومت اسطوره‌هایی چون فاطمه (سیمین) مدرسی، از صفحه‌های درخشان تاریخ جنبش مبارزاتی مردم میهن ما در پیکار با رژیم ولایت فقیه است. هم اکنون نیز زندان‌های ایران مملو از زنان مبارز و آزاده‌ای است که با پایداری خود حماسه می‌آفرینند، زنانی از قشرهای گوناگون جامعه، از زنان حقوقدان و خبرنگار گرفته تا زنان خانه دار، فعالان حقوق زنان و حقوق بشر، از دختران دانشجو گرفته تا مادران صلح و مادران پارک لاله، و جز اینان، که با مقاومت بی‌نظیر خود در زندان‌های جمهوری اسلامی، روحیه پایداری و رزمندگی را در جامعه گسترش می‌دهند.

### زنان مبارز و آگاه ایران!

حزب توده ایران، از آنجائی که اعتقاد عمیق دارد که آزادی هر جامعه‌یی در گرو آزادی زنان آن جامعه است، همواره از مبارزه و تلاش برحق شما در راه دست یافتن به خواست‌های برابری خواهانه و لغو هر نوع ستم جنسی حمایت می‌کند و خواهد کرد؛ زنان مبارز توده‌ای همواره در روشنگری و طرد شئون عقب مانده سنتی و فرهنگ زن ستیزانه در شکل‌های مختلف آن، نقشی انکار ناپذیر ایفا کرده‌اند.

امروز نیز زنان شجاع ایران مبتکرانه، برای تشکل یابی و آگاه سازی زنان، به ویژه زنان زحمتکش و محروم ایران تلاش می‌کنند، زیرا فرهنگ پدرسالارانه و تبعیض جنسیتی در کنار فشارهای کمرشکن اقتصادی، ستمی چند گانه را به آنان تحمیل می‌کند که رشد روز افزون ناهنجاری‌های اجتماعی مانند فقر، فحشا، اعتیاد، و پدیده دلخراش کودکان خیابانی نزد این قشر آسیب‌دیده بیش از قشرهای دیگر بیداد می‌کند. از همین روی، پیدا کردن تدبیرهای نو و راهکارهای تازه در بین توده محروم زنان از اولویتی خاص برخوردار است.

زنان و مادران صلح طلب ایران به خوبی آگاهند که تنها در سایه صلح می‌توان به حقوق انسانی دست یافت و جنگ حاصلی جز نیستی و ویرانی، به بار نخواهد آورد، بنابراین زنان و مادران صلح ایران دیگر اجازه نخواهند داد تا رژیم ولایت فقیه با سیاست‌های ماجراجویانه خارجی‌اش - که یادآور تجربه دردناک سیاست ادامه جنگ خمینی با عراق است، که در خلال آن میلیون‌ها نفر از فرزندان این آب و خاک به کام مرگ فرستاده شدند - بار دیگر مرغ‌وای جغدهای جنگ را در کشور ما به صدا درآورند. از این روی، زنان صلح طلب و آزادی خواه ایران بی‌وقفه به مبارزه و افشای جنگ افروزان داخلی و نیروهای جنگ طلب خارجی ادامه می‌دهند.

### زنان شجاع و آزاده ایران!

شما بارها ثابت کرده‌اید که می‌توانید نقش و مسئولیت تاریخی خود را به شایستگی انجام دهید، و همان طور که رژیم استبدادی شاهنشاهی را در همراهی با سایر نیروهای مردمی به زیر کشیدید، امروز نیز با ابتکارهایی نو و سازمان دهی مبارزه صنفی - اجتماعی و پیوند دادن آن با جنبش مردمی، راه استقرار آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و لغو ستم جنسی و طبقاتی را در جامعه هموار سازید.

### دروء آتشین به زنان زحمتکش و مبارز ایران کنگره ششم حزب توده ایران بهمن ماه ۱۳۹۱

## پیام کنگره ششم حزب توده ایران به: زنان آزادی خواه ایران

کنگره ششم حزب توده ایران ضمن درودهای گرم و پرشور به زنان آزادی خواه ایران، همبستگی و حمایت خود را از مبارزه برحق شما زنان کنشگر و زحمتکش ایران که بار اصلی فشارهای اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی میهن استبدادزده ما را به دوش می‌کشید، اعلام می‌دارد. حماسه حضور رزم‌جویانه و تحسین برانگیزتان در مرحله‌های تعیین کننده تاریخ معاصر، با خطوطی زرین در صفحه‌های سرگذشت مبارزات مردم میهن‌مان حک شده است. تلاش‌های خستگی ناپذیر شما در به‌دست آوردن حقوقتان، از حق سوادآموزی گرفته تا حق شرکت در تعیین سرنوشت سیاسی‌تان، به‌رغم میل ارتجاع، به چنان نتیجه‌های درخشانی انجامیده است که دانشگاه‌ها و مدرسه‌های عالی کشور شاهد حضور پرشمار شماست. شرکت فعال شما زنان در تحول‌های سیاسی جامعه و مبارزه با تبعیض جنسیتی، نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی، و فرهنگ پدرسالارانه، خواب خوش را از چشم‌های ارتجاع زن ستیز ربوده است.

### زنان زحمتکش، مبارز، و آگاه ایران!

شما ۳۴ سال پیش با حضور میلیونی خود به همراه دیگر نیروهای مترقی، استبداد سلطنتی را برافکندید، و به‌حق هم انتظار داشتید تا به خواست‌های برابری خواهانه و دموکراتیک خود دست بیابید، اما با شکست انقلاب بهمن ۵۷ و شکل گیری حکومتی مبتنی بر استبداد فردی و مذهبی، با رژیمی به غایت عقب مانده و قرون وسطائی روبه‌روید که مصمم است شما را به "گناه" آگاهی و تلاش‌تان برای گسستن زنجیرهای تبعیض و نابرابری، دوباره به کنج خانه‌ها بازگرداند. امروزه با شدت یافتن سیاست تبعیض و تفکیک جنسیتی و دیگر برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی ضد مردمی، کشور ما به بحرانی عمیق و فاجعه بار سوق داده شده است که از سویی رخ دادن جنگی خانمان سوز میهن ما را تهدید می‌کند و از سوی دیگر ادامه حیات ننگین رژیم ولایت فقیه تنها با سرکوب خشن نیروهای مردمی از جمله زنان امکان پذیر شده است.

شما زنان با حضور موثرتان در جنبش خرداد ۷۶ و جنبش اعتراضی پس از کودتای انتخاباتی ۸۸، پایه‌های حاکمیت ولایت فقیه را به لرزه درآوردید، و ثابت کردید که نیروی پرتوان زنان در صورت سازمان یافتگی و درهم پیوندی با دیگر نیروهای مردمی، برای ادامه حاکمیت رژیم زن ستیز ولایت فقیه تهدیدی جدی به حساب می‌آید.

از این روی، رژیم برای ادامه حیات ننگین خود، سیاست‌های زن ستیزانه و ارتجاعی خود را شدت بخشیده است. نقض خشن حقوق زنان و سرکوب فعالان آن، همراه با طرح و تصویب قوانین تحقیرآمیز و ضد انسانی، سیاست‌هایی‌اند که به شکلی هدفمند، حذف تدریجی زنان از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کند و حضور آنان را در حوزه‌های کار، تحصیل، آموزش، و مشارکت در امور اجتماعی و اقتصادی را بیش از گذشته محدود می‌کند. در این ارتباط از لایحه "کاهش ساعات کار زنان در صنایع" - که پیش از هر چیز امنیت شغلی زنان کارگر را هدف قرار می‌دهد - گرفته تا طرح‌هایی مثل: "اشتغال زنان با محوریت توجه به خانواده"، "اشتغال نیمه وقت زنان"، افزایش مرخصی زایمان بدون بسترسازی اقتصادی و اجتماعی به نفع زنان، دورکاری، استخدام دو زن به جای یک زن، و تشویق و پیشبرد سیاست بالا بردن نرخ باروری با رهنمود ولی فقیه، و به‌کارگیری سیاست قرون وسطائی تفکیک جنسیتی می‌توان نام برد، که در جهت بازگرداندن، تقویت، و بقا بخشیدن به نقش سنتی زنان به‌کار بسته می‌شوند. همه این تدبیرها و اقدام‌ها، بی‌تردید موجب رشد بیش از پیش نرخ بیکاری زنان می‌شود.

در عرصه حقوق مدنی نیز رژیم زن ستیز ولایت فقیه تلاش‌های گسترده‌ای را برای تهاجم یا باز پس گرفتن دوباره دستاوردهای مبارزاتی شما آغاز کرده است. دخالت در امور خصوصی، نقض حقوق شهروندی‌ای چون کنترل و اجبار

## پیام کنگره ششم حزب توده ایران به: احزاب کمونیست و کارگری جهان

توده ایران برای همبستگی بین‌المللی هماهنگ و کارآیی شما با مبارزه مردم و زحمتکشان ایران برضد طرح‌های مکارانه، مداخله گرانه، و جنگ‌افروزانه امپریالیسم جهانی در ارتباط با میهن ما ایران، و از جمله محکوم کردن تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده که قربانیان آن ستم‌دیده‌ترین قشرهای اجتماعی‌اند، ارزش و اهمیت فراوانی قائل است. همبستگی شما با جنبش آزادی‌خواهی و عدالت‌جویانه مردم ایران و برضد سیاست‌های سرکوبگرانه و مردم‌ستیزانه، ضد کارگری و عمیقاً ارتجاعی رژیم دین‌سالار حاکم بر ایران که امکان هرگونه سازمان‌دهی مردمی، فراگیر، و قدرتمند را بسیار محدود کرده است، برای این جنبش و نیروهای سیاسی پیکارگر ایران اهمیت شایانی دارد. تاریخ و تجربه خونبار خلق‌ها نمایانگر این واقعیت است که آنجا که بانگ اعتراض و نیروی پرتوان همبستگی بین‌المللی با مبارزه خلق و نیروهای انقلابی هر کشوری پیوند یابد، درهای زندان‌ها گشوده، پرچم صلح خواهی افراشته‌تر، مارش رزم‌جویانه و حق‌طلبانه زحمتکشان پُرس‌تاب‌تر، تیغ دژخیمان کندتر و سلاح رزمندگان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بُرنده‌تر می‌شود.

پیروز باد مبارزه در راه صلح، سوسیالیسم، و پیشرفت!  
پرتوان باد همبستگی بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری!  
فروزان‌تر باد شعله دفاع آزادی‌خواهان و ترقی‌خواهان جهان از جنبش مردم ایران!

کنگره ششم حزب توده ایران  
فوریه ۲۰۱۳ - بهمن ماه ۱۳۹۱

### ادامه پیام به نیروها و سازمان‌های ...

پس از انتخابات تقلب‌آمیز ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به صورت ضرب و شتم و شکنجه و درهم شکستن و کشتار مبارزان شاهد بودیم. همان‌گونه که پیش‌تر هم بارها اعلام کرده‌ایم، بگذار همکاری، تبادل نظر، و اتخاذ موضع‌های مشترک ما، پیام امیدی باشد برای جنبش آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی، مردم جان به لب رسیده، و روشنفکران میهن، و نویدی باشد برای دستیابی به یک دموکراسی پایدار.

### دوستان و هم‌زمان!

به‌رغم همه سرکوب‌های استبداد، جنبش آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه مردمی همچنان در عمق جامعه جریان دارد. انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه سال ۱۳۹۲ نیز بی‌تردید بار دیگر آبستن رخدادهای حساسی در کشور ما خواهد بود که جرقه‌های آن را از همان‌کنون می‌توان دید. حضور آگاهانه و با برنامه نیروهای مردمی در ماه‌های آتی، می‌تواند ابتکار را از دست حاکمان مرتجع بگیرد و گامی اساسی در راه به عقب‌نشاندن و طرد رژیم ولایت فقیه بردارد. شکی نیست که این مبارزه‌ی آسان و بی‌دغدغه و بی‌مخاطره نخواهد بود. اما با خرد جمعی و حرکت بر پایه یک توافق مشترک میان نیروهای متحد در یک ائتلاف یا جبهه ضد استبدادی، می‌توان فرصتی گران‌بها برای به دست آوردن پیروزی‌های اساسی در راستای تامین منافع مردم فراهم کرد. حزب توده ایران بار دیگر از نیروهایی که خواهان برچیدن بساط استبداد از ایران هستند، و هدفی ندارند جز استقرار آزادی، استقلال، صلح، و عدالت اجتماعی به دست توانای مردم سخت‌کوش میهن‌مان و بدون دادن اجازه دخالت به نیروها و قدرت‌های خارجی، دعوت به ایجاد جبهه متحد ضد دیکتاتوری می‌کند. حزب ما آماده است که برای تعیین یک برنامه کار مشترک در چارچوب این جبهه، با همه حزب‌ها، سازمان‌ها، و شخصیت‌های سیاسی میهن دوست هم‌فکری و همکاری کند. به اعتقاد ما، برداشتن این گام، ضرورت تاریخی تأخیرناپذیری است که همه ما باید مسئولانه به آن برخورد کنیم.

به امید همکاری‌های مشترک و کامیابی در راه برچیدن بساط دیکتاتوری رژیم ولایت فقیه، استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، و تامین زندگی‌ای شایسته برای مردم سختی‌کشیده میهن‌مان.

کنگره ششم حزب توده ایران  
بهمن ماه ۱۳۹۱

رفقای گرامی،

کنگره ششم حزب توده ایران در ماه فوریه ۲۰۱۳ و با شرکت نمایندگان با در نظر گرفتن شرایط دشوار فعالیت غیرعلنی و اوضاع امنیتی موجود، با موفقیت کامل برگزار شد. کنگره ششم حزب ما اسناد سیاسی مهمی، از جمله گزارش عملکرد کمیته مرکزی حزب در فاصله زمانی میان دو کنگره، و طرح برنامه نوین حزب را تصویب کرد. برنامه نوین حزب توده ایران بازتاب دهنده شرایط سیاسی حاکم بر کشور، شرایط اقتصادی-اجتماعی موجود در کشور، برآیند واقعی نیروها در سطح جامعه، و نیازها و خواست‌های طبقه کارگر، زحمتکشان شهر و روستا، و دیگر قشرهای ملی و مردمی جامعه است. برنامه نوین حزب ما بر پایه وفاداری به مارکسیسم-لنینیسم، و درک خلاق از آن، تنظیم شده است، و مسیر مبارزه پیرومند و تاریخی حزب را در راه صلح، دموکراسی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، و سمت‌گیری سوسیالیستی در میهن‌مان ترسیم کرده است.

رفقای گرامی،

کنگره ششم حزب توده ایران هم‌زمان با سی‌امین سالگرد یورش خائنه و سرکوبگرانه رژیم ولایت فقیه به حزب توده ایران (۶ فوریه ۱۹۸۳) برگزار شد، یورش‌هایی که در خلال آن اکثر اعضای کمیته مرکزی حزب و صدها کادر ورزیده آن دستگیر و اعدام شدند یا در زیر شکنجه جان باختند.

در این یورش هزاران تن از اعضا و هواداران حزب دستگیر شدند و به زندان افتادند. بازسازی حزب و از سرگیری دوباره فعالیت منظم آن پس از این ضربه مرگبار، با کوشش و تلاش فداکارانه توده‌ای‌های جان به در برده میسر شد. در این روند، حمایت معنوی حزب‌های برادر نیز عامل مهمی در یاری‌رسانی به قد برافراشتن دوباره حزب در طی آن سال‌های دشوار بود. به همین سبب، کنگره ششم حزب ما بار دیگر به نقش پراهمیتی که همبستگی پیگیر و وقفه‌ناپذیر شما حزب‌های برادر با مبارزه مردم و زحمتکشان ایران در مبارزه شان در راه صلح و دموکراسی، و به‌ویژه حمایت شما از ادامه پیکار خستگی‌ناپذیر حزب ما در راه دستیابی زحمتکشان به حقوق‌شان، ترقی، و سوسیالیسم داشته است، تاکید قاطع داشت. ارسال پیام‌های تبریک و همبستگی رسمی از سوی ۵۲ حزب کمونیست و کارگری از هر پنج قاره جهان به مناسبت برگزاری ششمین کنگره حزب ما، نمایش پرشکوهی از همبستگی بین‌المللی بی‌نظیری است که حزب ما در تمام مدت حیات ۷۱ ساله خود و به‌ویژه در سه دهه اخیر با افتخار از آن برخوردار بوده است. نمایندگان حاضر در ششمین کنگره بارها و بارها با کف زدن‌ها و اشک‌های حق‌شناسانه خود، بیان قاطع و پُرطنین شما را در پیام‌های همبستگی‌تان با مبارزه مرگ و زندگی کمونیست‌های ایران تحسین کردند.

این پشتیبانی و همبستگی بی‌دریغ و بدون چشم‌داشت حزب‌های کمونیست و کارگری جهان از مبارزه حزب ما، در سه دهه گذشته و از جمله به‌وسیله انتشار ده‌ها بیانیه مشترک با امضای شما هم‌زمان پیشاهنگ مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم نیز نمود خاصی داشته است. این حمایت و همبستگی شما، به مبارزان توده‌ای، هواداران، اعضا، و کادرهای حزب ما در ادامه مبارزه دشوارشان در راه دگرگونی‌های بنیادی ملی-دموکراتیک، در مسیر انجام تغییرهای راهبردی (استراتژیک) و بلندمدت به سود زحمتکشان میهن‌مان، همواره انگیزه و امید بخشیده و می‌بخشد. حزب توده ایران در سراسر حیات کار و پیکار بیش از هفت دهه‌ای خود، مصمم و معتقد به درستی اصول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، همواره درفش خون‌فام دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و مبارزه برای دگرگونی‌های بنیادین و ضرور را در ایران برافراشته نگاه داشته است. در دفتر تاریخ این مبارزه دشواری که در شرایط برجسته میهن ما صورت می‌گیرد، برگ‌های زرینی از جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان با نام حزب توده ایران ورق می‌خورد.

رفقای گرامی،

کنگره ششم حزب توده ایران، به نمایندگی از سوی همه اعضا و هواداران حزب توده ایران، مراتب قدرشناسی و سپاس خود را از ابراز همبستگی و حمایت حزب‌های کمونیست و کارگری، و سازمان‌ها و شخصیت‌های انقلابی در همه کشورهای جهان، تقدیم شما می‌کند و اعلام می‌دارد که، حزب ما امروزه، و در مسیر پیچیده مبارزه برای دگرگونی‌های سرنوشت‌ساز، برای برافراشته نگاه داشتن پرچم صلح، استقلال، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، و عدالت اجتماعی در میهن‌مان، در کنار تکیه به نیروی لایزال مردم ایران، ادامه و گسترش یاری‌ها و پشتیبانی همه‌جانبه شما را همچنان خواهان است. حزب

## پیام ششمین کنگره حزب توده ایران به: خانواده جانباختگان راه بهروزی مردم ایران و حقوق توده‌های زحمت، و خانواده‌های زندانیان سیاسی

ما امروز با واقعیت‌های تلخ زندگی مردم و توده‌های زحمتکش میهن‌مان روبه‌رویم، هم به‌لحاظ وضعیت گذران روزمره و نیازمندی‌های اولیه، و هم به‌لحاظ برخوردار نبودن از آزادی‌هایی که جزو حقوق طبیعی‌شان است: چه به‌منظور کوشش برای پیاده کردن عدالت اجتماعی، چه برای اثرگذاری بر این وضعیت وخیم اجتماعی و فرهنگی و مشارکت در رقم زدن سرنوشت مردم، میهن، و خانواده خود، و چه برای رویارویی با سیاست‌های بین‌المللی‌ای که تأثیری فاجعه‌بار بر زندگی و هستی مردم برجای می‌گذارد، و یا برای دست‌وپنجه نرم کردن با گرانی‌ها و پیامدهایش: گرسنگی مزمن و بیماری‌های گوناگون، از تن در دادن به مصائب حیثیتی برای به کف آوردن لقمه‌یی بیشتر نان گرفته تا سر کردن با دلهره‌های ناشی از تهدید دخالت نظامی خارجی، که همچون پیامدهای ناشی از تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی، آوار خانمان برانداز آن بر سر مردم و توده‌های زحمت فرو می‌ریزد و لطمه‌هایی جبران‌ناپذیر بر جان و هستی آنان و عزیزان شان خواهد زد.

افشای اینهمه نامردمی و ستم، و هم‌زمان با آن، روشنگری، راه چاره‌یی یافتن و یا نشان دادن آن، کاری بس سست‌رگ و آمیخته به خطرهای هلاکت‌آور بود و هست. مبارزه در راه مردم رشادت و از خودگذشتگی‌ای اسطوره‌وار می‌طلبد، و این چیزی جز همان آرمان‌های انسانی مادران، پدران، خواهران، برادران، و یا همسران شما خانواده‌های شهیدان، جانباختگان، و زندانیان سیاسی نبوده است که عزیزانتان یا بر سر این عهد خود با مردم‌شان جان نهادند، و یا بندی سپاه‌چال‌های رژیمند. این جانباختگان، زندانیان، این مادران، پدران، خواهران، برادران، و همسران شما، که از گرمای‌ترین تعلق خاطرشان، از گوهر گران‌بهای هستی‌شان درگذشتند تا گامی در راه پرمخاطره ساختن جامعه‌یی عادلانه برای مردم شان، برای زحمتکشان میهن‌شان، و برای خانواده و آیندگان‌شان سازمان دهند. بی‌شک در این راه دشوار پرنشیب و فراز، شما یاوران همیشه آنان بودید، هستید، و خواهید بود. می‌توان دانست که پشتوان مبارزه‌شان در شکنجه‌گاه‌ها، تحمل حس‌های انفرادی، سینه سپر کردن‌ها در میدان‌های تیرباران، رازدار خلق بودن‌شان، گرمای مهرتان به آنان، و پایداری‌تان در مصائب و آلام بود، هست، و خواهد بود. هر گامی به پیش در راه بنای جامعه‌یی عادلانه، یادآور خاطره گرمی این شهیدان و جانباختگان است.

هر گامی به پیش در راه دستیابی به آزادی‌ها و عدالت اجتماعی مدیون مقاومت زندانیان سیاسی است، و نیز یاد آور پایداری شما در نبود این جانباختگان و مدیون شکیبایی‌تان در این عرصه است.

ششمین کنگره حزب توده ایران با دقتی‌یی سکوت یاد همه شهیدان راه بهروزی مردم ایران و حقوق توده‌های زحمت، از جمله جانباختگان توده‌ای، را گرمی داشت، و گرم‌ترین دردها را نثار خانواده‌های ارجمند آنان کرد. کنگره همچنین به زندانیان سیاسی متعلق به اقوام گوناگون عقیدتی که در راه خدمت به منافع مردم و میهن‌مان و در راه آرمان‌های والای آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه کرده‌اند و بر سر پیمان خود با توده‌ها پایداری می‌کنند درودهای پرشور می‌فرستد و به خانواده‌های این زندانیان ابراز همبستگی می‌کند. اینک به پایداری شما درود می‌فرستد، به شما خانواده‌های گرانقدر جانباختگان و زندانیان سیاسی میهن رنج‌دیده‌مان.

ششمین کنگره حزب توده ایران  
بهمن‌ماه ۱۳۹۱

## پیام کنگره ششم حزب توده ایران به: نیروها و سازمان‌های ملی، آزادی‌خواه و عدالت‌جوی کشور

دوستان، هم‌زمان، و آزادی‌خواهان کشور،

کنگره ششم حزب توده ایران به همه شما که در پیکارهای جاری در راه برچیدن بساط استبداد حاکم بر کشور و برقراری حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی شرکت دارید، صمیمانه درود می‌فرستد.

۳۴ سال پس از پیروزی انقلاب بزرگ و مردمی بهمن ۱۳۵۷، نه‌تنها آرمان‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه آن انقلاب تحقق نیافته است، بلکه رژیم خودکامه و تاریک‌اندیشی، حاکمیت انحصارطلبانه خود را بر کشور تحمیل کرده است که حاصل سیاست‌های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی آن: استبداد سیاسی، انواع ناهنجاری‌های اجتماعی، پایمال کردن حقوق بنیادی و دموکراتیک افراد جامعه و نهادهای مدنی، بی‌کفایتی، گرانی، ورشکستگی تولید، برقراری اقتصادی دلالی در سایه مکتداری و کنترل زانت‌خواران حکومتی، الیگارش‌ی نظامی، و سرمایه‌داران بزرگ تجاری و بوروکراتیک انگل‌صفت، است.

استقرار حکومت دین‌سالار ولایت فقیه‌یی که مجموعه حاکمیت را به طور تنگاتنگی در چنگال و حیطه انحصار و کنترل خود قرار داده است، یادآور حکومت‌های خلیفه‌گری اسلامی و دوران "تفتیش عقاید" و حکومت کلیسای مسیحی بر اروپا در قرون وسطی است. چنین حاکمیتی که مشروعیت خود را نه از اراده و تصمیم شهروندان، بلکه از "خداوند" می‌داند، درهای اعمال حق حاکمیت مردم را به هر وسیله ممکن بسته است و خود را پاس‌خو به مردم نمی‌داند. حاکمیت ولایتی کنونی، و به‌ویژه شخص ولی فقیه و به‌اصطلاح "بیت رهبری"، به راه‌های گوناگون - و از جمله حکم حکومتی - این اختیار و اجازه را به خود می‌دهد که در مقام "نماینده خدا"، اراده خود را بر خواست مردم و حتی بر "نمایندگان" مجلس رد شده از صافی شورای نگهبان و رئیس جمهوری برگمارده خودش هم که ظاهراً به رأی مردم انتخاب شده‌اند، تحمیل کند. علاوه بر این‌ها، اقتدار این فرد بر قوه قضاییه و نهادهایی مثل سپاه پاسداران و صدا و سیما، و جز این‌ها، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول مربوط به ولایت مطلقه فقیه به آن شکل قانونی هم داده شده است، در واقع "دیکتاتوری قانونی" است که بر کشور و ملت ما تحمیل کرده است. این دیکتاتوری ولایتی، به خشن‌ترین وجه، حقوق بنیادی و دموکراتیک شهروندان، و از جمله حق انتخاب آزادانه و بدون "نظارت استصوابی" نمایندگان را پایمال کرده است. با توجه به شکل و ماهیت این حاکمیت دین‌سالار خودکامه و انحصارگر است که حزب توده ایران آن را اساسی‌ترین مانع در راه برقراری حکومتی مدنی می‌داند که در آن مردم امکان می‌یابند اراده خود را بدون دخالت "ولی فقیه" و اعوان و انصارش محقق کنند. به همین دلیل است که حزب توده ایران، برچیدن بساط این حاکمیت ولایتی را با شعار مشخص "طرد رژیم ولایت فقیه" مطرح کرده است. حزب ما این تغییر شیوه حکومت‌مداری را نخستین گام در راه تحولی بنیادی می‌داند که این فرصت را فراهم خواهد آورد تا بتوان عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی زندگی مردم سخت‌کوش و رنج‌کشیده ایران را به طور اساسی متحول کرد. فقط از این راه است که می‌توان به یک جامعه دموکراتیک رسید، و تحقق عدالت اجتماعی و تأمین زندگی‌ای شایسته برای مردم میهن‌مان را عملی کرد.

از سوی دیگر، حزب توده ایران بر این باور است که، به علت تنوع و ترکیب نیروهای ملی مخالف استبداد حاکم، فقط از راه اتحاد و همکاری و همیاری سازمان‌یافته میان این نیروهاست که می‌توان به برنامه و عمل مشترک، بساط این تاریک‌اندیشی و واپس‌گرایی را برچید و حق حاکمیت مردم بر سرنوشتشان، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، و عدالت اجتماعی را برقرار کرد. میهن ما در دو دهه گذشته شاهد رشد جنبش مردمی و اصلاح طلبانه‌ای بود است که به رغم همه سرکوبگری‌ها رژیم همچنان به پیکار خود بر ضد رژیم استبدادی حاکم ادامه می‌دهد و دست آورده‌های شایانی به همراه داشته است.

حزب توده ایران صمیمانه از همه حزب‌ها، سازمان‌ها، نیروها، و شخصیت‌های ملی ضد استبداد و ترقی‌خواه، دعوت می‌کند که با درک شرایط حساس کنونی، به طور جدی در راه تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری‌ای که در واقع ستاد مبارزه ضد استبدادی و عدالت‌خواهانه بر اساس یک برنامه کار مشترک با حفظ استقلال سازمانی و سیاسی هر عضو جبهه خواهد بود، گام بردارند. در شرایطی که استبداد خشن سازمان‌یافته‌یی بر میهن حاکم است، تفرقه و پراکندگی نیروهای ترقی‌خواه، بی‌برنامگی و سازمان‌نیافتگی جنبش مردمی، نداشتن شعارهای فراگیر و هدفمند کوتاه‌مدت و درازمدت متناسب با شرایط و مرحله مبارزه، تا کنون آسیب‌های فراوانی به جنبش زده است و ناکامی‌هایی جدی در پیکار آن با این استبداد خشن به بار آورده است. نمونه‌های بسیار روشن این آسیب‌ها را در جنبش اعتراضی و خیزش مردمی

ادامه در صفحه ۲۰

## ادامه پیام های احزاب کارگری و کمونیستی ...

دانشجویان، زنان، و جوانان به پیش می‌برند، حمایت خود را اعلام داشت. ما در مبارزه پیگیر و خستگی‌ناپذیر شما برضد امپریالیسم، در کنار شما هستیم. ما در مبارزه دشوار و خطرناک‌تان برضد دیکتاتوری، با شما اعلام همبستگی می‌کنیم.

زنده باد حزب توده ایران!  
زنده باد سوسیالیسم!

با گرم‌ترین دروهای انترناسیونالیستی،  
رابرت گریفینز، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا

## پیام حزب کمونیست شیلی به مناسب ششمین کنگره حزب توده ایران

رفقای گرمی حزب توده ایران،  
دروهای گرم و رفیقانه کمونیست‌های شیلی را به مناسبت برگزاری ششمین کنگره حزب‌تان بپذیرید. می‌دانیم که این نشست نیز مثل خیلی از گردهمایی‌های دیگر شما با رعایت پنهانکاری اکید برگزار می‌شود، اما این امر مانع حفظ پیوندهای عمیق حزب توده در تمام طول حیاتش با مبارزات مردم ایران برای حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی نبوده است. به‌رغم تفاوت اساسی میان زبان ما و دوری مسافت میان دو حزب، ما در پیکاری که سازمان‌های ما در سراسر حیات خود در راه صلح و سوسیالیسم به پیش برده‌اند، برادرانه گام برداشته‌ایم.

هم در حزب شما و هم در حزب ما، صدها- اگر نه هزاران- مبارزی بوده‌اند که در پیکار برضد دیکتاتوری‌هایی بی‌رحم جان خود را از دست دادند. دیکتاتورهایی که برای مردم ما فقط ویرانی و فقر به ارمغان آوردند، و منابع غنی طبیعی ما را به دست غارتگر سرمایه‌ها و شرکت‌های عظیم فرامی‌سپردند. ما جنگ طلبان صهیونیست و حامیان آنان، امپریالیسم آمریکا و متحدش اتحادیه اروپا را نیز قاطعانه محکوم می‌کنیم که به بهانه انرژی هسته‌ای، پیوسته مردم ایران را تهدید می‌کنند و می‌آزارند.

ما به مبارزه‌یی که حزب شما از آغاز بنیادگذاری‌اش به پیش برده است درود می‌فرستیم. سرکوب وحشیانه دشمنان داخلی و خارجی مردم ایران توانسته است پیوندهای سرشتی حزب شما را با کارگران، روشنفکران و مردم آگاه ایران از بین ببرد.

پیکار مردم ایران از پیکاری که مردم دیگر نقاط جهان برای در هم شکستن زنجیرهای سرمایه‌داری در مرحله نولیبرالی‌اش، در راه صلح و احترام به حق تعیین سرنوشت، و برای ساختن جبهه‌های وسیع انقلابی و مترقی به پیش می‌برند جدا نیست. چنین جبهه‌هایی، که در آنها طبقه کارگر نقش پیشاهنگ دارد، می‌توانند جامعه‌هایی نوین و برتر برپا کنند که در آنها منافع نوع بشر بالاتر از منافع بازار قرار می‌گیرد. در روزگار ما، مبارزه برای جایگزین کردن وحشی‌گری با سوسیالیسم، از ضرورتی مبرم‌تر از پیش برخوردار است.

رفقای حزب توده ایران،

بار دیگر به مناسبت برگزاری این کنگره مهم به شما شادباش می‌گوییم. مطمئناً که این کنگره در مبارزه شما در راه برقراری یک جامعه عادلانه‌تر برای شهروندان سهم و نقش بزرگی خواهد داشت. از میهن سالوادور آلنده، پابلو نرودا، ویکتور خارا، گلاادیس مارین، و با ادای احترام به قهرمانان و شهیدان دیروز و امروز و همیشه، می‌گوییم:

زنده باد کنگره ششم حزب توده ایران!  
زنده باد مبارزه مردم ایران برای حق تعیین سرنوشت خود!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

کارگران جهان متحد شوید!

کمیسریون روابط بین‌المللی حزب کمونیست شیلی  
۷ فوریه ۲۰۱۳

## پیام هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به ششمین کنگره حزب توده ایران

نمایندگان گرمی ششمین کنگره حزب توده ایران!  
با مسرت از برگزاری ششمین کنگره حزب توده ایران مطلع شدیم. ما این مناسبت را صمیمانه به شما، و از طریق شما به عموم نیروهای حزب توده ایران تبریک می‌گوئیم و بیشترین توفیق شما را در پاسخگویی به مسائل و موضوعات پیش‌ساروییتان، از این مجرای دموکراتیک، آرزو می‌کنیم.

رفقای عزیز

با توجه به اوضاع دشواری که جامعه ما با آن روبروست و الزاماتی که این اوضاع، پیش‌روی هر نیروی دموکرات و خواهان ترقی و عدالت می‌نهد، بدون شک کنگره ششم حزب توده ایران به مضاف با چالش‌های شورانگیزی برخوردار است:

مقدمتاً خطر، ولو نامحتمل، یک رودروئی ویرانگر نظامی میان جمهوری اسلامی و "جهان غرب" در تداوم مناقشه بر سر برنامه اتمی ایران،

احتمال فروپاشی کامل اقتصاد کشور که بحران مدید آن و شکست پیش‌بینی شده برنامه ساماندهی بارانه‌ها، به همراه تحریم‌های خودعرضانه "غرب" در وضع شکننده این اقتصاد، اکنون بیشترین فشار را متوجه طبقات پائینی و متوسط جامعه کرده است،

اوضاع مختتنی که حکام جمهوری اسلامی ایران بر کل جامعه مدنی و سیاسی و خاصه بر سازمان‌های سیاسی معارض اعمال می‌کنند، تقویت زمینه برای برآمد جنبش‌های مطالباتی و اعتراضی در میان طبقات و لایه‌های گوناگون اجتماعی،

و تحول اوضاع سیال منطقه و بین‌المللی در مسیری خلاف روندهای استراتژیک شناخته شده،

برخی از خطوط اصلی سیمای وضعی اند که در آن کنگره شما برگزار می‌گردد. به نظر می‌رسد که حکام جمهوری اسلامی در پاسخگویی به ضرورت‌های این وضع خطیر، خود را برای اتخاذ مشی ای باز هم سرکوبگرانه تر و کشاندن ایران به مهلکه آماده می‌کنند. ما با اشتیاق پاسخ‌های کنگره ششم حزب توده ایران به این اوضاع حساس را تعقیب خواهیم کرد.

رفقای عزیز

دغدغه مرکزی در اوضاعی که در سطور فوق ترسیم شده، آینده ایران است و سؤال مرکزی در گفتگوی میان شما و ما در این رابطه، نقشی است که نیروهای چپ می‌توانند و باید در "گذار کشور از رنج‌ها و مخاطرات" و نیل به آینده ای پرفروغ به عهده داشته باشند. به باور سازمان ما ایفای این نقش مستلزم حضور یک نیروی چپ مقتدر در صحنه سیاسی کشور است و این خود مستلزم برنامه مشخص برای شکل بخشیدن به این نیرو است. سازمان ما برای پاسخگویی به این الزام طریق شکل دهی به حزب بزرگ چپ را برگزیده است. ما با علاقه مندی بسیار پیگیر پاسخ شما به این ضرورت خواهیم بود.

رفقای گرمی

بار دیگر تبریکات مان را بابت برگزاری ششمین کنگره شما ابراز می‌داریم و بیشترین موفقیت را برای شما و کنگره امید داریم.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران  
(اکثریت)، ۳ اسفند ۱۳۹۱

## ادامه پیام های احزاب کارگری و کمونیستی ...

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوستان  
(مارکسیست) به کنگره ششم حزب توده ایران

رفقای گرامی، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) درودهای صمیمانه خود را به ششمین کنگره حزب توده ایران تقدیم می کند. به همین مناسبت، به رهبری و همه اعضای حزب درود می فرستیم و بار دیگر بر همبستگی قلبی خود با آنها تأکید می کنیم.

رفقا،

کنگره شما در زمانی بسیار بحرانی تشکیل می شود. کارشناسان امور پیش بینی می کنند که جهان در آستانه یک رکود مضاعف قرار دارد. همه تلاش هایی که طبقات حاکم برای برون رفت از این بحران به کار بسته اند، تا کنون بیهوده بوده و بی ثمر مانده است. آنچه به صورت ورشکستگی شرکت های بزرگ و عدم توانایی آنها در پرداخت بدهکاری هایشان آغاز شد، اینک به بحران فروپاشی کشورهای مستقل تبدیل شده است. بسیاری از کشورها برای گریز از فروپاشی، متوسل به اقدام های ریاضتی شده اند. این اقدام های ریاضتی، با تحمیل بار بیشتری بر دوش مردم عادی و طبقه کارگر، عملاً قدرت خرید آنها را حتی بیش از پیش کاهش داده است. این امر به نوبه خود نتیجه مستقیم تضاد بنیادی و ماهوی نظام سرمایه داری، یعنی "سرسخت اجتماعی تولید و سرسخت فردی حداکثرسازی سود" است، که خود دلیل واقعی بحران است. سرمایه داری هر قدر هم تلاش کند، باید گفت که بدون حل کردن این تضاد اساسی همه تلاش های آن ناگزیر بی ثمر خواهد ماند. این تضاد را فقط در یک جامعه سوسیالیستی می توان حل کرد.

طبقات حاکم برای بیرون کشیدن خود از این بحران اقتصادی به هر وسیله ای که در اختیار دارند، از اقتصادی و سیاسی گرفته تا نظامی، متوسل می شوند. مداخله نظامی امپریالیستی در لیبی، سوریه و اکنون "مالی"، بازتاب همین تلاش هاست. امپریالیسم، به ویژه در دوره های بحران اقتصادی، با شدت و حدت تمام در پی تصاحب و کنترل کردن همه مناطقی برمی آید که دارای منابع طبیعی غنی و بازارهای فروش گسترده هستند. همان طور که همه ما می دانیم، آسیای غربی، یا آنچه در تداول عامه به خاورمیانه معروف است، منطقه ای غنی از منابع و ذخایر طبیعی است. امپریالیسم برای تأمین و تضمین سرکردگی خود در این منطقه، به هر نوع دسیسه ای متوسل می شود. میدان دادن به نیروهای مذهبی بنیادگرا، گروه های تروریست و دیگر عناصر و عوامل ارتجاعی و تقویت کردن آنها، از جمله نقشه های شیطانی امپریالیست ها برای مهار کردن و پیشگیری از رشد کمونیست ها و دیگر نیروهای ترقی خواه است. نیروهای امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به بهانه حصول اطمینان از اینکه ایران به سلاح های هسته ای دست نخواهد یافت، تحریم هایی غیرانسانی را بر ایران تحمیل کرده اند. مثل همیشه، اعمال این تحریم ها فقط برای مردم ایران، و نه طبقات حاکم، سختی و مشقتی عظیم در پی داشته است. در اوضاع کنونی جهان، مبارزه علیه چنان نقشه های زشت و تبهکارانه ای، اهمیتی بیش از پیش می یابد.

رفقا،

حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) نیز سخت درگیر مبارزه و مقاومت در برابر یورش طبقات حاکم به زندگی و معیشت مردم هندوستان است. ما نه تنها درگیر این پیکار علیه این یورش اقتصادی هستیم، بلکه مجذبانه در برابر تلاش هایی مقاومت می کنیم که با هدف ایجاد تفرقه در میان مردم ما بر اساس مذهب، محل، قومیت و ملیت صورت می گیرد.

رفقا،

حزب توده ایران با ادامه دادن سنت های مارکسیسم-لنینیسم، پیگیرانه برای دفاع از مردم ایران می رزمند. حزب شما در مبارزه علیه امپریالیسم و علیه همه اشکال ارتجاع در جامعه، سرمشق و نمونه بوده است. اینکه به رغم کشتار وحشیانه بسیاری از رهبران و هزاران تن از اعضای حزب و غیرقانونی اعلام کردن فعالیت آن، حزب همچنان به کار و فعالیت در میان مردم ایران ادامه می دهد، نشانه اعتبار و استواری حزب است. همین تسلیم ناپذیری و شجاعت سرشتی حزب توده ایران است که الهام بخش کمونیست های جهان است. ما تردید نداریم که فعالیت حزب توده ایران در حد بالای انتظار مردم ایران خواهد بود، و حزب در برابر همه تلاش های طبقات حاکم و امپریالیسم مقاومت و پیکار خواهد کرد.

به مناسبت تاریخی برگزاری کنگره ششم حزب توده ایران، ما بار دیگر بر

همبستگی خود با آن حزب تأکید می کنیم و به صراحت اعلام می کنیم که در مبارزه شما علیه امپریالیسم و برای برقراری یک جامعه عاری از استثمار، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) شانه به شانه شما حرکت خواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)  
به کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۴ ژانویه ۲۰۱۳

پیام شادباشی انترناسیونالیستی حزب کمونیست  
بریتانیا به ششمین کنگره حزب توده ایران

رفقای گرامی،

به مناسب برگزاری ششمین کنگره حزب توده ایران، کمیته اجرایی حزب کمونیست بریتانیا گرم ترین شادباش های انترناسیونالیستی خود را به شما تقدیم می کند. حزب ما همواره پیوندهای تاریخی نزدیکی با کمونیست های ایرانی داشته است. در دهه ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۱۰ خورشیدی) دو حزب کمونیست ایران و بریتانیا با امپریالیسم بریتانیا و تحمیل منافع انحصارهای بزرگ نفتی بریتانیایی بر ایران مبارزه کردند. در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ خورشیدی) دو حزب ما برضد تلاش مشترک امپریالیسم بریتانیا و آمریکا، که در صدد تأمین و تحکیم قدرت خود بودند، و در نهایت کودتای ضددموکراتیک اوت ۱۹۵۳ (مرداد ۱۳۳۳) مبارزه کردند.

امروز حزب ما به عزم راسخ حزب توده ایران به دیده احترام می نگریم، حزبی که پرچم دموکراسی در ایران را در حکم پیش شرط بنیادی پیشرفت به سوی جامعه ای مبتنی بر عدالت اجتماعی و برابری در اهتزاز نگاه داشته است. در همین جا لازم است یاد هزاران رفیقی را گرامی داریم که در دوره دیکتاتوری رژیم شاه و در سال های اخیر به دست رژیم دین سالار کنونی کشته شدند. این روزها امپریالیسم تدارک حمله ای تازه را در خاورمیانه می بیند. بحران کنونی سرمایه داری و به ویژه پیامدهای آن برای ایالات متحد آمریکا، وضعی به وجود آورده است که کنترل آمریکا بر نفت خاورمیانه، برای ادامه قدرت و تسلط دلار در صحنه جهانی، امری حیاتی شده است. هدف ائتلاف های ارتجاعی شکل داده شده از سوی آمریکا و بریتانیا به همراهی عربستان سعودی، قطر، و ترکیه، عملی کردن تغییر رژیم در سوریه و خنثی ساختن لبنان همچون پیش شرطی به منظور هدف گرفتن ایران در حمله های آتی است. حزب ما در پنجاه و دومین کنگره اش موضع خود را به روشنی بیان کرد:

ما با هرگونه مداخله برضد ایران، چه نظامی چه اقتصادی، مخالفیم.

ما با هرگونه مداخله در سوریه، مستقیم یا از سوی گروه های عامل، مخالفیم.

ما حل و فصل خواست های عادلانه مردم فلسطین مطابق با قطعنامه های سازمان ملل متحد، خروج اسرائیل از همه سرزمین های اشغالی، و برپایی دولتی فلسطینی به پایتختی اورشلیم شرقی را خواهیم. ما با همه نیروهایی که در خاورمیانه خواهان دموکراسی اند و با خودکامگی و سرکوب گری دین سالاران مخالفند، اعلام همبستگی می کنیم.

رفقای گرامی،

برای ما روشن است که این کنگره شما که برنامه ای نوین تدوین می کند و درصدد طرح ریزی مسیر آتی حزب توده در ایجاد ائتلافی متکی بر طبقه کارگر است که بتواند چشم انداز تازه ای را برای همه مردم ایران بگشاید، اهمیت فراوانی دارد. اینکه حزب شما مرحله دموکراتیک ملی تحول را در حکم هدف میان برد خود تعیین کرده است که بر اساس "منشور دموکراسی" و "برنامه اقتصادی مردمی" ای می تواند نیازهای اقتصادی بنیادی کشور را برطرف کند، برای ما درک شدنی است.

«جبهه ضددیکتاتوری» توانایی متحد کردن همه طبقه های محروم، زنان، جوانان، و روشنفکران پیرامون طبقه کارگر را دارد.

کنگره سال گذشته حزب ما، از مبارزه حزب توده در راه صلح، دموکراسی، و حقوق بشر، و از کارزار گسترده تری که آن را کارگران،

## پیام های احزاب کارگری و کمونیستی جهان به ششمین کنگره حزب توده ایران

**پیام حزب کمونیست  
فدراسیون روسیه به شرکت  
کنندگان در کنگره ششم حزب  
توده ایران**



رفقای گرامی،

کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه درودهای برادرانه کمونیستی خود را به شرکت کنندگان در ششمین کنگره حزب توده ایران و همه اعضای حزب تقدیم می کند. در این کنگره، شما نه تنها حاصل فعالیت ها و مبارزه خود را در چند سال گذشته ارزیابی و بررسی خواهید کرد، بلکه استراتژی و تاکتیک پیکار خود را در راه تأمین حقوق توده های گسترده مردم، برای دموکراسی، و برضد امپریالیسم نیز تعیین و مشخص خواهید کرد. حزب توده ایران مبارزه اش را در دشوارترین شرایط ادامه می دهد. در تاریخ کشور شما، دوره هایی بوده است که حزب شما در معرض یورش های شدیدی قرار گرفته است و بسیاری از رهبران و اعضای حزب جان خود را در راه آرمان های مشترک ما از دست داده اند. اما نیروی عزم و اراده کمونیست های ایرانی هرگز درهم کوبیده نشده است. هر بار، حزب توده ایران توانسته است توان و پایداری برای ادامه مبارزه را بازیابد. یکی از دلیل های پشتیبانی همیشگی مردم ایران از حزب شما همین است. کمونیست های کشورهای ما پیوندهای دوستی و انترناسیونالیستی پرولتری با یکدیگر دارند. این دوستی در گذر زمان از آزمون های دشواری گذشته و سربلند بیرون آمده است.

رفقای گرامی،

امروزه، بیش از هر زمان دیگری، در مبارزه بر ضد انحصارها و برضد نیروهای تجاوزگر امپریالیستی، ما نیاز به اقدام ها و فعالیت های مشترک کمونیست های سراسر جهان داریم. هر دو حزب ما در این مبارزه نقش فعالی دارند. ما اطمینان داریم که کنگره حزب شما تصمیم هایی خواهد گرفت که زمینه را برای گسترش فعالیت حزب شما فراهم خواهد کرد. حزب کمونیست فدراسیون روسیه همبستگی خود را با حزب توده ایران در مبارزه اش در راه پیشرفت و عدالت اجتماعی، در راه تأمین منافع زحمتکشان، و در راه رسیدن به سوسیالیسم اعلام می کند. آرزوی موفقیت هرچه بیشتر در برگزاری کنگره تان را داریم.

**با درودهای برادرانه،**

**هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون  
روسیه**

**پیام کمیته مرکزی حزب ترقی خواه زحمتکشان  
قبرس (آکل) به حزب توده ایران به مناسبت ششمین  
کنگره اش**

کمیته مرکزی "آکل" به مناسبت ششمین کنگره حزب توده ایران، گرم ترین درودها و همبستگی خود را تقدیم آن حزب می کند. کنگره حزب شما در شرایطی بسیار دشوار برای زحمتکشان و مردم جهان برگزار می شود. در چهار سال گذشته، بشریت شاهد یک بحران اقتصادی جهانی نظام مندی (سیستماتیک) بوده است که به بارزترین وجهی نشان دهنده شکست سرمایه داری و سیاست های نولیبرالی است، یعنی سیاست هایی که این بحران را شدت بخشیده اند. در بیشتر کشورهای سرمایه داری رشد یافته، حقوق زحمتکشان مورد تعرض و یورش گسترده امپریالیسم و راهبردهای نولیبرالی طبقه های حاکم قرار گرفته است. نیروهای امپریالیستی در سراسر جهان، هر زمان و هر جا که برای تأمین منافع شان لازم باشد، به تهاجم نظامی از خارج و دیگر شکل های مداخله متوسل می شوند. ایران یکی از کشورهایی است که در چند سال اخیر آماج نقشه های مرکز های امپریالیستی قرار داشته است. به رغم سرشت به شدت ارتجاعی رژیم مذهبی ایران، ما قاطعانه بر این باوریم که همه نیروهای ترقی خواه و صلح خواه جهان باید رویا روی هرگونه مداخله احتمالی امپریالیستی بر ضد ایران بایستند. مداخله ای که تنها دستاوردش خون ریزی و مشقت برای مردم ایران خواهد بود.

حزب توده ایران و کادرها و اعضای آن در تاریخ فعالیت آن حزب در راه دفاع از صلح، اصول سوسیالیسم، عدالت اجتماعی و پیشرفت به سود طبقه کارگر ایران و جهان، شرایط بس دشواری و شاقی را از سرگذرانده اند. تا همین امروز هم حزب شما همچنان "غیرقانونی" است و اعضا و هواداران آن در معرض پیگرد و اذیت و آزار رژیم ایران قرار دارند.

"آکل" بار دیگر شیوه های خشونت بار و بی رحمانه رژیم ایران بر ضد حزب شما و اعضای آن را قاطعانه محکوم می کند. ما رفع ممنوعیت از فعالیت حزب شما را خواهانیم. ما مجدداً بر همبستگی خود با مبارزه حزب شما در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی در ایران و جهان تأکید می کنیم. همچنین، ما اعلام می کنیم که همواره با هرگونه مداخله خارجی در ایران و هر کشور دیگر مخالفیم. به اعتقاد ما، مردم ایران باید آزاد باشند تا درباره آینده خود تصمیم بگیرند. ما اطمینان داریم که حزب شما همواره گزینه منتخب طبقه کارگر ایران خواهد بود، حتی در شرایط دشواری که شما مبارزه تان را به طور عمده از بیرون از کشور ادامه می دهید. "آکل" همبستگی خود را با مردم ایران و حزب شما در مبارزه تان در راه پیشرفت اجتماعی، صلح، دموکراسی و استقلال کشورتان اعلام می کند.

همچنین، ما معتقدیم که نیروهای ترقی خواه چپ جهان برای تأمین و تضمین حقوق زحمتکشان، صلح و آزادی در سراسر جهان باید در خط مقدم مبارزه با امپریالیسم و جنگ قرار گیرند. در مبارزه با یورش های ظالمانه و تجاوزکارانه امپریالیستی، ما باید نیروهای خود را متحد سازیم و همبستگی مان را با همه ملت ها و جنبش هایی که برای دستیابی به دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می کنند، تقویت و تحکیم کنیم.

بار دیگر، آرزوهای صمیمانه ما را برای گفتگوها و تصمیم گیری های پربار و موفقیت آمیز در کنگره ششم تان پذیرا باشید.

**با درودهای رفیقانه،  
کمیته مرکزی "آکل"**

**ادامه در صفحه ۲۳**

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 915  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

**25 February 2013**

**شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما**

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

**حساب بانکی ما:**

نام حساب: Iran e.V.  
بانک: Berliner Sparkasse  
کد بانک: 100 500 00  
شماره حساب: 790020580  
IBAN: DE35 1005 0000  
0790 0205 80  
BIC: BELADEBEXXX